

# مردده ها می شنوند و قادر به پاسخگوئی هستند

مقدمه:

ریشه تاریخی این تفکر وهابیت

۱. ادله وهابیون و نقد آنها

بررسی ادله این نظریه

پاسخ علمای اهل سنت از این آیات :

۲. مردگان علاوه بر قدرت شنیدن، پاسخ زندگان را نیز داده اند

الف: دلیل قرآنی

ب: ادله روایی

۳. ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و شنیدن و دیدن عالم مادی:

ا: ادله قرآنی

ب: ادله روایی

۴. ادله حیات پس از مرگ

أ. آیاتی که دلالت بر حیات بعد از مرگ می کنند

ب: روایاتی که دلالت بر حیات پس از مرگ می کنند

۵. نظر علمای اهل سنت در مورد شنیدن مردگان

۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

۲. مسلم بن الحجاج نیشابوری:

۳. ابن تیمیه

۴. ابن قیم الجوزیه:

۵. ابن کثیر دمشقی سلفی

۶. ابن جریر طبری

۷. انصاری قرطبی

۸. آلوسی بغدادی

۹. محیی الدین نووی

۱۰. ابن حجر هیثمی
  ۱۱. محمد بن حسن شیبانی
  ۱۲. ابن بطلال بکری قرطبی
  ۱۳. جلال الدین سیوطی
  ۱۴. أحمد بن إدريس صنهاجی
  ۱۵. تمیمی حنبلی
  ۱۶. جکنی شنقیطی
  ۱۷. محمد بن عبدالوهاب
- نتیجه گیری:

## مقدمه:

فرقه وهابیت بر این باور هستند که انسان بعد از مردن، درک و قدرت بر ارتباط با این عالم را ندارد؛ از این رو نمی تواند صدای کسی را بشنود؛ تا چه رسد به اینکه جواب دهد. بر هیچ کس پوشیده نیست که هدف وهابیت از این سخن و اعتقاد، زیر سؤال بردن اعمال و رفتار تمام مسلمانان در زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم، ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر اولیاء و بندگان صالح خداوند است؛ به این دلیل که آن ها صدای ما را نمی شنوند و نمی توانند جواب دهند!

برای توضیح بیشتر لازم است به پاسخ گروه افتاء عربستان در جواب سؤالی که در این باره شده است، توجه نماییم:

### سألت اللجنة الدائمة للإفتاء:

قرأت في كتاب الحاوي للفتاوي للإمام السيوطي أن الميت يسمع كلام الناس، وثنائهم عليه، وقولهم فيه، وكذلك يعرف من يزوره من الأحياء، وإنّ الموتى يتزاورون، فهل هذا حسن؟ فقد اعتمد على بعض الأحاديث وبعض الآثار، وذلك في ج ٢ / ١٦٩ ، ١٧٠ ، ١٧١ .

از مجمع دائمی افتاء عربستان سؤال شد: در کتاب فتاوی امام سیوطی آمده است که مرده صدای مردم، مدح و ثنای مردم در باره مردگان و گفتار بازماندگان را در باره مرده ها، می شنود و هم چنین، مرده کسانی را که او را زیارت می کنند می شناسد و این که مردگان به زیارت همدیگر می روند.

آیا این مطالب درست است؟ سیوطی به برخی از روایات و آثار استدلال کرده است و این مطلب در جلد ۲ صفحه ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱ آمده است.

### أجابت اللجنة الدائمة:

الأصل عدم سماع الأموات كلام الأحياء، إلا ما ورد فيه النص؛ لقول الله سبحانه يخاطب نبي (ص): «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى (روم / ۵۲) الآية، وقوله سبحانه: « وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ». (فاطر/ ۲۲) وبالله التوفيق وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم .

جواب گروه افتاء: اصل این است که مردگان صدای زندگان را نمی شنوند مگر در جایی که دلیل خاص وارد شده باشد دلیل ما بر نشنیدن مردگان، این آیه است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم را مخاطب قرار داده و می فرماید: «تو نمی توانی مردگان را بشنوانی»، و نیز می فرماید: «تو نمی توانی مردگان در قبرها را شنوا سازی»، و از خدا توفیق می خواهیم و درود و سلام خدا بر پیامبر ما حضرت محمد و آل و اصحابش باد.

### اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، عضو: عضو الرئيس

عضو: عبد الله بن قعود. عضو: عبد الله بن غديان. نائب رئيس اللجنة: عبد الرزاق عفيفي. الرئيس: عبد العزيز بن عبد الله بن باز. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع أحمد بن عبد الرزاق الدويش، ج ۹، ص ۷۸، الفتوى رقم ۹۲۱۶.

متن سؤال و جواب فوق در سایت های زیر آمده است:

<http://www.alifta.net/fatawa/fatawaDetails.aspx?BookID=۳>

<http://www.startimes.com/f.aspx?t=۲۵۱۳۳۲۸۵>

با توجه به این فتاوی علمای وهابی، لازم است دیدگاه و ادله آنها را در این نوشتار در ضمن چند بخش مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

قبل از ذکر ادله و نقد آنها، به صورت اختصار به ریشه تاریخی این تفکر اشاره می کنیم:

### ریشه تاریخی این تفکر وهابیت

با بررسی روایات و تاریخ اسلام به این نتیجه می رسیم که این تفکر وهابیت ریشه در تفکر و اعمال حاکمان بنی امیه دارد و نمونه های بسیاری را می توان از رفتار و گفتار آنان در این باره ارائه داد.

## مروان بن حکم و منع از زیارت قبر مطهر رسول خدا (ص)

حاکم نیشابوری و احمد بن حنبل نقل می کنند:

مروان بن حکم (متوفای ۶۱ هجری)، در مسجد نبوی، ابو ایوب انصاری، صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را می بیند که روی قبر حضرت نشسته و اظهار عشق و ارادت می کند، گردن او را گرفت و به او اعتراض کرد و او را از این کار باز داشت. متن گفتگوی او با این صحابه دلباخته رسول خدا صلی الله علیه وآله این است:

۸۵۷۱ حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا العباس بن محمد بن حاتم الدوري ثنا أبو عامر عبد الملك بن عمر العقدي ثنا كثير بن زيد عن داود بن أبي صالح قال أقبل مروان يوما فوجد رجلا واضعا وجهه على القبر فأخذ برقبته وقال أتدري ما تصنع قال نعم فأقبل عليه فإذا هو أبو أيوب الأنصاري رضي الله عنه فقال جئت رسول الله صلى الله عليه وسلم ولم آت الحجر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا تبكوا على الدين إذا وليه أهله ولكن ابكوا عليه إذا وليه غير أهله هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه

داود بن ابی صالح نقل می کند که روزی مروان شخصی را دید که صورت بر قبر پیامبر گذاشته است، گردنش را گرفت و گفت می دانی داری چه می کنی، وقتی آمد جلوتر دید که ابویوب انصاری است، جواب داد: بله آمدم نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم و نزد سنگ قبر نیامدم، من از پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: بر دین گریه نکنید اگر به دست اهلش باشد، بر آن گریه کنید اگر به دست نا اهلان افتاد.

حاکم نیشابوری در پایان اعتراف به صحت روایت می کند:

این روایت صحیح السند است و شیخین آن را نیاوردند.

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۶۰، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

احمد بن حنبل یکی از ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت در کتاب مسند خود همین روایت را آورده است:

الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۴۲۲، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

سمهودی از بزرگان اهل سنت نیز همین روایت را آورده و گفته که سندش حسن است:

قلت رواه أحمد بسند حسن.



علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی السمهودی (المتوفی : ۹۱۱هـ) الوفاء: ۹۱۱ ، خلاصه الوفا بأخبار دار المصطفی ، ج ۱، ص ۵۹.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله (متوفای ۵۷۱هـ)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، ج ۵۷، ص ۲۴۹، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۵.

حمزه الزین، محقق مشهور و معاصر اهل سنت که کتاب مسند احمد بن حنبل را تحقیق کرده است، این روایت را صحیح می داند و در ادامه کلام جالبی علیه ابن تیمیه و وهابی ها دارد که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود :

(۲۳۴۷۶) اسناد صحیح، کثیر بن زید وثقه احمد و رضیه ابن معین و وثقه ابن عمار الموصلی و ابن سعد، و ابن حبان، و صلحه ابو حاتم و رضیه ابن عدی لکن ضعفه النسائی ولینه ابو زرعه. و تمسک قوم بتضعیف النسائی و کلام ابی زرعه و ترکوا کل هؤلاء لا لشیء الا لیضعفوا هذا الحدیث. و خطأً و الحاکم و الذهبی لانه صححاه فی المستدرک ۵۱۵/۴ علما بانهم یوثقون کثیر بن زید فی اماکن غیر هذا و معنی ذلك ان التوثیق و الاتهام یخضع للأهواء و المذاهب و هذه خیانة علمیه بحد ذاتها اما لماذا یضعفوه هنا؟ فهذه سقطه علمیه محسوبة علیهم یقولون ان فی هذا دلیل لمن یجوز التمسح بالقبور. و هل كان أبو أيوب یتمسح بقبر النبی؟ و هؤلاء عندهم عقده من أي خبر فیہ دنو من القبور و هذا اکبر دلیل علی بطلان مذهبهم، فماذا یرجى من خونة للعلم؟ و لا ندري مذهب هؤلاء. انهم یدعون انهم حنابلة تارة و لا مذهبیة تارة اخرى. فلا تبعوا الحنابلة و قد خالفوا الذهبی و هو حنبلی و لا هم اثبتوا مذهباً واضحاً صریحاً یعرف لهم و انما فی مذهب کالحیة.

سند روایت صحیح است، کثیر بن زرعه را احمد بن حنبل ثقه دانسته است و ابن معین و ابن عدی او را قبول دارند ، ابن عمار موصلی، ابن سعد، ابن حبان او را توثیق کرده اند. اما نسائی او تضعیف کرده است . و ابو زرعه او را سست می دانند و عده ای تمسک به تضعیف نسائی و ابو زرعه کردند و تمام این توثیقات را ترک کردند تا اینکه این روایات را تضعیف کنند. و قول تضعیف خطاست چونکه حاکم و ذهبی در مستدرک ج ۴، ص ۵۱۵، این روایت را صحیح السند دانستند، با اینکه معلوم است اینهاست که روایت را تضعیف کردند خودشان در جاهای دیگر کثیر بن زید را توثیق کرده اند و معنای این کار این است که اینها بر طبق هوای نفسشان و به نفع مذهبشان توثیق و تضعیف می کنند و این کار در حد ذاتش خیانت علمی است، اما چرا این روایت را تضعیف کردند؟ می گویند که در این روایت دلیلی برای قائلین به جواز تمسح به قبور است و این سقوط علمی برای آنها

محسوب می‌شود و آیا ابو ایوب انصاری خودش را به قبر پیامبر صلی الله علیه وآله می‌کشید؟ اینها از هر روایتی که نزدیک شدن به قبر را ثابت کند، عقده و کینه دارند. و این روایت بزرگترین دلیل است بر بطلان مذهب آنان، و از خائنین علم انتظاری غیر از این نمی‌رود، مذهبشان معلوم نیست. اینها(وها بیها) گاهی می‌گویند حنبلی هستند و گاهی می‌گویند که لامذهب هستند. و اینها از حنابله پیروی نکردند و با ذهبی که حنبلی است مخالفت کردند و این طور نیستند که مذهب خاصی برای خودشان داشته باشند بلکه در مذهب مثل مار هستند.

المسند للامام احمد بن حنبل، شرحه و صنع فهارسه حمزه احمد الزین ج ۱۷، ص ۴۲، ص ۴۳، طبع دار

الحديث القاهرة.

### مرده باد گفتن حجاج بن یوسف بر زائران قبر مطهر نبوی (ص)

ابن ابی الحدید سنی، اهانت حجاج بن یوسف ثقفی «متوفای ۹۵ هجری» به ساحت مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله را ذکر کرده و بزرگان اهل سنت مثل ابن عبد ربه اندلسی، أبو سعد منصور بن الحسین الآبی، مبرد از پیشوایان ادبیات عرب، این جسارت حجاج را موجب تکفیر او توسط علماء و فقهاء اهل سنت دانسته‌اند:

حجاج بن یوسف ثقفی در ضمن خطبه‌ای در کوفه گفت:

وخطب الحجاج بالكوفة فذكر الذين يزورون قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم بالمدينة

، فقال: **تباً لهم إنما يطوفون بأعواد ورمة بالية** هلا طافوا بقصر أمير المؤمنين عبد الملك ألا يعلمون أن خليفة المرء خير من رسوله .

حجاج بن یوسف ثقفی در کوفه خطبه‌ای خواند و یادی از زائران قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه کرد و گفت: مرگ بر این‌ها که بر اطراف استخوان‌های پوسیده پیامبر می‌چرخند - نستجیر بالله - چرا این‌ها نمی‌روند اطراف قصر عبدالملک بگردند، مگر نمی‌دانند که عبدالملک خلیفه خدا هست و بهتر از رسول و فرستاده خدا است .

إبن أبي الحديد المدائنی المعتزلی، ابو حامد عز الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای ۶۵۵ هـ)، شرح

نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۱۴۲، تحقیق محمد عبد الکریم النمری، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م.

اهانت و جسارت حجاج به مقام عظمای نبوی به حدی است که قلم از نوشتن آن شرم دارد و

زبان از بیان آن خجالت می‌کشد. او با کمال بی‌شرمی، نه تنها بر زائران دلسوخته مقام نبوی مرگ باد می‌گوید و بدن شریفش را به استخوانهای پوسیده بی‌خاصیت تشبیه می‌کند؛ بلکه بالاتر از آن، مردم را

به طواف دور خانه‌ای که از سنگ و کلوخ برای دشمن خدا و اهل بیت پیامبر و غاصب مسند خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله ساخته شده، تشویق می‌کند و مقام پست او را بالاتر از مقام الهی نبوی می‌داند.

به خاطر همین جسارت های او است که علمای اهل سنت حجاج را کافر دانسته‌اند. ابن عبد ربه اندلسی در عقد الفرید می‌نویسد که همین امر باعث تکفیر حجاج توسط علماء شده است :

**ومما كُفرت به العلماء الحجاج قوله ورأى الناس يطوفون بقبر رسول الله صلى الله عليه وسلم ومنبره إنما يطوفون بأعواد ورمه.**

از آن مواردی که علما حجاج را به خاطر آن کافر می‌دانند، سخن او وقتی دید که مردم مشغول طواف قبر و منبر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) هستند گفت بر اطراف استخوان های پوسیده پیامبر می‌چرخند.

الأندلسی، احمد بن محمد بن عبد ربه (متوفای: ۳۲۸هـ)، العقد الفرید، ج ۵، ص ۴۳، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت / لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م.

الآبی، ابوسعید منصور بن الحسین (متوفای ۴۲۱هـ)، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۵، ص ۲۳، تحقیق: خالد عبد الغنی محفوظ، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۴م.

مبرد، از پیشوایان ادبیات عرب (متوفای ۲۸۶هجری)، نیز می‌نویسد که همین امر باعث تکفیر حجاج توسط علماء شده است :

**إِنَّ ذَلِكَ مِمَّا كُفِّرَتْ بِهِ الْفُقَهَاءُ الْحِجَاجُ ، وَأَنَّهُ إِنَّمَا قَالَ ذَلِكَ وَالنَّاسُ يَطُوفُونَ بِالْقَبْرِ.**

الکامل فی اللغة والأدب، ج ۱، ص ۲۲۲، چاپ نهضت مصر.

از این رو، فقهاء حجاج را کافر می‌دانند، زیرا این سخن را در حالی گفت: که مردم پروانه‌وار دور قبر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می‌گشتند.

پس منشاء این تفکر در صدر اسلام و از جانب بنی‌امیه و اتباعش به وجود آمده است و یک تفکر جدیدی نیست.

حال که ریشه و اساس این تفکر را دانستیم، ابتدا ادله آن‌ها را بررسی کرده و سپس به نقد آنها خواهیم پرداخت.

## ۱. ادله وهابیون و نقد آنها

در قسمت نخست، ادله قرآنی وهابیون را ذکر و سپس به نقد استدلال آنها می‌پردازیم:

### بررسی ادله این نظریه

قائلین به این نظریه، به آیات ذیل از قرآن استدلال کرده اند:

«فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (روم/۵۲)

تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می‌گردانند

برسانی.

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ».

(فاطر/۲۲)

و زندگان و مردگان برابر نیستند. خدا هر که را خواهد می‌شنواند. و تو نمی‌توانی سخن خود

را به مردگانی که در گور خفته‌اند برسانی .

### عائشه و استدلال به این آیه و سپس رجوع از نظر خویش

به نقل علمای اهل سنت، عائشه همسر رسول خدا صلی الله علیه وآله، به این آیه بر نشنیدن

مردگان استدلال می‌کند:

و احتجاج عائشة رضي الله عنها بقوله تعالى : وما أنت بمسمع من في القبور

احتجاج عائشه رضي الله عنها به قول خداوند متعال : و تو نمی‌توانی سخن خود را به

مردگانی که در گور خفته‌اند برسانی .

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (متوفای ۹۴۲هـ)، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۴،

ص ۸۵، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى،

۱۴۱۴هـ

الأنصاری القرطبی، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن

ج ۱۳، ص ۲۳۲، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

السهیلی، أبو القاسم وأبو زید عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد بن اصبح (متوفای ۵۸۱هـ)، الروض الأنف

شرح سیره سید ولد آدم المرسلین محمد (ص)، ج ۳، ص ۸۵، طبق برنامه الجامع الكبير.

السیواسی الحنفی، کمال الدین محمد بن عبد الواحد (متوفای ۶۸۱هـ)، شرح فتح القدير، ج ۲،

ص ۱۰۴، ناشر: دار الفكر - بیروت، الطبعة: الثانية.

ابن عابدين الحنفى، محمد أمين بن عمر (متوفى ١٢٥٢هـ)، حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار فقه أبو حنيفة، ج ٣، ص ٨٣٦، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

الألوسى نعمان بن محمود (متوفى ١٣١٧هـ)، الآيات البيئات فى عدم سماع الأموات على مذهب الحنفية السادات، ج ١، ص ١٤، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانى، دار النشر: ، الطبعة: الثانية ١٣٩هـ

اما ابن حجر عسقلانى در فتح البارى مى نويسد كه عايشه از اين نظر برگشته است :

**فكانها رجعت عن الإنكار لما ثبت عندها من رواية هؤلاء الصحابة لكونها لم تشهد**

**القصة.**

عايشه از نظريه اش كه انكار شنيدن مردگان بود، برگشت بخاطر رواياتى كه از صحابه در نزد عايشه ثابت شد؛ چونكه خودش در آن قضايا حاضر نبود .

العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ٧، ص ٣٠٤، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبى بكر (متوفى ٩١١هـ)، شرح السيوطى لسنن النسائى، ج ٤، ص ١١١، تحقيق: عبدالفتاح أبو غده، ناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م

الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ٤، ص ٨٥، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

التميمي الحنبلى، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب فى الرد على من لم يحكم السنة والكتاب ج ٦، ص ٢٠٠، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الجكنى الشنقى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٥، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ١٤١٥هـ - ١٩٩٥م.

حتى اگر از اين نظر نيز بر نگشته باشد ، علمای اهل سنت استدلال وى را به اين آيات مردود مى دانند .

تميمي حنبلى مى نويسد:

وقد رأته أخرج عن صحابين جليلين ، هما ابن عمر ، وأبو طلحة النبي صلى الله عليه وسلم بأن أولئك الموتى يسمعون ما يقول لهم ، ورد عائشة لرواية ابن عمر بما فهمت من القرآن مردود كما سترى إيضاحه إن شاء الله تعالى .

و به تحقیق که بخاری از صحابه جلیل القدری مثل ابن عمر و ابوطلحه روایت نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمودند: آن مردگان (کشتگان بدر) کلام من را می‌شنوند، و عایشه که روایت ابن عمر را رد کرده است به خاطر فهمش از قرآن بوده است و نظر او مردود است همانگونه که توضیحش را خواهید دید.

التمیمی الحنبلی، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفای ۱۲۲۵هـ)، الفواکه العذاب فی الرد علی من لم یحکم السنة والکتاب، ج ۶، ص ۲۳۵، طبق برنامه الجامع الکبیر.

جکنی شنقیطی می‌نویسد:

تصریح النبی صلی الله علیه وسلم بأن أولئك الموتی یسمعون ما یقول لهم ، وردّ عائشة لروایة ابن عمر بما فهمت من القراء مردود ، کم ستری ایضاحه إن شاء الله تعالی و تصریح رسول خدا (ص) به اینکه آن مردگان (کشتگان بدر) کلام من را می‌شنوند، و عایشه که روایت ابن عمر را رد کرده است به خاطر فهمش از قرآن بوده است و نظر او مردود است همانگونه که توضیحش را خواهید دید.

الجکنی الشنقیطی، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفای ۱۳۹۳هـ)، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۶، ص ۱۳۰، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر. - بیروت. - ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م.

### پاسخ علمای اهل سنت از این آیات :

علمای اهل سنت از آیات مورد استدلال وهابیون، پاسخ‌های متعددی را ارائه کردند که در این قسمت به آنها اشاره می‌کنیم:

أ. هیچ یک از آیات قرآن صراحت در نشنیدن مردگان ندارد

حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر می‌نویسد:

وأنه لیس فی القرآن ما ینفی السماع الثابت للموتی فی الأحادیث الصحیحة .

وإذا علمت به أن القرآن لیس فیهِ ما ینفی السماع المذكور ، علمت أنه ثابت بالنص

الصحیح ، من غیر معارض .

وبه تحقیق که در قرآن مطلبی که معارض باشد، با شنیدن مردگان که با احادیث صحیح ثابت شده است وجود ندارد، و اگر دانستی که در قرآن آیه ای نیست که با شنیدن مردگان منافات داشته باشد، می‌دانید که شنیدن مردگان ثابت است با روایات صحیح بدون معارض.

الفواكه العذاب في الرد على من لم يحكم السنه والكتاب التميمي الحنبلي، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب في الرد على من لم يحكم السنه والكتاب، ج ٦، ص ١٣٩، طبق برنامہ الجامع الكبير.

ب. مراد عدم قدرت زندگان بر شنوا ساختن مردگان به صورت استقلالی است ، و نه با واسطه قدرت خدا

علامه اهل سنت آلوسی می نویسد:

«وما أنت بمسمع من في القبور» ترشیح لتمثيل المصرين على الكفر بالأموات وأشباع في إقناطه عليه الصلاة والسلام من إيمانهم والباء مزيدة للتأكيد أي وما أنت مسمع والمراد بالسماع هنا ما أريد به في سابقه ولا يأبى إرادة السماع المعروف ماورد في حديث القلب لأن المراد نفي الأسماع بطريق العادة وما في الحديث من باب «وما رميت إذ رميت ولكن الله رمى» وإلى هذا ذهب البعض وقد مر الكلام في ذلك فلا تغفل.

و آیه : تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی ، شرح می دهد مثال آوردن اصرارکنندگان بر کفر به مردگان و مبالغه در نا امیدی حضرت از ایمان آوردنشان و حرف باء (در بمسمع) زائده است برای تأکید یعنی تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی و منظور از اسماع در اینجا آن معنای گذشته است و سماع و شنیدن معروف را رد نمی کند آن سماعی که در حدیث چاه بدر آمده است چون مراد از نفی سماع، نفی عادی و استقلالی آن است و حدیث از باب ، تو تیر نانداختی و خدا تیر انداخت ، و مثل این ، و بعضی قائل به آن شدند و کلام در این باره گذشت پس غفلت نکن .

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای ١٢٧٠هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ٢٢، ص ١٨٦، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

### توضیح استدلال :

آیات فراوانی در قرآن کریم به این صورت آمده است که به مردم نشان دهد تنها خداوند مسبب الاسباب است .

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ. (الواقعه ٦٣/٦٤)

و آیا آنچه را کشت می کنید ملاحظه کرده اید؟! آیا شما آن را زراعت می کنید یا ما زراعت کننده ایم؟!

در این آیات، زراعت به خداوند متعال نسبت داده شده است و حال آنکه بر همه واضح است که کشاورز زراعت می کند ، پس چرا در این آیه زراعت به خداوند نسبت داده شده است؟ جواب این

است که خداوند متعال می خواهد به همه بفهماند که مسبب اصلی خداست ، اوست که قدرت را به کشاورز می دهد .

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ يُبَلِّي الْمَوْتِينَ مِنْهُ  
بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (الانفال/۱۷)

شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آنها را می کشت. و آن گاه که تیر می انداختی، تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت، تا به مؤمنان نعمتی کرامند ارزانی دارد. هرآینه خدا شنوا و داناست. (انفال/۱۷)

خداوند متعال در این آیات کشتن کافران و حتی تیر انداختن به طرف کفار را به خودش نسبت می دهد و حال اینکه واضح است که مسلمانان تیر می انداختند و کافران را می کشتند ، پس دلیل اینکه خداوند متعال این کار را به خود نسبت می دهد این است که مسبب الاسباب و کسی که قدرت را به مسلمانان داده است خداست .

نمونه های زیادی از این قبیل در قرآن کریم وجود دارد ، در آیه (انک لا تسمع الموتی) یعنی اینکه تو بدون اجازه خداوند متعال و قدرت خداوند متعال نمی توانی مردگان را شنوا سازی و این دلیل بر نشنیدن مردگان نمی شود .

### ج. مردگان می شنوند ولی شنیدن سودی به حال مردگان ندارد

ابن عابدین از بزرگان اهل سنت می گوید: تشبیه کفار به مردگان در این آیات به این دلیل است که شنیدن سودی به آنان نمی رساند نه اینکه مردگان صدا را نمی شنوند:  
ابن حجر از بزرگان اهل سنت می نویسد: منظور این است که سخن تو فایده ای برای مردگان نمی رساند؛ نه این که آنها نمی شنوند:

وَأَمَّا اسْتِدْلَالُهَا بِقَوْلِهِ تَعَالَى: فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى (الروم/۵۲). فَقَالُوا: مَعْنَاهَا لَا تَسْمَعُهُمْ  
سَمَاعًا يَنْفَعُهُمْ أَوْ لَا تَسْمَعُهُمْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ.

و اما استدلال عایشه به فرمایش خداوند که فرموده : ( تو نمی توانی سخنت را به مردگان برسانی ) (روم/۵۲)، علما گفته اند : منظور این است که سخن تو فایده ای برای مردگان نمی رساند، یا نمی توانی سخنت را به آنها برسانی مگر اینکه خدا بخواهد.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳۴، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.



#### د. مردگان می‌شنوند ولی سودی از امر و نهی پیامبر (ص) نمی‌برند

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می‌نویسد: منظور از شنیدن در این آیات شنیدنی است که امتثال به دنبال داشته باشد نه مطلق شنیدن ، پس این دلیل بر مدعی منکرین شنیدن مردگان نمی‌شود:

فإن المراد بذلك سمع القبول والامتثال فان الله جعل الكافر كالميت الذي لا يستجيب لمن دعاه وكالبهائم التي تسمع الصوت ولا تفقه المعنى فالميت وان سمع الكلام وفقه المعنى فإنه لا يمكنه إجابة الداعي ولا امتثال ما أمر به ونهى عنه فلا ينتفع بالأمر والنهي وكذلك الكافر لا ينتفع بالأمر والنهي وان سمع الخطاب وفهم المعنى كما قال تعالى ﴿ولو علم الله فيهم خيراً لأسمعهم﴾<sup>۱</sup> وأما رؤية الميت فقد روى في ذلك آثار عن عائشة وغيرها.

پس منظور از نفی شنیدن برای مردگان ، شنیدنی است که امتثال به دنبال داشته باشد ، خداوند در این آیه کافر را همانند مرده قرار داده است که به کسی که او را می‌خواند نمی‌تواند جواب دهد و همانند چهارپایان که سخن را می‌شنوند ولی معنی آن را نمی‌فهمند ، پس مرده اگرچه سخن را می‌شنود و معنی آن را می‌فهمد ولی نمی‌تواند جاب دهد و امر و نهی را امتثال کند ، پس امر و نهی سودی به حال او نمی‌رساند ، همانگونه که کافر از امر و نهی فایده‌ای نمی‌برد اگرچه سخن را می‌شنوند و معنی آن را می‌فهمند ، همانطور که خداوند می‌فرماید : (و اگر خدا خیری در آنان می‌یافت سخنش را به آنها می‌رساند) و اما در مورد دیدن مردگان روایاتی از عایشه و دیگران وجود دارد .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج ۲۴، ص ۳۶۳، ص ۳۶۴، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية.

#### ه. بعضی از مردگان نمی‌شنوند و بعضی دیگر می‌شنوند:

ابن قتیبه از بزرگان اهل سنت می‌نویسد که این دو آیه دلالت بر عدم شنیدن همه مردگان نمی‌کند؛ چون منظور از مردگان در اینجا جاهلان و کفار از مردگان است:

وأما قوله تعالى فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى (الروم/۵۲). وَمَا أَنْتَ بِمُسْمَعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ، (فاطر/۲۲). فليس من هذا في شيء؛ لأنه أراد بالموتى ههنا الجهال، وهم أيضاً أهل القبور يريد إنك لا تقدر على إفهام من جعله الله تعالى جاهلاً ولا تقدر على إسماع من جعله الله تعالى أصم عن الهدى.

وفي صدر هذه الآيات دليل على ما نقول، لأنه قال: وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (فاطر/١٩) يريد بالاعمى: الكافر، وبالبصير المؤمن.

(وَلَا الظُّلْمَتُ وَلَا النُّورُ). (فاطر/٢٠). يعني بالظلمات: الكفر، وبالنور: الايمان.

(وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ). (فاطر/٢١). يعني بالظل: الجنة، وبالحرور: النار.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ يعني بالآحياء: العقلاء، وبالاموات: الجهلاء.

ثم قال: إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ. (فاطر/ ٢٢)

يعني: أنك لا تسمع الجهلاء الذين كأنهم موتى في القبور، ومثل هذا كثير في القرآن، ولم

يرد بالموتى الذين ضربهم مثلاً للجهلاء شهداء بدر، فيحتج بهم علينا، أولئك عنده أحياء كما قال

الله عزوجل.

و اما فرمایش خداوند متعال که فرمود : ( تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می گردانند برسانی). (روم/٥٢) و ( و تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند برسانی). (فاطر/٢٢)، دلیلی بر مدعای اینها نمی شود ، چون منظور از مردگان در در اینجا جاهلان است ، و این جاهلان نیز اهل قبور هستند ، منظور این است که تو نمی توانی کسی که خداوند او را جاهل قرار داده را بفهمانی و صدایت را نمی توانی به کسی که خداوند او را کر نسبت به هدایت قرار داده است برسانی ، و در صدر این آیات دلیلی بر قول ما است ، چون خداوند فرمود : (نابینا و بینا برابر نیستند)، (فاطر/١٩) منظور از نابینا : کافر و منظور از بینا : مؤمن است ، (و نه تاریکی و روشنی)، (فاطر/٢٠) منظور از تاریکی : کفر و منظور از نور : ایمان است ، (و نه سایه و حرارت آفتاب) (فاطر/٢١) منظور از سایه : بهشت و منظور از حرارت آفتاب : جهنم است ، (و زندگان و مردگان برابر نیستند) منظور از زندگان : صاحبان خرد و منظور از مردگان : جاهلان است . سپس فرمود : (و زندگان و مردگان برابر نیستند. خدا هر که را خواهد می شنواند. و تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند بشنوانی) (فاطر/٢٢) منظور این است که تو نمی توانی سخن خود را به جاهلانی که مانند مردگان در قبر هستند برسانی ، و مانند این در آیات قرآن بسیار است ، و منظور از مردگانی که مثال آورده آنها را برای جاهلان ، شهدای بدر نیست تا اینکه بوسیله آن بر علیه ما استدلال شود چون شهداء زنده هستند و نزد خدا روزی می خورند ، همانگونه که خداوند فرموده است .

الدینوری، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶هـ)، تأویل مختلف الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۲، تحقیق: محمد زهری النجار، ناشر: دار الجیل - بیروت - ۱۳۹۳هـ - ۱۹۷۲م

## نتیجه:

به اقرار علمای اهل سنت، این آیات به هیچ وجه نمی‌تواند کلام وهابیون را در باره این که «مردگان مطلقاً نمی‌شنوند»، تأیید کنند.

## ۲. مردگان علاوه بر قدرت شنیدن، پاسخ زندگان را نیز داده‌اند

مطلب مهم در این بحث این است که از دیدگاه آیات و روایات، مردگان علاوه بر این که قدرت بر شنیدن دارند، پاسخ سخنان زندگان زائر را نیز می‌دهند.

## الف: دلیل قرآنی

از دیدگاه قرآن، آیه ذیل، ناب‌ترین دلیل بر اثبات مطلب فوق است:

وَسْئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَنْ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ. زخرف/۴۵

از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده‌ایم بپرس: آیا جز خدای رحمان، خدایان دیگری را برای پرستش آنها قرار داده بودیم؟

در نگاهی که مفسران اهل سنت به تفسیر این آیه دارند ثابت می‌شود که پیامبرانی که از دنیا رفته‌اند صدا را می‌شنوند و می‌توانند پاسخ دهند.

قرطبی امام اهل سنت در تفسیرش داستان سؤال رسول خدا صلی الله علیه وآله را از محضر پیامبران در شب معراج و پاسخ آنان را با آوردن روایات نقل کرده و در پایان، این تفسیر را صحیح می‌داند:

قال بن عباس وبن زید: لما أسري برسول الله صلى الله عليه وسلم من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى وهو مسجد بيت المقدس بعث الله له آدم ومن ولد من المرسلين وجبريل مع النبي صلى الله عليه وسلم فأذن جبريل صلى الله عليه وسلم ثم أقام الصلاة ثم قال: يا محمد تقدم فصل بهم فلما فرغ رسول الله صلى الله عليه وسلم قال له جبريل صلى الله عليه وسلم: «سل يا محمد من أرسلنا من قبلك من رسلنا أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا أسأل قد اكتفيت». قال بن عباس: وكانوا سبعين نبيا منهم إبراهيم وموسى وعيسى عليهم السلام فلم يسألهم لأنه كان أعلم بالله منهم

في غير رواية عن بن عباس : فصلوا خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم سبعة صفوف المرسلون ثلاثة صفوف والنبيون أربعة وكان يلي ظهر رسول الله صلى الله عليه وسلم إبراهيم خليل الله وعلى يمينه إسماعيل وعلى يساره إسحاق ثم موسى ثم سائر المرسلين فأمهم ركعتين فلما انفتل قام فقال : إن ربي أوحى إلي أن أسألكم هل أرسل أحد منكم يدعو إلى عبادة غير الله فقالوا : يا محمد إنا نشهد إنا أرسلنا أجمعين بدعوة واحدة أن لا إله إلا الله وأن ما يعبدون من دونه باطل وإنك خاتم النبيين وسيد المرسلين قد استبان ذلك لنا بإمامتك إيانا وأن لا نبي بعدك إلى يوم القيامة إلا عيسى بن مريم فإنه مأمور أن يتبع أثرك

وقال سعيد بن جبير في قوله تعالى : وأسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا قال : لقي الرسل ليلة أسري به وقال الوليد بن مسلم في قوله تعالى : وأسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا قال : سألت عن ذلك خلود بن دعلج فحدثني عن قتادة قال : سألهم ليلة أسري به لقي الأنبياء ولقي آدم ومالك خازن النار.

### قلت : هذا هو الصحيح في تفسير هذه الآية.

ابن عباس از زید نقل می کند : در شب معراج وقتی پیامبر از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی (بیت المقدس) سیر داده شد ، خداوند حضرت آدم و بقیه پیامبران را فرستاد و جبرئیل همراه پیامبر بود ، پس جبرئیل اذان داد ، سپس به من گفت ای محمد بیا جلو و امام جماعت باش ، بعد از نماز جبرئیل گفت : از پیامبران گذشته سؤال کن آیا غیر از خداوند الهی قرار دادیم که او را عبادت کنند پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند : سؤال نمی کنم به تحقیق که من به حد کفایت دانستم ، ابن عباس می گوید : هفتاد پیامبر در آن جا بودند ، از جمله ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام که پیامبر از آنها سؤال نکرد چونکه خودش علمش نسبت به خداوند از آنها بیشتر بود.

در روایتی دیگر از ابن عباس : هفت صف از پیامبران پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خواندند ، سه صف مرسلین و چهار صف نبیین و پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم ابراهیم خلیل الله و اسماعیل طرف راست و اسحاق طرف چپ ، سپس موسی و بقیه پیامبران پیش سر حضرت ایستاده بودند ، پس دو رکعت به امامت رسول الله صلی الله علیه وسلم خواندند ، بعد از تمام شدن نماز حضرت فرمود : خداوند به من وحی کرد که آیا کسی از شما برای دعوت به غیر خدا فرستاده شده است ، پس همگی گفتند : ای محمد ما شهادت می دهیم که همگی برای دعوت به یک چیز فرستاده شدیم و آن کلمه ( لا اله الا الله ) هیچ معبودی جز الله نیست و هر معبودی جز او باطل

است و تو خاتم انبیاء و سرور مرسلین هستی و این با امامت تو بر ما روشن شد و هیچ پیامبری بعد از تو تا روز قیامت نیست مگر عیسی بن مریم که مأمور است که از دین تو پیروی کند.

سعید بن جبیر در مورد این آیه : از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده‌ایم بپرس ، می‌گوید : پیامبر شب معراج با پیامبران ملاقات کرد و ولید بن مسلم در مورد این آیه می‌گوید : از خلید بن دعلج در مورد این آیه پرسیدم ، پس از قتاده برای من چنین نقل کرد : که شب معراج پیامبر با انبیاء ملاقات کرد ، با حضرت آدم و مالک خازن آتش ملاقات کرد .

نظر من این است که تفسیر صحیح این آیه همین است که ما ذکر کردیم .

الأنصاری القرطبی، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۹۴، ۹۵، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

علمای دیگر نیز روایت ملاقات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با پیامبران گذشته در شب معراج و سؤال کردن از آنها را آوردند:

النحاس المرادی المصری، أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعیل (متوفای ۳۳۸هـ)، معانی القرآن الکریم ، ج ۶، ص ۳۶۵، تحقیق : محمد علی الصابونی ، ناشر : جامعه أم القرى - مكة المرمه ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۹هـ - البغوی، الحسین بن مسعود (متوفای ۵۱۶هـ)، تفسیر البغوی، ج ۴، ص ۱۴۱، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

الزمخشری الخوارزمی، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفای ۵۳۸هـ)، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۴، ص ۲۵۸، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربی.

ابن الجوزی الحنبلی، جمال الدین ابوالفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (متوفای ۵۹۷هـ)، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۷، ص ۳۱۹، ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۴هـ

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای ۶۰۴هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۱۸۵، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

الثعالبی ، عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف (متوفای ۸۷۵هـ) ، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن ، ج ۸، ص ۹۴، ناشر : مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت.

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱هـ)، الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۳، تحقیق: سعید المندوب، ناشر: دار الفکر - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۶م.

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱هـ)، الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۸۱، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۳.

الحلبی، علی بن برهان الدین (متوفای ۱۰۴۴هـ)، السیره الحلبیه فی سیره الأئمن المأمون، ج ۲، ص ۸۲، ناشر: دار المعرفة - بیروت - ۱۴۰۰.

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای ۱۲۵۵هـ)، فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدراية من علم التفسیر، ج ۴، ص ۵۵۷، ناشر: دار الفکر - بیروت.

الألوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۱، ص ۱۳۷، ص ۱۳۸، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

### نتیجه:

خداوند متعال به پیامبر خود دستور می دهد که از پیامبران گذشته سؤال کند، در نتیجه اگر کسی بگوید که پیامبران گذشته از این دنیا که رفتند دیگر صدای ما را نمی شنوند باید ملتزم به این باشد که خداوند متعال دستور به یک کار بیهوده ای داده است و خداوند حکیم پاک و منزّه است از اینکه دستور به کار بیهوده دهد.

### ب: ادله روایی

روایات ذیل نیز در منابع اهل سنت، دلیل بر اثبات مطلب فوق است:

**شهادی احد از درون قبر جواب سلام دادند و زائر قبر صدا را شنید:**

بیهقی از علمای بزرگ اهل سنت می نویسد که زائران قبور شهادی احد سلام شهدا را از درون قبر شنیدند:

قال العطف وحدثني خالتي أنها زارت قبور الشهداء قالت وليس معي إلا غلامان يحفظان علي الدابة فسلمت عليهم فسمعت رد السلام وقالوا والله إنا نعرفكم كما يعرف بعضنا بعضا قالت فاقشعرت وقلت يا غلام أدنني بغلتي فرکت.

عاطف می گوید خاله ام به من گفت که روزی به زیارت قبر شهادی احد رفتم و فقط دو غلامی که مرکب من را محافظت می کردند همراه من بودند، پس بر قبر شهدا سلام کردم و جواب سلامشان را شنیدم و گفتند که ما شما را می شناسیم همانگونه که همدیگر را می شناسیم، گفت: از مدهوش شدم و گفتم غلام قاطر من را بیار، پس سوار شدم. در صفحه دیگر کتاب آورده:

قال الواقدي وكانت فاطمة الخزاعية تقول لقد رأيتني وقد غابت الشمس بقبور الشهداء ومعني أخت لي فقلت لها تعالي نسلم على قبر حمزة فقالت نعم فوقمنا على قبره فقلنا السلام

عليك يا عم رسول الله فسمعنا كلاما رد علينا وعليكم السلام ورحمة الله قالت وما قربنا أحد من الناس ....

أخبرنا أبو عبد الله الحافظ قال سمعت أبا يعلى حمزة بن محمد العلوي يقول سمعت هاشم بن محمد العمري من ولد عمر بن علي يقول أخذني أبي بالمدينة إلى زيارة قبور الشهداء في يوم الجمعة بين طلوع الفجر والشمس وكنت أمشي خلفه فلما انتهى إلى المقابر رفع صوته فقال سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار قال فأجيب عليك السلام يا أبا عبد الله قال فالتفت أبي إلي فقال أنت المجيب يا بني فقلت لا قال فأخذ بيدي فجعلني عن يمينه ثم أعاد السلام عليهم ثم جعل كلما سلم عليهم يرد عليه حتى فعل ذلك ثلاث مرات قال فخر أبي ساجدا شكرا لله عز وجل.

واقدی می گوید فاطمه خزاعیه می گفت که در کنار قبور شهدای احد بودم که خورشید غروب کرد و یکی از خواهرانم همراهم بود پس به او گفتم بیا به قبر حضرت حمزه سلام کنیم ، کنار قبر ایستادیم و گفتیم سلام بر تو ای عموی رسول خدا ، پس صدائی شنیدیم که جواب ما را داد و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته ....

عمر بن علی می گوید روز جمعه بین طوع فجر و طلوع خورشید پدرم من را به زیارت قبر شهدای احد برد و من پشت سر او راه می رفتم ، پدرم رو به شهدا گفت سلام بر شما بهترین جایگاه برای شماست بخاطر صبوری که کردید ، پس جواب آمد علیک السلام ای ابا عبد الله ، پدرم رو به من کرد و گفت تو جواب دادی پسر ، گفتم خیر ، پدرم دستم را گرفت و من را طرف راست خود قرار داد سپس دوباره به شهدا سلام کرد پس هر وقت سلام می کرد جواب سلامش را می دادند تا سه مرتبه این کار را تکرار شد سپس پدرم سجده شکر کرد.

البيهقي، أبي بكر أحمد بن الحسين بن علي (متوفى ٤٥٨هـ)، دلائل النبوة، ج ٣، ص ٣٠٧، ص ٣٠٨، ص ٣٠٩، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى.

علي بن عبد الله بن أحمد الحسنى السهمودى (المتوفى : ٩١١هـ) خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى ، ج ١، ص ٢٦٥، على طبق برنامج جامع الكبير .

القرشى البغدادي، أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد ابن أبي الدنيا (متوفى ٢٨١هـ) ، من عاش بعد الموت، ج ١، ص ٣٩، تحقيق: محمد حسام بيضون، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة: الأولى ١٤١٣

سيوطى نیز تصريح می کند که روایت فوق را ابن جریر در تهذیب الآثار، ابن ابی الدنيا در «من عاش بعد الموت» و بیهقی در «دلائل النبوة» آورده اند:

۳۹ وأخرج ابن جرير في تهذيب الآثار وابن أبي الدنيا في كتاب من عاش بعد الموت والبيهقي في الدلائل عن العطف بن خالد قال حدثني خالتي قالت ركبت يوما إلى قبور الشهداء وكانت لا تزال تأتيهم قالت فنزلت عند قبر حمزة رضي الله عنه فصلت عنده وما في الوادي داع ولا مجيب فلما فرغت من صلاتي قلت السلام عليكم فسمعت رد السلام علي يخرج من تحت الأرض أعرفه كما أعرف أن الله خلقني وكما أعرف الليل والنهار فاقشعرت كل شعرة مني.

السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن (متوفى ۹۱۱هـ)، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ج ۱، ص ۲۰۷، تحقيق: عبد المجيد طعمة حلي، دار النشر: دار المعرفة - لبنان، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م  
از آنجایی که این بزرگان اهل سنت، روایت فوق را در کتابهای معتبرشان نقل کرده اند، روشن می شود که روایت از نظر آنها معتبر و قابل استدلال است.  
در نتیجه، از دیدگاه آیات و روایات، مردگان هم قدرت بر شنیدن دارد و هم می توانند پاسخ بدهند.

### ۳. ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و شنیدن و دیدن عالم مادی:

مطلب دیگری که باید در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد، نقل ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و دیدن و شنیدن آنها است. این مطلب در آیات قرآن و روایات فراوان آمده است که در این قسمت به آن اشاره می کنیم:

#### ۱: ادله قرآنی

##### ۱. دیدار رسول خدا (ص) با حضرت موسی (ع)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ.

(السجده/۲۳)

هرآینه به موسی کتاب دادیم پس از دیدار کردن با او در تردید مباش. و آن کتاب را هدایت گر بنی اسرائیل قرار دادیم.

خداوند متعال وعده دیدار با حضرت موسی را به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم داده است. مفسرین بزرگ اهل سنت می گویند این دیدار در دنیا بعد از رحلت حضرت موسی بوده است، پس حضرت موسی بعد از مردن حیات دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان ملاقات می کند و صحبت می کند.



بخاری در صحیح خودش می نویسد این دیدار رسول خدا با حضرت موسی و نیز با حضرت عیسی علیهم السلام در شب معراج صورت گرفته است:

۳۰۶۷ حدثنا محمد بن بشار حدثنا غندر حدثنا شعبة عن قتادة وقال لي خليفة حدثنا يزيد بن زريع حدثنا سعيد عن قتادة عن أبي العالیة حدثنا بن عم نبيكم يعني بن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال رأيت ليلة أسري بي موسى رجلاً آدم طوالاً جعداً كأنه من رجال شنوءة ورأيت عيسى رجلاً مربوعاً مربوع الخلق إلى الحمرة والبياض سبط الرأس ورأيت مالكا خازن النار والدجال في آيات أراهن الله إياه (فلا تكن في مريّة من لقائه) قال انس وأبو بكره عن النبي صلى الله عليه وسلم تحرس الملائكة المدينة من الدجال.

به نقل از ابن عباس از رسول الله صلى الله عليه وسلم که فرمودند: در شب معراج موسی را دیدم که قدش بلند و سبزه مثل مردان قبیله شنوءه بود و عیسی را دیدم که قد متناسب و سرخ و سفید بود و مالک خازن آتش و دجال را دیدم، در آیاتی که خداوند به پیامبرش نشان داد، پس از دیدار او در تردید مباش، انس و ابوبکره از پیامبر صلى الله عليه وسلم نقل کردند که فرشته‌ها مدینه را از شر دجال محافظت می‌کنند.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۸۲، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

مسلم نیشابوری نیز در صحیحش همین روایت را آورده است:

۱۶۵ وحدثنا عبد بن حمید أخبرنا یونس بن محمد حدثنا شیبان بن عبد الرحمن عن قتادة عن أبي العالیة حدثنا بن عم نبيكم صلى الله عليه وسلم قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مررت ليلة أسري بي على موسى بن عمران عليه السلام رجل آدم طوالاً جعداً كأنه من رجال شنوءة ورأيت عيسى بن مريم مربوع الخلق إلى الحمرة والبياض سبط الرأس وأري مالكا خازن النار والدجال في آيات أراهن الله إياه «فلا تكن في مريّة من لقائه» قال كان قتادة يفسرها أن نبي الله صلى الله عليه وسلم قد لقي موسى عليه السلام

به نقل از ابن عباس از رسول الله صلى الله عليه وسلم که فرمودند: در شب معراج موسی را دیدم که قدش بلند و سبزه مثل مردان قبیله شنوءه بود و عیسی را دیدم که قد متناسب و سرخ و سفید بود و مالک خازن آتش و دجال را دیدم، در آیاتی که خداوند به پیامبرش نشان داد، پس از دیدار او

در تردید مباش ، ( قتاده اینگونه این آیه را تفسیر می کرد که پیامبر صلی الله علیه وسلم با موسی ملاقات کرد )

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۱، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

معظم مفسرین نیز این آیه را اینگونه تفسیر کرده اند و ما با ذکر روایت صحیح بخاری و مسلم که از اصح الکتب نزد اهل سنت است، احتیاجی به ذکر بقیه کتب نمی بینیم .

۲. خداوند، رسول خدا و مردگان اعمال زندگان را می بینند :

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (التوبه/۱۰۵)

بگو: عمل کنید ، که خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهان و آشکارا بازگردانده می شوید و او از اعمالتان آگاهتان خواهد کرد.

در این آیه خداوند متعال می فرماید: پیامبر و مؤمنین اعمال ما را می بینند و این نشان می دهد که پیامبر بعد از رحلتش حیات دارد که می تواند اعمال را ببیند. با رجوع به روایات این مطلب روشن می شود .

روایت اول؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اعمال بندگان را می بیند :

هیثمی از علمای بزرگ اهل سنت روایت عرضه شدن اعمال امت بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از وفات حضرت را آورده و می گوید که روایت صحیح است :

- باب ما يحصل لأئمة صلی الله علیه وسلم من استغفاره بعد وفاته

عن عبدالله بن مسعود عن النبي صلی الله علیه وسلم قال إن لله ملائكة سياحين يبلغون عن أمتي السلام قال وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم حياتي خير لكم تحدثون وتحدث لكم ووفاتي خير لكم تعرض علي أعمالكم فما رأيت من خير حمدت الله عليه وما رأيت من شر استغفرت الله لكم.

رواه البزار ورجاله رجال الصحيح.

باب استغفار پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وفاتش برای امت خود :

به نقل از عبدالله بن مسعود به نقل از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم که فرمودند خداوند فرشته هائی دارد که سلام امت من را به من می رسانند و نیز فرمودند : زنده بودن من برای شما

سود دارد با من حرف می‌زنید من هم با شما حرف می‌زنم و وفاتم نیز برای شما سود دارد کردار شما بر من عرضه می‌شود پس هر وقت کار خیری از شما ببینم خدا را شکر می‌کنم و هر وقت کار شر از شما دیدم برای شما استغفار می‌کنم .

بزار این را روایت کرده و راویان روایت همه راویان صحیح بخاری هستند .(پس روایت صحیح است)

الهیتمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۴ ناشر: دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷ هـ

روایت دوم؛ مؤمنین هم بعد از مرگ اعمال مردم را می‌بینند و حیات دارند و صداها را می‌شنوند :

امام اهل سنت احمد بن حنبل در مسندش از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت آورده که اعمال مردم بر نزدیکانشان که از دنیا رفته‌اند عرضه می‌شود :

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الرزاق ثنا سفيان عن سمع أنس بن مالك يقول قال النبي صلى الله عليه وسلم ان أعمالكم تُعرضُ على أقاربكم وعشائركم من الأموات فان كان خيراً استبشروا به وان كان غير ذلك قالوا اللهم لا تمتهم حتى تهديهم كما هديتنا.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: اعمال شما بر نزدیکانتان که از دنیا رفتند عرضه می‌شود ، اگر اعمال شما خیر باشد خوشحال می‌شوند، و اگر اعمالتان خیر نبود، می‌گویند خدایا آنها را نمیران تا اینکه هدایتشان کنی همانگونه که ما را هدایت کردی.

الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۱۲۷۰۶ ناشر: مؤسسه قرطبه - مصر.

دیگر بزرگان اهل سنت همین روایت را آوردند:

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴ هـ)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۸۸، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱ هـ

الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب (متوفای ۳۶۰ هـ)، المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۲۹، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ناشر: مکتبه الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۳ م.

الهیتمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۲، ص ۳۲۸، ناشر: دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷ هـ

جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی الوفاء: ۹۱۱ هـ، الفتح الکبیر فی ضم الزیادة إلی الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۷۲، دار النشر: دار الفکر - بیروت / لبنان - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: یوسف النبهانی

الهیثمی، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر (متوفای ۹۷۳هـ)، الفتاوی الكبرى الفقهیة، ج ۲، ص ۲۹،  
دار النشر : دار الفكر

الهندي، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين (متوفای ۹۷۵هـ)، كنز العمال فی سنن الأقبوال  
والأفعال، ج ۱۵، ص ۳۲۶، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، ناشر: دار الكتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ -  
۱۹۹۸م.

ابو داود در کتاب «الزهد» روایت دیگری را با سندی که همه رجال آن موثق هستند نقل کرده و  
در آن تصریح شده است که اعمال بندگان بر عشیره و اقوام شان عرض می شود، آنها از اعمال صالح  
شاد و از اعمال زشت ناراحت می شوند:

حدثنا ابو داود قال: نا موسى بن إسماعيل، قال: نا ابن المبارك، قال: أنا صفوان بن عمرو  
عن عبد الرحمن بن جبير بن نفير، قال: قال أبو الدرداء: ألا إن أعمالكم تعرض على عشائركم،  
فمساءون ومسرورون، فأعوذ بالله أن أعمل عملاً يخزي به عبد الله بن راحة و هو اخوه من امه.

الأزدي السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو (متوفای ۲۷۵هـ)،  
الزهد لأبي داود، ج ۱، ص ۲۲۷، دار النشر: طبق برنامه الجامع الكبير.

این روایت در کتاب «المنامات» نیز آمده است:

القرشي البغدادي، أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبید ابن أبي الدنيا (متوفای ۲۸۱هـ)، المنامات، ج ۱، ص ۹،  
تحقیق: عبد القادر أحمد عطا، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بیروت، الطبعة: الأولى ۱۴۱۳ - ۱۹۹۳

حاکم در مستدرک روایتی دیگری را نقل کرده که اعمال ما بر اهل قبور عرضه می شود و در  
پایان به صحت روایت تصریح می کند:

أخبرنا أبو النضر الفقيه وإبراهيم بن إسماعيل القارئ قالنا ثنا عثمان بن سعيد الدارمي ثنا  
يحيى بن صالح الوحاظي ثنا أبو إسماعيل السكوني قال سمعت مالك بن أدي يقول سمعت  
النعمان بن بشير رضي الله عنهما يقول وهو على المنبر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم  
يقول ألا إنه لم يبق من الدنيا إلا مثل الذباب تمور في جوها فالله الله في إخوانكم من أهل القبور  
فإن أعمالكم تعرض عليهم .

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه .

نعمان بن بشير می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وسم شنیدم که فرمود: .... خدا را خدا را  
در باره اهل از برادران تان؛ چرا که اعمال شما بر آنها عرضه می شود.  
این روایت صحیح است و لی مسلم و بخاری آن را نیاورده اند.

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۴۲، ح ۷۸۴۹، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰

## ب: ادله روایی

### ۱. سخن گفتن پیامبر (ص) با کشتگان بدر:

بخاری در سه جای صحیحش آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشتگان بدر سخن گفت و عمر بن الخطاب به حضرت اعتراض کرد:

حدثني عبد الله بن محمد سمع رَوْحَ بنِ عَبَادَةَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بنِ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ قَالَ ذَكَرَ لَنَا أَنَسُ بنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ يَوْمَ بَدْرٍ بِأَرْبَعَةٍ وَعَشْرِينَ رَجُلًا مِنْ صَنَادِيدِ قُرَيْشٍ فَقَذَفُوا فِي طَوِيٍّ مِنْ أَطْوَاءِ بَدْرٍ حَيْثُ مُخَبَثٌ وَكَانَ إِذَا ظَهَرَ عَلَى قَوْمٍ أَقَامَ بِالْعَرَصَةِ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَلَمَّا كَانَ بِبَدْرٍ الْيَوْمَ الثَّلَاثِ أَمَرَ بِرَأْحِلَتِهِ فَشَدَّ عَلَيْهَا رَحْلَهَا ثُمَّ مَشَى وَاتَّبَعَهُ أَصْحَابُهُ وَقَالُوا مَا نَرَى يَنْطَلِقُ إِلَّا لِبَعْضِ حَاجَتِهِ حَتَّى قَامَ عَلَى شَفَةِ الرَّكِيِّ فَجَعَلَ يَنَادِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ يَا فُلَانُ بنِ فُلَانٍ وَيَا فُلَانُ بنِ فُلَانٍ أَيَسْرُكُمُ أَنْكُمْ أَطَعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَا نَا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالَ فَقَالَ عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تُكَلِّمُ مِنْ أَجْسَادٍ لَنَا أَرْوَاحَ لَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ قَالَ قَتَادَةُ أَحْيَاهُمْ اللَّهُ حَتَّى أَسْمَعَهُمْ قَوْلَهُ تَوْبِيخًا وَتَصْغِيرًا وَنَقْمَةً وَحَسْرَةً وَنَدْمًا.

به نقل از ابی طححه ، پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد که بیست و چهار نفر از بزرگان قریش را در چاله‌ای از چاله‌های بدر که خیلی کثیف و آلوده بود انداختند...پیامبر صلی الله علیه وسلم در کنار آن چاله ایستاد و آن کشته‌ها را با اسم خودشان و پدرانشان صدا زد .... ما آنچه که پروردگاران وعده کرده بود را حق یافتیم آیا شما وعده پروردگارتان را حق یافتید پس عمر گفت ای فرستاده خدا چرا با جسدهائی حرف می‌زنی که روح ندارند پس پیامبر صلی الله علیه وسلم جواب دادند : قسم به خدائی که جان من محمد در دست اوست شما شنوا به آنچه می‌گویم از آنها نیستید قتاده گفت خداوند آنها را زنده کرد تا قول پیامبر را بشنوند برای خوارکردن و توبیخ کردن و حسرت خوردن آنها بود .

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای ۲۵۶ هـ)، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۶۱، ح ۳۷۵۷، ص ۱۴۷۶، ح ۱۳۰۴، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۳۸۰۲، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

مسلم نیشابوری در صحیح خود روایت حرف زدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشته‌های بدر و اعتراض عمر و جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنها شنواتر از شما هستند، را آورده است :

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحیح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠٢-٢٢٠٣، ح ٢٨٧٤، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

پس واضح است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشتگان بدر صحبت کرده و عمر اعتراض کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب داد که آنها از شما شنواتر هستند ، طبق این روایت ثابت می‌شود که مردگان می‌شنوند همانگونه که علمای اهل سنت به این روایت بر شنیدن مردگان استناد کردند .

**استدلال محمد بن عبد الوهاب به این روایت برای شنیدن مردگان:**

حتی ابن عبد الوهاب امام وهابیت به این روایت و روایت های دیگر بر شنیدن مردگان استدلال می‌کند :

أخرج أحمد وغيره عن أبي سعيد أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: إن الميت يعرف من يغسله ويحمله ومن يكفنه ومن يدليه في حفرة.

وأخرج أبو نعيم وغيره عن عمرو بن دينار قال : ما من ميت يموت إلا روحه في يد ملك الموت ينظر إلى جسده ، كيف يغسل ، وكيف يكفن ، وكيف يمشی به ، ويقال له وهو على سريره: اسمع ثناء الناس عليك.

وأخرج ابن أبي الدنيا معناه عن جماعة من التابعين بلفظ : بيد ملك . بلا إضافة .

وللشيخين عن أنس: أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على قتلى بدر فقال: يا فلان بن فلان يا فلان بن فلان هل وجدتم ما وعد ربكم حقاً؟ فإني وجدت ما وعدني ربي حقاً فقال عمر: يا رسول الله، كيف تكلم أجساداً لا أرواح فيها؟ فقال: ما أنتم بأسمع لما أقول منهم ، غير أنهم لا يستطيعون أن يردوا علي شيئاً.

احمد بن حنبل و دیگران از ابی سعید خدری از رسول الله صلی الله علیه و سلم نقل کردند که فرمود : مرده شخصی که او را غسل می‌دهد و کسی که جنازه او را برمی‌دارد و کسی که او را کفن می‌کند و کسی که بدن را در قبر می‌گذارد، را می‌شناسد.

و ابو نعیم و دیگران از عمرو بن دینار نقل کرده اند که گفته : هر کس که بمیرد روحش در دست فرشته مرگ است و به جسدش نگاه می کند ، چگونه غسلش می دهند و چگونه کفنش می کنند و روی دوش می برند و در حالی که در تابوت است به او گفته می شود که : ثنای مردم را بر خودت بشنو .

و ابن ابی دنیا این روایت را به همین مضمون از جماعتی از تابعین با این لفظ نقل کرده است :  
بید ملک، بودن هیچ اضافه ای .

مسلم و بخاری از انس نقل می کنند : پیامبر صلی الله علیه وسلم کنار کشته های بدر ایستاد پس فرمود : ای فلان بن فلان ، ای فلان بن فلان آیا آنچه که خدا به شما وعده داده بود را حق یافتید ؟ همانا که من آنچه را که خداوند به من وعده داده بود را حق یافتم ، پس عمر گفت : ای رسول الله ، چگونه با اجسادی حرف می زنی که روح در آنها نیست ؟ پس پیامبر فرمود : شماها شنواتر از آنها به آنچه می گویم نیستید ، غیر از اینکه آنها نمی توانند پاسخ دهند.

محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ هـ)، أحكام تمنی الموت ، ج ۱، ص ۴۵۸، تحقیق : الشيخ عبد الرحمن بن محمد السّدحان ، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرین ، ناشر : مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة : الأولى .

### عمومیت این روایت برای تمامی مردگان کفار

علمای اهل سنت تصریح کرده اند که شنیدن و آگاهی، مخصوص کشتگان بدر نیست؛ بلکه شامل سایر مردگان نیز می شود.

### تمیمی حنبلی:

وی بعد از نقل روایت نظر خودش را در باره تعمیم مفاد روایت این گونه می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم في ذلك

تخصيصاً ،

روایات شنیدن کشتگان بدر بعد از مرگ روایت صریحی در اثبات شنیدن مردگان است و پیامبر صلی الله علیه وسلم در شنیدن مردگان نفرموده که مختص به کشتگان بدر است .

التمیمی الحنبلی، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفای ۱۲۲۵ هـ)، الفواکه العذاب فی الرد علی من لم يحکم السنة والکتاب، ج ۶، ص ۱۹۵، طبق برنامه الجامع الکبیر.

### جکني شنقيطي:

وی نیز بعد از نقل روایت فوق می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم فيه تخصيصاً .  
الجبني الشنقيطي، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان في إيضاح القرآن  
بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٠ تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ١٤١٥هـ -  
١٩٩٥م.

او در جای دیگر بعد از نقل روایت قرع نعال که بعد از ذکر می‌کنیم، نیز بر شنیدن اموات تصریح  
کرده است:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى، وظاهره العموم في كل من دفن وتولّى عنه  
قومه، كما ترى.

أضواء البيان، ج ٦، ص ١٣١

٢. مرده صدای پای مردم را می‌شنود:

مسلم نیشابوری در صحیح خودش آورده است که مرده صدای نعلین مردم را هنگام رفتنشان  
از کنار قبر، می‌شنود:

وحدثنا محمد بن منْهَالِ الضَّرِيرُ حدثنا يَزِيدُ بن زُرَيْعٍ حدثنا سَعِيدُ بن أَبِي عَرُوبَةَ عن قَتَادَةَ  
عن أَنَسِ بن مَالِكٍ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ إِنَّهُ لَيَسْمَعُ  
خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا انْصَرَفُوا.

به نقل از انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: وقتی که مرده را در قبر  
می‌گذارند، مرده صدای نعلین مردم را هنگام رفتنشان از کنار قبر را می‌شنود.

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحیح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠١، ح ٢٨٧٠  
و ج ٤، ص ٢٢٠٠، ح ٢٨٧٠ تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

بخاری در صحیحش همین روایت را با تفصیل بیشتر آورده است :

٦٦ بَابُ الْمَيِّتِ يُسْمَعُ خَفَقَ النَّعَالِ

صحیح البخاری، ج ١، ص ٤٤٨

و در جای دیگر می‌نویسد:

حدثنا عِيَّاشُ بنُ الْوَلِيدِ حدثنا عبد الأعلى حدثنا سَعِيدُ بن قَتَادَةَ عن أَنَسِ بن مَالِكٍ رضي  
الله عنه أَنَّهُ حَدَّثَهُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ  
أَصْحَابُهُ وَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرَعَ نَعَالِهِمْ.....



البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۱۳۰۸، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

**استدلال ابن تیمیه به این روایت برای اثبات توانایی مردگان بر شنیدن :**

حتی ابن تیمیه رئیس تفکر وهابیت به این روایت بر شنیدن مردگان استدلال می کند:

**فان الميت یسمع النداء** كما ثبت فی الصحیح عن النبی صلی الله علیه وسلم أنه قال ( انه لیسمع قرع نعالمهم ، وأنه قال (ما أتم بأسمع لما أقول منهم) وأنه أمرنا بالسلام علی الموتی فقال: ما من رجل یمر بقبر الرجل کان یعرفه فی الدنیا فیسلم علیه الا رد الله روحه حتی یرد علیه السلام (والله أعلم).

پس مرده صدا را می شنود همانگونه که در روایت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم : مرده صدای نعلین تشیع کندگان را می شنود ....

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۲۴، ص ۲۹۷، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

و در جای دیگر می گوید:

فلا ریب أن الموتی یسمعون خفق النعال كما ثبت عن رسول الله ( وما من رجل یمر بقبر الرجل کان یعرفه فی الدنیا فیسلم علیه الا رد الله روحه حتی یرد علیه السلام ( ۲ صح ذلك عن النبی إلى غیر ذلك من الأحادیث.

بدون شک و تردید، مردگان صدای نعلین زندگان را می شنوند؛ چنانچه این مطلب در روایت رسول خدا ثابت شده است .... این روایت از رسول خدا صحیح است و روایات دیگر.

کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه، ج ۲۴، ص ۱۷۳

پس طبق روایات بخاری و مسلم که از صحیح ترین کتابها بعد از قرآن نزد اهل سنت هست ، ثابت می شود که مرده آهسته ترین صداها را هم می شنود حتی صدای پای تشیع کنندگان.

**۳. سلام پیامبر به اموات:**

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از مردگان و سلام کردن به آنها در قبرستان یکی دیگر از ادله توانایی مردگان بر شنیدن است ؛ به خصوص که در این روایات آمده است که رسول خدا (ص) آنها را با ضمیر مخاطب «کم» خطاب قرار داده است ؛ و اگر آنها توانایی شنیدن نداشتند ، چنین کاری لغو و بیهوده بود :

۲۴۹ حدثنا قُتَيْبَةُ بن سَعِيدٍ حدثنا عبد العزيز يَعْنِي الدَّرَاوَرْدِيَّ ح وحدثني إسحاق بن موسى الأَنْصَارِيُّ حدثنا مَعْنٌ حدثنا مَالِكٌ جميعاً عن الْعَلَاءِ بن عبد الرحمن عن أبيه عن أبي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ إِلَى الْمَقْبَرَةِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ بِمِثْلِ حَدِيثِ إِسْمَاعِيلِ بن جَعْفَرٍ غيرَ أَنَّ حَدِيثَ مَالِكٍ فَلْيُذَادَنَّ رِجَالٌ عَنْ حَوْضِي.

ابوهريره نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج شد به سمت قبرستان پس فرمود : سلام بر شما اهل دیار مؤمنین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم ، مثل حدیث اسماعیل بن جعفر و حدیث مالک با این اضافه است که بعضی از اصحاب من روز قیامت از کنار حوض من رانده می شوند.

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۸، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

#### ابن تيميه

ابن تيميه رهبر فکری و هابيت اعتراف می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور به سلام کردن به مردگان داده است:

وقد ثبت عنه في الصحيحين من غير وجه أنه كان يأمر بالسلام على أهل القبور ويقول (قولوا السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين وانا ان شاء الله بكم لاحقون ويرحم الله المستقدمين منا ومنكم والمستأخرين نسأل الله لنا ولكم العافية اللهم لا تحرمنا أجرهم ولا تفتنا بعدهم واغفر لنا ولهم ، فهذا خطاب لهم وإنما يخاطب من يسمع

و ثابت است روایت در صحیح بخاری و مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرق مختلف که دستور به سلام کردن بر مردگان داده است و می فرمود ( بگوئید سلام بر شما ای اهل دیار مؤمنین و مسلمین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم و خداوند مستقدمین و مستأخرین از ما و شما را رحمت کند و از خداوند برای ما و شما طلب عافیت داریم ، خدایا ما از اجر و پاداششان محروم نکن و ما و آنها را ببخش. و این خطاب به مردگان است و فقط کسی که می شنود مورد خطاب قرار می گیرد.

ابن تيميه الحراني الحنبلي، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸هـ)، كتب و رسائل و فتاوی شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ۲۴، ص ۳۶۳، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.

#### ۴. مردگان افراد زنده کنار قبر خود را می بینند

احمد بن حنبل امام اهل سنت در مسند خود می نویسد که عایشه اعتقاد دارد که عمر از درون قبر می بیند :

۲۵۷۰۱ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حماد بن أسامة قال أنا هشام عن أبيه عن عائشة قالت كنت أدخل بيتي الذي دُفن فيه رسول الله صلى الله عليه وسلم وأبي فاضع ثوبي فأقول إنما هو زوجي وأبي فلما دُفن عمر معهم فوالله ما دخلت إلا وأنا مشدودة على ثيابي حياء من عمر. عایشه می گوید : داخل خانه ام که پیامبر صلی الله علیه وسلم و پدرم در آن دفن بودند ، می شدم و حجاب خودم را می گذاشتم کنار و می گفتم که پدر و شوهرم فقط اینجا هستند ، پس وقتی که عمر با آنها دفن شد ، به خدا قسم دیگر وارد نشدم مگر اینکه لباسهایم را به خودم می پیچیدم به خاطر اینکه از عمر خجالت می کشیدم .

الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۰۲، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

حاکم نیشابوری در مستدرک همین روایت را آورده و تصریح می کند که این روایت صحیح است :

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه.

این حدیث صحیح است بر طبق شرایط صحت روایت در صحیح مسلم و صحیح بخاری و در کتابشان نیآورده اند .

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۳، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م  
هیثمی نیز این روایت را ذکر می کند و می نویسد : تمام راویان آن از راوت صحیح بخاری هستند :

رواه أحمد ورجاله رجال الصحيح.

احمد بن حنبل این روایت کرده و راویان این روایت ، راویان صحیح بخاری است .

الهیثمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۸، ص ۲۶، ناشر: دار الریان للتراث/ دار الکتب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷هـ

پس طبق این روایت نظر عایشه این است که عمری که مرده و دفن شده است از درون قبر او را می بیند و عایشه مجبور می شود که با حجاب کنار قبر برود.

#### ۵. پاسخ مردگان به سلام زنده ها:

مرده از درون قبر به کسانی که در کنار قبر وی به او سلام می کنند نگاه می کند و جواب سلامشان را می دهد :

أخبرنا أبو عبد الله عبيد بن محمد قراءة مني عليه سنة تسعين وثلاثمائة في ربيع الأول قال أملت علينا فاطمة بنت الريان المستملي في دارها بمصر في شوال سنة اثنتين وأربعين وثلاث مئة قالت حدثنا الربيع بن سليمان المؤذن صاحب الشافعي قال حدثنا بشر بن بكير عن الأوزاعي عن عطاء عن عبيد بن عمير عن بن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «ما من أحد مر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فسلم عليه إلا عرفه ورد عليه السلام».

از ابن عباس به نقل از پیامبر صلی الله علیه وسلم : هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذر که در دنیا او را می شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می شناسد و جواب سلام او را می دهد .

النمرى القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفى ٤٦٣هـ)، الاستذكار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار في شرح الموطأ، ج ١، ص ١٨٥ تحقيق: سالم محمد عطا - محمد على معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٠م.

#### تصحیح روایت توسط عینی :

بدر الدین عینی شارح صحیح بخاری می نویسد سند روایت صحیح است :

وعند ابن عبد البر ، **بسند صحیح** : « ما من أحد يمر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا عرفه ورد عليه السلام » . ولما أخرج الترمذي حديث بريدة ، قال : والعمل على هذا عند أهل العلم : لا يرون بزيارة القبور بأسا . وهو قول ابن المبارك والشافعي وأحمد وإسحاق .

و از ابن عبد البر با سند صحیح روایت شده : هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذر که در دنیا او را می شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می شناسد و جواب سلام او را می دهد ، و ترمذی وقتی که حدیث بریده را آورده گفته : اهل علم به این روایت عمل کردند : و علما زیارت قبور را جایز می دانند ، و این قول ابن مبارک و شافعی و احمد بن حنبل و اسحاق است .

العيني الغيتابي الحنفى، بدر الدين ابومحمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج ٨، ص ٦٩، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

### تصحیح روایت توسط ابن تیمیه:

ابن تیمیه می گوید که این روایت از پیامبر ثابت و صحیح است :

**كما ثبت عن رسول الله** «وما من رجل يمر بقبر الرجل كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه الا

رد الله عليه روحه حتى يرد عليه السلام» صح ذلك عن النبي إلى غير ذلك من الأحاديث.

روایت ثابت است از پیامبر هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذر که در دنیا او را می شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می شناسد و خدا روحش را برمی گرداند و جواب سلام او را می دهد و این روایت ثابت است از پیامبر و روایات دیگر هم وجود دارد .

ابن تیمیه الحرانى الحنبلى، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تیمیه، ج ٢٤، ص ١٧٣تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرانى أبو العباس الوفاء: ٧٢٨، قاعدة جلیلة فى التوسل والوسيلة، ج ١، ص ١٥٠ دار النشر: المكتب الإسلامى - بيروت - ١٣٩٠ - ١٩٧٠، تحقیق: زهير الشاويش

أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرانى أبو العباس الوفاء: ٧٢٨، الرد على الأحنائى واستحباب زیارة خیر البریة، ج ١، ص ٨٨ دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة، تحقیق: عبد الرحمن بن يحيى المعلمى الیمانى  
ابن تیمیه الحرانى الحنبلى، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ٢، ص ٤٤٢، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسه قرطبة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦هـ

### نقل تصحیح روایت توسط محمد بن عبد الوهاب:

حتى محمد بن عبد الوهاب امام وهابیت این روایت را آورده و می نویسد که عبد الحق روایت را تصحیح کرده است :

أخرج ابن عبد البر عن ابن عباس قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ' ما من أحد

يمرّ بقبر أخيه المؤمن - كان يعرفه في الدنيا - فيسلم عليه ، إلا عرفه ورد عليه السلام صححه عبد الحق ، وفي الباب عن أبي هريرة وعائشة .

محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦ هـ)، أحكام تمنى الموت، ج ١، ص ٤٦، تحقیق: الشيخ عبد الرحمن

بن محمد السّدحان ، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين ، ناشر: مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة: الأولى .

## ۶. جواب پیامبر (ص) در قبر به سلام حضرت عیسی علیه السلام

ابو یعلی موصلی در کتابش آورده که پیامبر فرمود: در زمانی که حضرت عیسی نازل می شود اگر کنار قبر من بایستد و مرا بخواند و من جوابش را می دهم:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي صَخْرٍ، أَنَّ سَعِيدًا الْمَقْبَرِيَّ أَخْبَرَهُ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) يَقُولُ: " وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ، لَيَنْزِلَنَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا مُقْسِطًا وَحَكَمًا عَدْلًا، فَلَيَكْسِرَنَّ الصَّلِيبَ، وَلَيَقْتُلَنَّ الْخَنزِيرَ، وَلَيُصَلِّحَنَّ ذَاتَ الْبَيْنِ، وَلَيَذْهَبَنَّ الشَّحْنَاءَ، وَلَيُعْرِضَنَّ عَلَيْهِ الْمَالَ فَلَا يَقْبَلُهُ، ثُمَّ لَيُنْ قَامَ عَلَى قَبْرِي، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ لِأَجِيبَنَّهُ."

از رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نقل می کند که فرمود: به تحقیق عیسی بن مریم نازل می شود و حال اینکه امامی عدالت گستر و حاکمی عادل است، پس صلیب را می شکند و گراز را می کشد، و اختلافات و کینه و دشمنی را از بین می برد و اموال بر او عرضه می شود او قبول نمی کند، سپس وقتی که بر قبر من بایستد و بگوید: ای محمد، من جواب او را خواهم داد.

سند حدیث معتبر است، تمام راویان آن از روایت بخاری و مسلم است، غیر از ابوصخر حمید که فقط از روایت مسلم است و هر کس که از راویان مسلم و بخاری باشد در نزد اهل سنت ثقه است؛ چرا که همه، روایات بخاری و مسلم را صحیح می دانند و شک در آن را جایز نمی دانند. حسین سلم أسد در ذیل این روایت می نویسد:

### إسناد صحیح.

أبو یعلی الموصلی التیمی، أحمد بن علی بن المثنی (متوفای ۳۰۷ هـ)، مسند أبی یعلی، ج ۱۱، ص ۴۶۲، ح ۶۵۸۴، تحقیق: حسین سلیم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۴ م.

البانی این روایت را «روایت: ۲۷۳۳ - (الصحيحه)» آورده است:

السلسلة الصحيحه - (ج ۶ / ص ۲۳۶)

السلسلة الصحيحه المجلدات الكاملة طبق نرم افزار مکتبه شامله نیز این روایت را آورده و کلام البانی را درمورد روایت نقل می کند:

۲۷۳۳ - " وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ لَيَنْزِلَنَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا مُقْسِطًا وَحَكَمًا عَدْلًا،

فليكسر الصليب و ليقطن الخنزير و ليصلحن ذات البين و ليذهبن الشحناء و ليعرضن عليه المال فلا يقبله، ثم لئن قام على قبري فقال: يا محمد لأجيبته."

قال الألباني في " السلسلة الصحيحة " ٦ / ٥٢٤ :

أخرجه أبو يعلى في " مسنده " ( ٤ / ١٥٥٢ ) : حدثنا أحمد بن عيسى أخبرنا ابن وهب

عن أبي صخر أن سعيد المقبري أخبره أنه سمع أبا هريرة يقول : سمعت رسول الله

صلى الله عليه وسلم : فذكره . قلت : و هذا إسناد جيد رجاله كلهم ثقات رجال

الشيخين غير أبي صخر - و هو حميد ابن زياد الخراط - فمن رجال مسلم وحده ، و قد

تكلم فيه بعضهم ، و صحح له ابن حبان و الحاكم و البوصيري ، و مشاه المنذري ،

بعد از نقل روایت گفته : و سند این روایت خوب است و همه راویانش ثقه هستند و راویان

صحیح بخاری و مسلم هستند غیر از ابی صخر که از روای مسلم است و ابن حبان و بوصیری و مشاه

المنذی او را توثیق کردند .

السلسلة الصحيحة المجلدات الكاملة ١-٩ - (ج ٦، ص ٢٣٢)

هیثمی همین روایت را آورده و می نویسد که راویان آن از راویان صحیح بخاری و مسلم

هستند :

رواه أبو يعلى و رجاله رجال الصحيح.

الهیثمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٨، ص ٢١١،

ناشر: دار الریان للتراث / دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ١٤٠٧ هـ

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله (متوفای ٥٧١ هـ)، تاریخ

مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، ج ٤٧، ص ٤٩٤، تحقیق: محب الدین ابی سعید عمر بن غرامة

العمری، ناشر: دار الفكر - بیروت - ١٩٩٥.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ٨٥٢ هـ)، المطالب العالیة بزوائد المسانید

الثمانیة، ج ١٥، ص ٢١١ و ج ١٨، ص ٤٠١، تحقیق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشتری، ناشر: دار العاصمة / دار

الغیث، الطبعة: الأولى، السعودیة - ١٤١٩ هـ.

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای ١٢٧٠ هـ)، روح المعانی

فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ٢٢، ص ٣٥، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن ابی بکر (متوفای ٩١١ هـ)، الحاوی للفتاوی فی الفقه و علوم

التفسیر و الحدیث و الاصول و النحو و الاعراب و سائر الفنون، ج ٢، ص ١٥٤، تحقیق: عبد اللطیف حسن عبد الرحمن،

ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.

صالحی شامی روایتی آورده که پیامبر جواب سلام حضرت عیسی را می دهد و می گوید سند

روایت صحیح است.

وروی محمد بن یحیی بن ابي عمر - برجال ثقات - عن ابي هريرة - رضي الله تعالى عنه - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : ( إن عيسى ابن مريم يكون مارا بالمدينة حاجا أو معتمرا ولئن سلم علي لأردن عليه ) .

الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ١٢، ص ٣٥٧، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمىة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

پس این روایت دلالت می کند بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از جان دادن هم صدای دیگران را می شنوند و هم می تواند جواب دهد و اختصاصی به حضرت عیسی ندارد همانطور که سیره صحابه و تابعین این بود که می آمدند و به حضرت سلام می دادند همانند روایت ابو ایوب انصاری که در اول بحث آوردیم و روایات فراوانی که این مطلب را تأیید می کند .

#### ٧. دستور رسول خدا (ص) به زیارت شهدای احد ، و کلام حضرت در مورد جواب سلام آنها

واقدی از علمای بزرگ اهل سنت این روایت را در کتاب مغازی آورده است :

ومر رسول الله صلى الله عليه وسلم على مصعب بن عمير فوقف عليه ، ودعا ، وقرأ : ' رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلاً ' ، أشهد أن هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة ، فأتوهم وزورهم وسلموا عليهم والذي نفسي بيده ، لا يسلم عليهم أحدٌ إلى يوم القيامة إلا ردوا عليه .

وكان أبو سعيد الخدري يقف على قبر حمزة فيدعو ويقول لمن معه : لا يسلم عليهم أحدٌ إلا ردوا عليه السلام ، فلا تدعوا السلام عليهم وزيارتهم .

وكان أبو سفیان مولى ابن ابي أحمد يحدث أنه كان يذهب مع محمد بن مسلمة وسلمة بن سلامة بن سلامة بن وقش في الأشهر إلى أحد ، فيسلمان على قبر

وكانت أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وسلم تذهب فتسلم عليهم في كل شهر فتظل يومها ، فجاءت يوماً ومعها غلامها نبهان ، فلم يسلم فقالت : أي لكع ، ألا تسلم عليهم ؟ والله لا يسلم عليهم أحدٌ إلا ردوا إلى يوم القيامة .

وكان أبو هريرة يكثر الاختلاف إليهم . وكان عبد الله بن عمر إذا ركب إلى الغابة فبلغ ذباب ، عدل إلى قبور الشهداء فسلم عليهم ، ثم رجع إلى ذباب حتى استقبل الطريق طريق الغابة ويكره أن يتخذهم طريقاً ، ثم يعارض الطريق حتى يرجع إلى طريقه الأولى .



وكانت فاطمة الخزاعية قد أدركت تقول : رأيتني وغابت الشمس بقبور الشهداء ومعني أختٌ لي ، فقلت لها : تعالى ، نسلم على قبر حمزة ونصرف . قالت : نعم . فوقفنا على قبره فقلنا : السلام عليك يا عم رسول الله . فسمعنا كلاماً رد علينا : وعليكما السلام ورحمة الله .

رسول الله صلى الله عليه وسلّم بر مصعب بن عمير پس ايستاد و دعا كرد و اين آيه را خواند : از مؤمنان مردانی هستند كه به پيمانی كه با خدا بسته بودند وفا كردند. بعضی بر سر پيمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هيچ پيمان خود دگرگون نكرده‌اند. (احزاب/۲۳) ، سپس فرمودند : نزد قبورشان بياييد و آنها را زيارت كنيد و بر آنها سلام كنيد ، قسم به خدائی كه جان من در دست قدرت اوست ، كسى بر آنها سلام نمى كند تا روز قيامت مگر اينكه جواب سلام او را مى دهند ،....

الواقدي، ابو عبد الله محمد بن عمر بن واقد (متوفى ۲۰۷ هـ)، كتاب المغازى، ج ۱، ص ۲۶۷، ص ۲۶۸، تحقيق: محمد عبد القادر أحمد عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۴ م.

الأصبهاني، ابو نعيم أحمد بن عبد الله (متوفى ۴۳۰ هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج ۱، ص ۱۰۸، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۵ هـ

إبن أبي الحديد المدائني المعتزلي، ابو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفى ۶۵۵ هـ)، شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۲۵، تحقيق محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م.

السيواسي الحنفي، كمال الدين محمد بن عبد الواحد (متوفى ۶۸۱ هـ)، شرح فتح القدير، ج ۳، ص ۱۸۳، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الثانية.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ۹۱۱ هـ)، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، ج ۱، ص ۴۵۳، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الهندي، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين (متوفى ۹۷۵ هـ)، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، ج ۱۰، ص ۱۷۳، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.

این روایت ، ثابت می کند که تعداد زیادی از صحابه و بزرگان اهل سنت به زیارت قبر شهدای احد رفته ، و سلام کرده و جواب سلام نیز گرفته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

ابوسعید خدری ؛ ابو سفیان مولى ابن ابي أحمد ؛ محمد بن مسلمة ؛ سلمة بن سلامة بن وقش ؛ ام المؤمنین أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وسلّم ؛ أبو هريرة ؛ عبد الله بن عمرو؛ فاطمة الخزاعية

محمد بن عبد الوهاب و نقل تصحيح اين روايت:

محمد بن عبد الوهاب امام و هابيت مي گويد حاکم نيشابوري روايت را صحيح مي داند :

**وللحاكم وصححه** عن عبد الله بن أبي فروة أن النبي صلى الله عليه وسلم زار قبور الشهداء بأحد ، فقال : ' اللهم إن عبدك و نبيك يشهد أن هؤلاء شهداء ، وأن من زارهم أو سلم عليهم إلى يوم القيامة ردوا عليه.

و حاکم تصحيح کرده از عبد الله بن ابی فروه اينکه پیامبر صلی الله عليه وسلم قبرهای شهدای احد را زیارت کرده و فرموده : خدایا شاهد باش که بنده تو و پیامبر تو شهادت می دهد که اینها شهید هستند و هرکس که به زیارت آنان بیاید و به آنان سلام کند جواب او را می دهند تا روز قیامت .

محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ هـ)، أحكام تمنی الموت ، ج ۱، ص ۴۷، تحقیق : الشيخ عبد الرحمن

بن محمد السدحان ، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين ، ناشر : مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة : الأولى

**ألوسی و تصحيح روايت:**

علامه اهل سنت آلوسی می گوید روايت صحيح است :

وبما رواه البيهقي والحاكم وصححه وغيرهما عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على مصعب بن عمير وعلى أصحابه حين رجع من أحد فقال : أشهد أنكم أحياء عند الله تعالى فزورهم وسلموا عليهم فوالذي نفسي بيده لا يسلم عليهم أحد إلا ردوا عليه إلى يوم القيامة وبما أخرج ابن عبد البر وقال عبد الحق الأشيلي **إسناده صحيح.**

الآلوسی البغدادي الحنفی، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰هـ)، روح المعانی

فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۱، ص ۵۵، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

۸. استحباب تلقين ميت در قبر و ميت تلقين را می شنود:

ابن حجر عسقلانی در کتاب تخلص الحبير در اين باره می نویسد:

الطَّبْرَانِيُّ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ إِذَا أَنَا مِتُّ فَاصْنَعُوا بِي كَمَا أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَصْنَعَ بِمَوْتَانَا أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِذَا مَاتَ أَحَدٌ مِنْ إِخْوَانِكُمْ فَسَوِّئْتُمْ التُّرَابَ عَلَى قَبْرِهِ فَلْيَقُمْ أَحَدُكُمْ عَلَى رَأْسِ قَبْرِهِ ثُمَّ لِيُقَلِّ يَافُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَسْمَعُهُ وَلَا يُجِيبُ ثُمَّ يَقُولُ يَافُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَسْتَوِي قَاعِدًا ثُمَّ يَقُولُ يَافُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَقُولُ أَرْشِدْنَا يَرْحَمَكَ اللَّهُ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ فَلْيُقَلِّ أذْكَرُ مَا خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّكَ رَضِيتَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ إِمَامًا فَإِنْ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا يَأْخُذُ

كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِيَدِ صَاحِبِهِ وَيَقُولُ انْطَلِقْ بِنَا مَا يُعِدُّنَا عِنْدَ مَنْ لَقْنَحُجَّتُهُ قَالَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ أُمُّهُ قَالَ يَنْسِبُهُ إِلَى أُمِّهِ حَوَاءَ يَا فُلَانُ بْنُ حَوَاءَ.

**وإسناده صالح وقد قواه الضياء في أحكامه وأخرجه عبد العزيز في الشافي.**

سعید بن عبد الله اودی ابا امامه را در هنگام جان دادن دیدم که می گفت اگر جان دادم همان کاری را انجام دهید که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است برای مردگانتان انجام دهید ، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور داد که اگر کسی از شما از دنیا رفت و او را دفن کردید و خاک روی او ریختید یکی بر سر قبرش بایستد و بگوید ای فلانی فرزند فلان زن پس آن مرده می شنود ولی جواب نمی دهد سپس می گوید ای فلانی فرزند فلان زن پس آن مرده می نشیند و می گوید من را ارشاد کن خدا رحمت کند ولی شما نمی شنوید پس ذکر کنید عقیده ای که در دنیا داشتی از شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاللَّهُ رَا بِه عنوان رب قبول داری و اسلام را به عنوان دین و محمد را به عنوان پیامبر و قرآن را به عنوان امام قبول دارم و پس نکیر و منکر دست همدیگر را می گیرند و می گویند برویم و نمی نشینیم نزد کسی که حجش را تلقین شده است و خدا حجت او می شود ، شخصی سؤال کرد ای رسول خدا اگر مادر میت را ندانیم کیست چه بگوییم فرمود: نسبتش دهید به حوا و گفته شود ای فلانی فرزند حوا .

سند این روایت صالح است و ضیاء المقدسی این روایت را در کتاب احکامش تقویت کرده و عبد العزیز آن را در شافی آورده است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، تلخیص الحبیر فی أحادیث الرافعی الکبیر، ج ۲، ص ۱۳۶، تحقیق السید عبدالله هاشم الیمانی المدنی، ناشر: - المدینة المنورة - ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴م. شوکانی نیز همین روایت و کلام ابن حجر را نقل کرده است:

**قال الحافظ في التلخيص وإسناده صالح.**

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای ۱۲۵۵هـ)، نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتقى الأخبار، ج ۴، ص ۱۳۹، ناشر: دار الجیل، بیروت - ۱۹۷۳.

ابن جوزی می نویسد که ابن حجر گفته است: سند روایت صالح است و ضیاء این روایت را تقویت کرده است:

الأول الحافظ ابن حجر رحمه الله تعالى ذكر في التلخيص ( ۱ \ ۱۳۵ - ۱۳۶ ) حديث

أبي أمامة المرفوع في تلقين الميت على القبر بعد دفنه فقال إسناده صالح وقد قواه الضياء في أحكام.

اول حافظ ابن حجر ره در كتاب تلخيص ذكر کرده است كه حديث ابا امامه كه مرفوع است

در تلقين ميت بعد از دفن پس ابن حجر گفت **سند روايت صالح و درست است و ضياء در كتاب احكام اين روايت را تقويت کرده است .**

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفای ۵۹۷ هـ)، دفع شبه التشبيه بأكف التنزيه، ج ۱، ص ۲۹۸، تحقيق: حسن السقاف، ناشر: دار الإمام النووي - الأردن، الطبعة: الثالثة، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۲م.

صنعانی می نویسد:

### **قال المصنف إسناده صالح.**

الأمير الصنعاني، محمد بن إسماعيل (متوفای ۱۱۸۲هـ)، سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ج ۲، ص ۱۱۳، تحقيق: محمد عبد العزيز الخولي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الرابعة، ۱۳۷۹هـ.

انصاری شافعی بعد از ذکر روايت می نویسد كه سند آن هيچ مشکلی ندارد و حافظ ابو منصور آن را در جامع الدعاء الصحيح آورده است و امام احمد تلقين ميت را جايز می داند:

**إسناده لا أعلم به بأساً ( ۱۷۲۰ ) ، وذكره الحافظ أبو منصور في ( جامع الدعاء الصحيح )**

، وزاد بعد قوله: ( قد لقن حجته ): ( ويكون الله حجته ) ( ۱۷۲۱ ) دونهما. قال: وقد أرخص الإمام أحمد بن حنبل في تلقين الميت ، وأعجبه ذلك ( ۱۷۲۲ ) ،

الأنصاري الشافعي، سراج الدين أبي حفص عمر بن علي بن أحمد المعروف بابن الملقن (متوفای ۸۰۴هـ)، البدر المنير في تخریج الأحاديث والأثار الواقعة في الشرح الكبير، ج ۵، ص ۳۳۴، تحقيق: مصطفى ابوالغيط و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمال، ناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية، الطبعة: الاولى، ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م.

ملا علی قاری می نویسد كه ابن حجر می گوید: در این روايت اشاره ای به تلقين ميت بعد از تمام شدن دفن و کیفیت آن مشهور است و تلقين ميت سنت است بر آنچه مورد اعتماد است نزد اهل سنت خلاف کسانی كه آن را بدعت دانسته اند و حديث صریحی در جواز تلقين ميت هست كه به آن عمل می شود در مستحبات اتفاق دارند، بلکه این حديث تقويت می شود بوسیله شواهدی و تا حد درجه حسن می رسد:

**وقال ابن حجر: وفيه إيماء إلى تلقين الميت بعد تمام دفنه و كیفیته مشهورة وهو سنة علی**

المعتمد من مذهبنا خلافاً لمن زعم أنه بدعة كيف وفيه حديث صريح يعمل به في الفضائل اتفاقاً ، بل اعتضد بشواهد يرتقي بها إلى درجة الحسن.

ملا علی القاری، نور الدین أبو الحسن علی بن سلطان محمد الهروی (متوفای ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۳۲۷، تحقیق: جمال عیتانی، ناشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م.

**عمل علمای اهل سنت به این روایت:**

امام اهل سنت نووی می نویسد که جماعت زیادی از علماء قائل به استحباب تلقین میت بعد از دفن هستند:

۴۷۰ وروینا فی سنن البیهقی یاسناد حسن أن ابن عمر استحب أن یقرأ علی القبر بعد الدفن أول سورة البقرة وخاتمها

فصل وأما تلقین المیت بعد الدفن فقد قال جماعة كثیرون من أصحابنا باستحبابه وممن نص علی استحبابه القاضی حسین فی تعلیقه وصاحبه أبو سعد المتولی فی کتابه التتمة والشیخ الإمام الزاهد أبو الفتح نصر بن إبراهیم بن نصر المقدسی والإمام أبو القاسم الرافعی وغيرهم ونقله القاضی حسین عن الأصحاب وأما لفظه فقال الشیخ نصر إذا فرغ من دفنه یقف عند رأسه ویقول یا فلان بن فلان اذکر العهد الذی خرجت علیه من الدنیا شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له وأن محمد عبده ورسوله وأن الساعة آتیة لا ریب فیها وأن الله یبعث من فی القبور قل رضیت بالله ربا وبالإسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وسلم نبیا وبالکعبة قبله وبالقرآن إماما وبالمسلمین إخوانا ربی الله لا إله إلا هو وهو رب العرش العظیم هذا لفظ الشیخ نصر المقدسی فی کتابه التهذیب ولفظ الباقین بنحوه وفی لفظ بعضهم نقص عنه ثم منهم من یقول یا عبد الله بن أمة الله ومنهم من یقول یا عبد الله بن حواء ومنهم من یقول یا فلان یا فلان باسمه ابن أمة الله أو یا فلان بن حواء....

و در سنن بیهقی با سند حسن از ابن عمر روایت شده است که خواندن اول و آخر سوره بقره بر قبر مستحب است، فصل: جماعت زیادی از علماء قائل به استحباب تلقین میت بعد از دفن هستند، از کسانی که قائل به استحباب شدند: قاضی حسین در تعلیقش و ابوسعید متولی در کتاب تتمه و شیخ و امام زاهد ابوالفتح نصر بن ابراهیم بن نصر مقدسی و امام ابو القاسم رافعی و دیگر علما...

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶هـ)، الأذکار المنتخبة من کلام سید الأبرار، ج ۱، ص ۱۲۹، دار النشر: دار الکتب العربی - بیروت - ۱۴۰۴هـ - ۱۹۸۴م.

اشبیلی همین روایت را آورده و باب خاصی برای تلقین میت بعد از دفن دارد:

الباب السابع تلقين الميت بعد الدفن والدعاء له وقراءة القرآن عنده وذكر محاسنه

والسكوت عن مساوئه.

الإشبيلي أبو محمد عبد الحق بن عبد الرحمن بن عبد الله الوفاء: ٥٨١، العاقبة في ذكر الموت، ج ١،

ص ١٨٢، دار النشر: مكتبة دار الأقصى - الكويت - ١٤٠٦ - ١٩٨٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: خضر محمد خضر

بهاء الدين جندي بعد از ذكر روايتي از پيامبر صلى الله عليه و آله وسلم مي نويسد به حكم اين

روايت تلقين ميت در قبر واجب است:

ومن غريب ما أورده عن هاني مولى عثمان بن عفان بسند متصل أنه قال قال رسول الله

صلى الله عليه وسلم إن القبر أول منزل من منازل الآخرة فمن نجا منه فما بعده أيسر منه ومن لم

ينج فما بعده أشد قال وكان صلى الله عليه وسلم إذا فرغ من دفن الميت قال استغفروا لصاحبكم

واسألوا الله تعالى له الثبوت فإنه الآن يسأل قال وفي هذا الحديث دليل على وجوب تلقين الميت

إذا ألد بالشهادتين.

الجندي الكندي بهاء الدين محمد بن يوسف بن يعقوب الوفاء: قبل سنة ٧٣٢هـ، السلوك في طبقات العلماء

والملوک، ج ١، ص ٢٨٢، ص ٢٨٣، دار النشر: مكتبة الإرشاد - صنعاء - ١٩٩٥م، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد بن

علي بن الحسين الأكوک الحوالی

ابن تيميه رهبر فكري وهابيت مي گوید تلقين ميت جايز است :

وسئل «هل يشرع تلقين الميت الكبير والصغير أو لا»

فأجاب وأما تلقين الميت فقد ذكره طائفة من الخراسانيين من أصحاب الشافعي

واستحسنوه أيضا ذكره المتولي والرافعي وغيرهما وأما الشافعي نفسه فلم ينقل عنه فيه شيء ومن

الصحابه من كان يفعله كأبي أمامة الباهلي وواثلة بن الإسقع وغيرهما من الصحابة ومن أصحاب

أحمد من استحبه والتحقيق أنه جائز وليس بسنة راتبه والله أعلم.

سؤال «آيا تلقين ميت بزرگ و کوچک جايز است يا نه ؟»

جواب:

تلقين ميت را گروهی از خراسانيها و اصحاب شافعي ذکر کردند و آن را حسن دانستند و

همچنين متولى و رافعى و ديگران ذکر کردند ولي از شافعي چیزی در اين باره ذکر نشده است و

بعضی از صحابه تلقين را انجام می دادند مثل ابامامه و واثبه بن الاسقع و ديگر صحابه و اصحاب

احمد بن حنبل تلقين را حسن دانسته اند و قول تحقيق شده اين است كه تلقين ميت جايز است و

سنت نيست و الله اعلم.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۲۴، ص ۲۹۹، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، الفتاوی الكبرى لشيخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۱، ص ۲۸۹، تحقیق: قدم له حسنین محمد مخلوف، ناشر: دار المعرفة - بیروت .

زرعی دمشقی می نویسد:

عمل مسلمانان از قدیم تا الآن این بوده که مرده را تلقین می کردند و اگر مرده نمی شنید این کار عبث و بی فایده بود و از امام احمد در مورد تلقین میت در قبر سؤال شد گفت حسن است و بر عمل مسلمانان بر آن استدلال کرد :

فصل ویدل علی هذا أيضا ما جرى عليه عمل الناس قديما وإلى الآن من تلقين الميت في قبره ولولا أنه يسمع ذلك ويتنفع به لم يكن فيه فائدة وكان عبثا وقد سئل عنه الإمام أحمد رحمه الله فاستحسنه واحتج عليه بالعمل.

الزرعی دمشقی أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الوفاء: ۷۵۱ هـ، الروح فی الكلام علی أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ج ۱، ص ۱۳ دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت - ۱۳۹۵ - ۱۹۷۵

حدادی عبادی حنفی می نویسد: تلقین میت در قبر نزد اهل سنت جایز است:

وَأَمَّا تَلْقِينُ الْمَيِّتِ فِي الْقَبْرِ فَمَشْرُوعٌ عِنْدَ أَهْلِ السُّنَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحْيِيهِ فِي الْقَبْرِ وَصُورَتُهُ أَنْ يُقَالَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَوْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أذْكَرُ دِينَكَ الَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ وَقَدْ رَضِيتَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا .

الحدادی العبادی الحنفی، أبو بكر بن علي بن محمد (متوفای ۸۰۰ هـ)، الجوهرة النيرة شرح مختصر القدوري، ج ۱، ص ۳۹۸، طبق برنامه الجامع الكبير.

شنقیطی می نویسد:

ابن قیم برای جواز تلقین میت در قبر ادله ای آورده است ، که از آن ادله، حسن دانستن امام احمد و عمل مسلمانان که در همه زمانها بوده و متصل به زمان پیامبر است بدون انکار کسی از مسلمانان .

وقد رأيت ابن القيم استدلل له بأدلة ، منها : أن الإمام أحمد رحمه الله سئل عنه فاستحسنه . واحتج عليه بالعمل . ومنها : أن عمل المسلمين اتصل به في سائر الأمصار والأعصار من غير إنكار .

الجكنى الشنقيطي، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٨، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ١٤١٥هـ - ١٩٩٥م.

التميمي الحنبلي، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب في الرد على من لم يحكم السنة والكتاب، ج ٦، ص ٢٠٣ طبق برنامجه الجامع الكبير

#### ٤. ادله حیات پس از مرگ

قسمت چهارم این نوشتار را به نقل ادله حیات پس از مرگ قرار می دهیم. بررسی این ادله از آن جهت اهمیت دارد که وقتی حیات پس از مرگ ثابت شود ، دیگر لفظ «میت» که وهابیون روی آن تکیه فراوان داشتند از کار افتاده و شنیدن مردگان بعد از مرگ با همین استدلال ممکن می شود.

ابن قتیبه می گوید :

وهذه أشياء مشهورة كأنها عیان فإذا جاز أن يكون هؤلاء الشهداء أحياء عند ربهم يرزقون و جاز أن يكونوا فرحين ومستبشرين فلم لا يجوز أن يكون أعداؤهم الذين حاربوهم وقتلوهم أحياء في النار يعذبون وإذا جاز أن يكونوا أحياء فلم لا يجوز أن يكونوا يسمعون وقد أخبرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم وقوله الحق.

سالم بودن اجساد شهدا و حیاتشان اینقدر مشهور است که گویا آشکار و ثابت است ، پس اگر ثابت باشد که شهدا زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می خورند و خوشحال و مستبشر هستند؛ پس چرا جایز نباشد که دشمنان آنها که با آنها جنگیدند و آنها را کشتند در آتش جهنم زنده باشند و عذاب شوند و اگر جایز باشد که زنده باشد چرا جایز نباشد که بشنوند و حال این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدن آنها را به ما خبر داده است و حق فرمایش حضرت است .

الدينوري، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث، ج ١، ص ١٥١ - ١٥٢، تحقيق: محمد زهري النجار، ناشر: دار الجيل - بيروت - ١٣٩٣هـ - ١٩٧٢م

بنا بر این ، اگر ثابت شود کسی بعد از مرگ زنده شده است ، دیگر نمی توان به صورت مطلق حکم به عدم سماع وی کرد.

ادله حیات پس از مرگ را از نظر قرآن و روایات بررسی می کنیم:



## أ. آیاتی که دلالت بر حیات بعد از مرگ می‌کنند

آیات متعددی از قرآن کریم، بر حیات پس از مرگ دلالت دارند:

### آیه اول؛ زنده بودن شهداء

خداوند متعال در قرآن کریم تصریح می‌کند که شهداء زنده و در نزد او متنعم هستند .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَقَضَلٌ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ . (آل عمران / ۱۶۹-۱۷۱)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباہ نمی‌گرداند، شادی می‌کنند.

در این آیات، بهره‌مندی شهیدان از نعمتهای الهی و خوشنودی از آنچه به دست آورده‌اند دلیل بر حیات و زندگی مجدد آنان است .

### سخنان علمای اهل سنت درباره این آیه

#### ۱. احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ):

احمد بن حنبل امام اهل سنت می‌گوید که شهداء زنده هستند:

الشهداء أحياء يرزقون ويقول إن الشهداء بعد القتل باقون يأكلون أرزاقهم.

شهداء زنده‌اند و روزی داده می‌شوند. شهداء بعد از کشته شدن باقی هستند روزی خود را

می‌خورند .

الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل أبو عبد الله (متوفای ۲۴۱ هـ)، العقيدة رواية أبي بكر الخلال، ج ۱، ص ۱۲۱،

تحقیق: عبد العزيز عز الدين السيروان، دار النشر: دار قتيبة - دمشق، الطبعة: الأولى ۱۴۰۸

ابو يعلى حنبلي در کتاب «طبقات الحنابلة»، نیز عقیده احمد بن حنبل را بازگو می‌کند:

ويقول إن الشهداء بعد القتل باقون يأكلون أرزاقهم

وكان يقول إن الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون وأن الميت يعلم بزائره يوم الجمعة بعد

طلوع الفجر وقبل طلوع الشمس.

احمد بن حنبل می گوید : شهیدان بعد شهادت حیات دارند و روزی می خورند و نیز می گفت که انبیاء در قبرهایشان زنده هستند و نماز می خوانند و مرده از زائر قبرش در وقت طلوع فجر روز جمعه قبل از طلوع خورشید آگاهی دارد .

البغدادی الحنبلی، أبو الحسین محمد بن أبی یعلی بن الفراء (متوفای ۵۲۱هـ)، ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۳۰۳، تحقیق : محمد حامد الفقی ، ناشر : دار المعرفة - بیروت .

## ۲. قرطبي (متوفای ۶۷۱هـ):

قرطبی امام اهل سنت بعد از نقل شأن نزول آیه می نویسد: بیشتر علماء بر این عقیده هستند که شهداء زنده هستند :

فالذي عليه المعظم هو ما ذكرناه وأن حياة الشهداء محققة.

آن مطلبی که معظم علماء به آن معتقد هستند این است که ما ذکر کردیم به این که زنده بودن شهدا ثابت شده است .

الأنصاری القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۲۶۹، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

## ۳. نووي شافعي:

نووی از بزرگان اهل سنت و شارح صحیح مسلم این آیه را دلیل بر حیات مردگان می آورد:

لقول الله تعالى في الشهداء أحياء عند ربهم يرزقون والأحاديث السابقة أن أرواح الشهداء

تأكل من ثمار الجنة.

قول خداوند متعال در مورد شهدا که زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می خورند و روایات گذشته که ثابت می کند ارواح شهدا از میوه های بهشتی می خورند .

النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، شرح

النووي على صحيح مسلم، ج ۱۳، ص ۶۱، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲ هـ

## ۴. ادعای تواتر روایات این باب از فخر رازی:

فخر رازی از بزرگان اهل سنت در ذیل این آیه روایات مختلفی را مطرح می کند که دلالت بر

زنده شدن دوباره شهدا بعد از مردن دارد و سپس این روایات را متواتر می داند :

وسئل ابن مسعود رضي الله عنه عن هذه الآية ، فقال : سألنا عنها فقيل لنا ان الشهداء على

نهر بباب الجنة في قبة خضراء ، وفي رواية في روضة خضراء ، وعن جابر بن عبد الله قال : قال

رسول الله صلى الله عليه وسلم : « ألا أبشرك أن أباك حيث أصيب باحد أحياء الله ثم قال : ما

ترید یا عبدالله بن عمرو أن فعل بك فقال يا رب أحب أن تردني إلى الدنيا فأقتل فيها مرة أخرى»  
والروایات في هذا الباب كأنها بلغت حد التواتر ، فكيف يمكن انكارها.

و از این مسعود در مورد ای آیه سؤال شد ، جواب داد: ما در مورد این آیه سؤال کردیم گفتند شهیدان بر رودی کنار در بهشت در گنبد سبزی هستند ، و در روایتی دیگر گفته در باغی سرسبز هستند ، و به نقل از جابر بن عبد الله که پیامبر (ص) به پسر عبد الله بن عمرو فرمودند: بشارت بدهم به تو که پدرت وقتی در احد شهید شد خدا او را زنده کرد سپس فرمود: خدا به عبد الله بن عمرو فرمود که چه می خواهی؟ گفت خدایا دست دارم که مرا به دنیا برگردانی تا بار دیگر کشته شوم ، و روایات این باب که شهدا حیات دارند به حد تواتر رسیده است پس چگونه می شود آن را منکر شد؟  
الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التیمی (متوفای ۶۰۴هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۷۴، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

#### ۵. الوسی

علامه اهل سنت آلوسی می نویسد: حیات برزخی انبیاء برتر از حیات شهداء است که خداوند در مورد آنها فرموده: بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند، و این مطلب با احادیث صحیح ثابت است.

أما حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام الحياة البرزخية التي هي فوق حياة الشهداء الذين قال الله تعالى فيهم بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَأمر ثابت بالأحاديث الصحيحة.

الآيات البينات في عدم سماع الأموات ج ۱ ص ۳۹ للآلوسی النعمان بن محمود

#### ۶. السبکی

سبکی می گوید: حیات انبیاء و شهدا مثل حیاتشان در دنیا است:

قال الحلبي المتوفى ۱۰۶۴: وروی أبو يعلى عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه لِيَنْزِلَنَّ

عيسى بن مريم عليه السلام ثم إن قام على قبري وقال يا محمد لأجبتك ومن ثم قال الإمام السبكي

حياة الأنبياء والشهداء كحياتهم في الدنيا ويشهد له صلاة موسى عليه السلام في قبره فإن الصلاة

تستدعي جسدا حيا وكذا الصفات المذكورة في الأنبياء ليلة الإسراء كلها صفات الأجسام

السيرة الحلبيّة ج ۲، ص ۴۳۲، دار النشر: دار المعرفة - بيروت - ۱۴۰۰.

## ۷. اقرار ابن تیمیه : این حیات پس از مرگ مختص شهیدان نیست.

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می گوید حیات بعد از مرگ مختص به شهیدان نیست و شامل دیگران مردگان هم می شود :

وأما ما أخبر الله به من حياة الشهيد ورزقه وما جاء في الحديث الصحيح من دخول أرواحهم الجنة فذهب طوائف إلى أن ذلك مختص بهم دون الصديقين وغيرهم والصحيح الذي عليه الأئمة وجماهير أهل السنة ان الحياة والرزق ودخول الأرواح الجنة ليس مختصا بالشهيد كما دلت على ذلك النصوص الثابتة ويختص الشهيد بالذكر لكون الظان يظن أنه يموت فينكل عن الجهاد فأخبر بذلك ليزول المانع من الإقدام على الجهاد والشهادة.

و اما خبر دادن خداوند متعال به حیات شهید و روزی خوردنش و آنچه که در روایت صحیح آمده است که ارواح شهداء داخل در بهشت می شوند ، گروهی گفتند که این حیات مختص شهداء است و شامل صدیقین و دیگران نمی شود ، ولی قول صحیحی که ائمه و علمای اهل سنت بر آن هستند ، این است که حیات و روزی و داخل شدن ارواح به بهشت مختص به شهداء نیست ، همانگونه که نصوص ثابت بر آن دلالت می کند و اختصاص شهید به ذکر کردنش در قرآن برای این است که کسی فکر نکند که شهید می میرد و از جهاد کردن امتناع کنند و خبر دادن به حیات شهداء برای از بین بردن مانع جهاد و شهادت است .

ابن تیمیه أحمد عبد الحليم الحرائي أبو العباس (متوفى ٧٢٨ هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٣٣٢، دار النشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي

قسمتی از سخنان علمای اهل سنت را بر این که حیات مخصوص شهداء و یا تنها کشتگان بدر نیست، در ذیل روایت سخن گفتن رسول خدا با کشتگان بدر، ذکر کردیم. و آن سخنان نیز بهترین دلیل بر این است که حیات پس از مرگ مخصوص شهیدان نیست.

### آیه دوم؛ حبیب نجار پس از شهادتش زنده است و روزی داده می شود

حبیب نجار در میان افراد قبیله و خویشاوندانش از شرایع آسمانی تبلیغ و دفاع می کرد، و در این راه آزار و اذیت فراوانی را به جان خرید، تا سرانجام بدست همان افراد به شهادت رسید.

حال بعد از شهادتش بلا فاصله به او گفته شد وارد بهشت شوید. قرآن کریم این مطلب را در

آیه ذیل بازگو می کند:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ.

گفته شد وارد بهشت شوید.

از این جا به بعد آیه کریمه گفته های این مجاهد را بیان کرده که در باره قومش با خداوند در میان گذاشته است. او بعد از این که در بهشت قبرش قرار گرفت گفت:

قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ. (پس/ ۲۶/ ۲۷)

ای کاش ، قوم من می دانستند، که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره گرامی شدگان درآورد.

بزرگان اهل سنت گفته اند که حبیب نجار هم در حال حیات ، هم بعد از شهادت، قبیله خود را نصیحت کرده است. نصیحت قبل از حیات او را آیه قبل این گونه گزارش کرده است:

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَ اتَّخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ إِنْ إِيَّذَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ إِنْ إِيَّيَّكُمْ فَاسْمَعُونَ. (پس/ ۲۰- ۲۵)

علمای اهل سنت گفته اند که حبیب نجار (حی یرزق)؛ یعنی زنده است و روزی می خورد :

**ابن جریر طبری:**

طبری از بزرگان اهل سنت می نویسد که حبیب نجار زنده است و روزی می خورد :

ذَلِكَ حَدَّثَنَا بِنِ حَمِيدٍ قَالَ ثنا سَلْمَةُ قَالَ ثَنِي بِنِ إِسْحَاقَ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بِنِ مَسْعُودٍ كَانَ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَدَخَلَهَا **حيا یرزق** فِيهَا قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَقَمَ الدُّنْيَا وَحَزْنَهَا وَنَصَبَهَا فَلَمَّا أَفْضَى إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَجْتِهِ وَكَرَامَتِهِ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

ابن مسعود می گوید: خداوند به حبیب نجار فرمود: وارد بهشت شوید؛ پس او وارد بهشت شد در حالی زنده است و به او روزی داده می شود، خداوند بیماری دنیوی و حزن را از وی برداشته است. هنگامی که خداوند او را به سوی رحمت خودش بر و در بهشت و رحمتش جای داد گفت: ای کاش قوم من می دانستند که خداوند مرا بخشیده و از جمله بندگان گرامی داشته خود قرار داده است.

الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفى ۳۱۰)، جامع البيان عن تأويل آي

القرآن، ج ۲۲، ص ۱۶۱، ناشر: دار الفكر، بيروت - ۱۴۰۵هـ

این روایت را دیگر بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده اند:

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۲، ص ۲۲۹، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

العمادی، أبو السعود محمد بن محمد (متوفای ۹۵۱هـ)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم (تفسیر أبي السعود)، ج ۷، ص ۱۶۴، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

ابن عادل الدمشقی الحنبلی، ابو حفص عمر بن علی (متوفای بعد ۸۸۰ هـ)، اللباب فی علوم الكتاب، ج ۱۶، ص ۱۹۶، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود والشیخ علی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م

الزمخشري الخوارزمي، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفای ۵۳۸هـ)، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۴، ص ۱۳، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربی.

السمعانی، ابوالمظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار (متوفای ۴۸۹هـ)، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۷۳، تحقیق: یاسر بن إبراهيم و غنیم بن عباس بن غنیم، ناشر: دار الوطن - الرياض - السعودیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷ م.

**انصاري قرطبي:**

قرطبی امام اهل سنت در کتاب الجامع لأحكام القرآن می نویسد که حبیب نجار زنده است و روزی داده می شود و بعد از مردن هم قوم خود را نصیحت کرد و سابقون امتهما سه نفر هستند که حتی یک لحظه به خدا کافر نشدند : علی بن ابی طالب که افضل آنهاست و مؤمن آل فرعون و صاحب یس (حبیب نجار) اینان صدیقین هستند:

قلت : والظاهر من الآية أنه لما قتل قيل له ادخل الجنة قال قتادة : أدخله الله الجنة وهو فيها حي يرزق أراد قوله تعالى : ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون على ما تقدم في [آل عمران] بيانه والله أعلم قوله تعالى : (قال يا ليت قومي يعلمون) مرتب على تقدير سؤال سائل عما وجد من قوله عند الفوز العظيم الذي هو (بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين) وقرئ من المكرمين وفي معنى تمنيه قولان : أحدهما أنه تمنى أن يعلموا بحاله ليعلموا حسن مآله وحميد عاقبته الثاني تمنى ذلك ليؤمنوا مثل إيمانه فيصيروا إلى مثل حاله ..... وقال بن أبي ليلي : سباق الأمم ثلاثة لم يكفروا بالله طرفة عين : علي بن أبي طالب وهو أفضلهم ومؤمن آل فرعون وصاحب يس فهم الصديقون.

و از ظاهر این آیه به دست می آید که وقتی حبیب نجار کشته شد به او گفته شد وارد بهشت شوید ، قتاده می گوید : خداوند او را وارد بهشت کرد و او در بهشت زنده و متنعم است ، مرادش فرمایش خداوند است که فرمود : (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه

زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند) که در سوره آل عمران ذکرش گذشت ، و خداوند اعلم است به آن ، گفت: ای کاش ، قوم من می دانستند، در اینجا سؤال ، سؤال کننده‌ای در تقدیر است که در مورد گفته او هنگام رستگاریش است ( که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره گرامی شدگان درآورد). و از گرامی شدگان شمرده شده است و در مراد از آرزویش دو قول است : قول اول این است که آرزو کرد که قومش از حالش آگاه شوند تا اینکه حسن عاقبتش را بدانند ، قول دوم : آن آرزو را کرد تا از حالش آگاه شوند و تا اینکه قومش به آنچه که ایمان آورده بود ایمان بیاورند و عاقبت بخیر شوند .

الأنصاری القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٥، ص ٢٠، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

**آیه سوم؛ زنده بودن و عذاب شدن کفار بعد از مرگ :**

به شهادت آیاتی از قرآن کریم ، کفار پس از مرگ زنده و از عذاب الهی در امان نخواهند بود.  
وَحَاقَ بِالْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. (غافر/ ٤٥ - ٤٦)

(و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت، هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می رسد که] فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب در آورید).  
عذاب این گروه از کافران به دو بخش و زمان مستقل تقسیم شده است:  
بخش اول بعد از مردن و قبل از روز قیامت ، که می فرماید : صبح و شام بر آتش عرضه می شوند.

بخش دوم روز قیامت است که شدیدترین عذابها در انتظار آنهاست؛ پس آنها بعد از مردن حیات دارند که عذاب می شوند و لازمه عذاب شدن حیات داشتن است.  
و به اقرار علمای اهل سنت ، عذاب فرع بر حیات است :

**والتعذيب مشروط بالحياة.**

الرازي الشافعي، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفى ٦٠٤هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ٩، ص ٧٣، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

## سخنان علمای اهل سنت در اثبات عذاب قبر و حیات کفار پس از مرگ در ذیل آیه

بزرگان علمای اهل سنت بر اثبات عذاب قبر برای کافران و حیات آنها پس از مرگ اعتراف کرده اند که به بخشی از سخنان آنان اشاره می‌کنیم:

### ۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش این آیه را در باب عذاب قبر آورده و درباره این مطلب به این آیه و آیات دیگر استدلال کرده است:

بَاب مَا جَاءَ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ وَقَوْلُهُ تَعَالَى «إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسُطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» هُوَ الْهُونُ وَالْهُونُ الرِّقُّ وَقَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ «سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ» وَقَوْلُهُ تَعَالَى «وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ».

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۱، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

### ۲. محمد شوکانی:

شوکانی در فتح القدر نیز دلالت این آیه را بر عذاب در عالم برزخ واضح و آشکار می‌داند: **فإن قوله «ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب» يدل دلالة واضحة على أن ذلك العرض هو في البرزخ.**

پس فرمایش خداوند: و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می‌رسد که] فرعونیان را در سخت‌ترین [انواع] عذاب در آورید) دلالتش بر اینکه این عذاب در عالم برزخ است واضح و آشکار است.

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای ۱۲۵۵هـ)، فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدراية من علم التفسیر، ج ۴، ص ۴۹۵، ناشر: دار الفکر - بیروت.

### ۳. ابن قتیبه دینوری:

ابن قتیبه از بزرگان اهل سنت توسط این آیه بر وجود عالم برزخ و اثبات عذاب قبر برای کفار استدلال کرده است:



نحن نقول إنه إذا جاز في المعقول وضح في النظر وبالكتاب والخبر أن الله تعالى يبعث من في القبور بعد أن تكون الأجساد قد بليت والعظام قد رمت جاز أيضا في المعقول وضح في النظر وبالكتاب والخبر أنهم يعذبون بعد الممات في البرزخ.

فأما الكتاب فإن الله تعالى يقول النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب فهم يعرضون بعد مماتهم على النار غدوا وعشيا قبل يوم القيامة ويوم القيامة يدخلون أشد العذاب .

ما می گوئیم که اگر عقلا جایز و در قرآن و احادیث ثابت باشد که خداوند متعال خدا همه کسانی را که در گورها هستند زنده می کند بعد از آن که اجسادشان از بین رفته و استخوانهایشان پودر شده است، همچنین عقلا جایز است و در نظر صحیح است و در قرآن و روایات ثابت است که مردگان در برزخ بعد از مردن عذاب می شوند، اما دلیل از قرآن فرمایش خداوند : هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند ، و روزی که رستاخیز برپا شود (فریاد می رسد که ) فرعونیان را در سخت ترین (انواع) عذاب در آورید). پس آل فرعون بعد از مردنشان صبح و شام بر آتش عرضه می شوند و این قبل از روز قیامت است و روز قیامت سخت ترین عذاب را می چشند.

الدينوري، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث ، ج ١، ص ١٥٠، تحقيق : محمد زهرى النجار ، ناشر : دار الجيل - بيروت - ١٣٩٣هـ - ١٩٧٢م  
ابن قتيبه در جای دیگر چنین می نویسد :

وقد أعلمنا الله تعالى في كتابه أنه يعذب قوما قبل يوم القيامة إذ يقول «النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب».

خداوند متعال در قرآن به ما خبر داده است که گروهی را قبل از قیامت عذاب می کند چون می فرماید : هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند ، و روزی که رستاخیز برپا شود (فریاد می رسد که) فرعونیان را در سخت ترین (انواع) عذاب در آورید .

الدينوري، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث ، ج ١، ص ٢٤٧، تحقيق : محمد زهرى النجار ، ناشر : دار الجيل - بيروت - ١٣٩٣هـ - ١٩٧٢م

٤. ابن تيميه حراني:

ابن تيميه حراني شيخ الاسلام وهابيت به عالم برزخ و عذاب شدن كفار قبل از قیامت اعتراف می کند:

وهذا إخبار عن فرعون وقومه أنه حاق بهم سوء العذاب في البرزخ وأنهم في القيامة يدخلون أشد العذاب وهذه الآية أحد ما استدل به العلماء على عذاب البرزخ.

و این روایت در مورد فرعون و قوم او که گرفتار بدترین عذاب شدند در برزخ است و در روز قیامت وارد سختترین عذاب خواهند شد و این آیه یکی از دلایل علماء برای اثبات عالم برزخ است.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیة، ج ۲، ص ۲۵۵، تحقیق: د. محمد السید الجلیند، ناشر: مؤسسه علوم القرآن - دمشق، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ هـ.

#### ۵. ابن کثیر دمشقی:

ابن کثیر دمشقی سلفی نیز می نویسد که این آیه دلالت بر عالم برزخ و عذاب قبر دارد:  
«وحاق» أي أحاط «بآل فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدوا وعشيا» أي تعرض ارواحهم في برزخهم صباحا ومساء على النار «ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب»  
وقد تكلمنا على دلالة هذه الآية على عذاب القبر في التفسير والله الحمد.

عذاب آل فرعون را در بر گرفت ، هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند (یعنی ارواحشان در برزخ هر صبح و شام بر آتش عرضه می شود ) و روز قیامت آل فرعون را وارد سخت ترین عذاب می شوند ، و در مورد دلالت این آیه بر عالم برزخ و عذاب قبر قبلا در تفسیر ذکر کردیم و لله الحمد .  
ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴ هـ)، البداية والنهاية، ج ۱، ص ۲۶۴، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

و متن سخن ابن کثیر در تفسیرش این است:

وهذه الآية أصل كبير في استدلال أهل السنة على عذاب البرزخ في القبور وهي قوله  
تعالى ( النار يعرضون عليها غدوا وعشيا) ..

این آیه، یک اصل بزرگ در استدلال اهل بر اثبات عذاب قبر در عالم برزخ است و آن این سخن خداوند است که می فرماید: آتش جهنم هر صبحگاهان و شام بر آل فرعون عرضه می شود.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴ هـ)، تفسیر القرآن العظيم، ج ۴، ص ۸۲  
ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۱ هـ

#### ۶. محیی الدین نووی:

نووی یکی از شارحان صحیح مسلم تصریح می کند که مذهب و عقیده اهل سنت اثبات عذاب قبر است :

اعلم أن مذهب أهل السنة اثبات عذاب القبر وقد تظاهرت عليه دلائل الكتاب والسنة قال  
الله تعالى النار يعرضون عليها غدوا وعشيا الآية وتظاهرت به الأحاديث الصحيحة عن النبي صلى  
الله عليه وسلم.

بدانید که مذهب و عقیده اهل سنت اثبات عذاب قبر است و دلایل از قرآن و سنت بر این مطلب فراوان است ، خداوند متعال می‌فرماید : هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند ، و احادیث صحیح از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و سلم در اثبات این مطلب فراوان وجود دارد .

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، شرح

النووی علی صحیح مسلم، ج ۱۷، ص ۲۰۰، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲ هـ

### آیه چهارم؛ منافقین در عالم قبر عذاب می‌شوند

یکی از آیات مورد استدلال بر حیات پس از مرگ، آیه ذیل است:

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ

نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ. (توبه/۱۰۱)

گروهی از عربهای بادیه‌نشین که گرد شما را گرفته‌اند منافقند و گروهی از مردم مدینه نیز بر

نفاق اصرار می‌ورزند ، تو آنها را نمی‌شناسی ، ما می‌شناسیمشان و دو بار عذابشان خواهیم کرد و به

عذاب بزرگ گرفتار می‌شوند.

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید که منافقین را دو بار عذاب می‌کنیم. بزرگان مفسرین اهل

سنت گفته‌اند که یک عذاب در قبر بعد از مردن و دیگری در قیامت است؛ پس در قبر حیات وجود

دارد که عذاب می‌شوند.

فخررازی در تفسیر این آیه می‌نویسد که طبق این آیه، مردگان در عالم قبر نیز حیات دارند؛ و

این آیه شامل عذاب دنیا و قبر می‌شود:

والأولى أن يقال مراتب الحياة ثلاثة: حياة الدنيا، وحياة القبر، وحياة القيامة، فقوله:

«سُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ» المراد منه عذاب الدنيا بجميع أقسامه، وعذاب القبر. وقوله: «ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ

عَذَابٍ عَظِيمٍ» المراد منه العذاب في الحياة الثالثة، وهي الحياة في القيامة .

وقول أولى و صحیح در این آیه این است که قائل شویم به اینکه مراتب حیات سه قسم است :

حیات در دنیا و حیات در قبر و حیات در قیامت ، پس فرمایش خداوند : دو بار عذابشان خواهیم کرد

(مراد از آن دو عذاب : عذاب دنیا با تمام اقسامش و عذاب قبر ، وفرمایش خداوند : و به عذاب بزرگ

گرفتار می‌شوند (مراد از آن عذاب در حیات قسم سوم است و آن حیات در قیامت است).

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای ۶۰۴ هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۱۶،

ص ۴۷۹، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م.

بخاری نیز در صحیح خودش این آیه را در باب عذاب قبر آورده و به آن استدلال کرده است:

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۱، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

حتى ابن تیمیه حرانی وهابی نیز بر طبق این آیه، اعتراف به عذاب و حیات برزخی دارد :  
وقال عن المنافقين «سنعذبهم مرتين ثم يردون إلى عذاب عظيم» قال غير واحد من العلماء المرة الأولى في الدنيا والثانية في البرزخ «ثم يردون إلى عذاب عظيم» في الآخرة.  
خداوند در مورد منافقین می فرماید: و دو بار عذابشان خواهیم کرد و به عذاب بزرگ گرفتار می شوند ، کثیری از علماء گفتند که عذاب اول در دنیا و عذاب دوم در برزخ است و (به عذاب بزرگ گرفتار می شوند) عذاب در آخرت است.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸هـ)، کتب و رسائل فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۴، ص ۲۶۶، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

وقال قتادة وغيره في قوله تعالى (وممن حولكم من الأعراب منافقون) إلى قوله (سنعذبهم مرتين) قالوا في الدنيا القتل وفي البرزخ عذاب القبر.

قتاده و دیگران در مورد این آیه (از اعرابی که نزد تو هستند منافق می باشند) تا اینجا که می فرماید (دو بار عذابشان خواهیم کرد) گفته اند که عذابشان در دنیا کشته شدن است و در عالم برزخ عذاب قبر است .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸هـ)، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، ج ۳، ص ۶۵۵، دار النشر : دار ابن حزم - بیروت - ۱۴۱۷، الطبعة : الأولى، تحقیق : محمد عبد الله عمر الحلوانی ، محمد کبیر أحمد شودی .

دیگر علمائی که یکی از عذابها را در این آیه عذاب قبر دانستند :

الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب (متوفای ۳۱۰هـ)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۱، ص ۱۰، ص ۱۱، ناشر: دار الفکر، بیروت - ۱۴۰۵هـ

إبن أبي حاتم الرازی التیمی، ابو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس (متوفای ۳۲۷هـ)، تفسیر ابن أبي حاتم، ج ۶، ص ۱۸۷۰، تحقیق: أسعد محمد الطیب، ناشر: المکتبة العصرية - صیدا.

البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى ابوبكر (متوفای ۴۵۸هـ)، شعب الإيمان، ج ۱، ص ۳۵۵، تحقیق: محمد السعيد بسيوني زغلول، ناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ

إثبات عذاب القبر، ج ۱، ص ۵۶، دار النشر : دار الفرقان - عمان الأردن - ۱۴۰۵، الطبعة : الثانية، تحقیق : د.

شرف محمود القضاء

الواحدی، علی بن أحمد ابوالحسن (متوفای ۴۶۸هـ)، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (تفسیر الواحدی)، ج ۱، ص ۴۷۹ تحقیق: صفوان عدنان داوودی، ناشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ - ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴هـ)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۸۶، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱هـ

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳۳، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت. العینی الغیتابی الحنفی، بدر الدین ابومحمد محمود بن أحمد (متوفای ۸۵۵هـ)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۲۳۳، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

### آیه پنجم؛ زنده شدن انسان یک بار دیگر در قبر

آیه ذیل یکی دیگر از آیاتی است که برای استدلال حیات انسان در عالم قبر به آن استدلال شده است:

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (بقره/۲۸)

چگونه خدا را انکار می کنید، در حالی که مُرده بودید و او شما را زنده ساخت، باز می میراند و زنده می کند و آن گاه به نزد او بازگردانده می شوید؟ طبق سخنان مفسران، مقصود از «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» زنده شدن دوباره در قبر است. سیوطی از سدی نقل کرده است که می گوید بعد از مرگ نخستین حیات انسان در عالم قبر است و این آیه دلالت می کند که انسان در قبر عذاب می شود:

وذكر الحاكم: أن الموتة الأولى في الدنيا بعد الحياة والثانية في القبر قبل البعث ، والحياة

الأولى في القبر والثانية في الحشر عن الحسن السدي ، وقيل : الحياة الأولى في الدنيا والثانية في القبر، والآية تدل على صحة عذاب القبر واسم الموت على النطفة مجاز فحمل الكلام على حقيقته أولى.

حاکم در مورد این آیه ذکر کرده : مردن اول در دنیا بعد از حیات دنیوی است و مردن دوم در قبر است قبل از قیامت ، و زنده شدن اول در قبر و زنده شدن دوم در محشر است ، از حسن سدی است ، و گفته شده است که زنده شدن اولی در دنیا و زنده شدن دوم در قبر است ، و این آیه بر صحت عذاب قبر دلالت دارد و اگر کسی بگوید که نطفه مرده است این مجاز است و حمل کلام بر حقیقت اولی است .

السيوطي، عبد الرحمن بن أبو بكر، جلال الدين (متوفى ٩١١هـ)، أسماء المدلسين، ج ٢، ص ١٠٠، على طبق

برنامج جامع الكبير

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ. (غافر/١١)

می گویند: ای پروردگار ما، ما را دو بار میرانیدی و دو بار زنده ساختی و ما به گناهانمان

اعتراف کرده ایم. آیا بیرون شدن را راهی هست؟

دوبار میراندن و زنده کردن که در این آیه ذکر شده، محقق نمی شود مگر اینکه در قبر هم

حیات باشد.

عینی شارح صحیح بخاری می نویسد که این دو بار مردن محقق نمی شود مگر اینکه در قبر

حیات و مرگ باشد:

الثانية: قوله تعالى: ربنا أمتنا اثنتين وأحيينا اثنتين (غافر/١١). فإن الله تعالى ذكر الموتة

مرتين، وهما لا تتحققان إلا أن يكون في القبر حياة وموت، حتى تكون إحدى الموتين ما

يتحصل عقيب الحياة في الدنيا والأخرى ما يتحصل عقيب الحياة التي في القبر.

آیه دوم که دلالت بر عذاب قبر و حیات بعد از مرگ می کند: فرمایش خداوند متعال: ای

پروردگار ما، ما را دو بار میرانیدی و دو بار زنده ساختی؛ پس خداوند متعال مرگ را دو بار ذکر کرده

است، و این دو بار مردن محقق نمی شود مگر اینکه در قبر حیات و مرگ باشد، تا اینکه یک مردن

بعد از حیات دنیا باشد و دیگری بعد از حیاتی باشد که در قبر است.

العيني الغيتابي الحنفی، بدر الدين ابو محمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القاری شرح صحیح

البخاری، ج ٨، ص ١٤٦، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

آیه ششم؛ انسان بعد از جان دادن حیات دارد

ششمین دلیل بر حیات پس از مرگ، آیه ذیل است:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ

لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ.

(واقعہ ٨٨-٩٤)

اما اگر از مقربان باشد، برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. و اما اگر از اصحاب

سعادت باشد: پس تو را از اصحاب سعادت سلام است. و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد، به

آب جوشان مهمانش کنند، و به دوزخش در آورند.

در این آیات تقسیم بندی مردم در هنگام جان دادن ذکر می‌شود و این غیر از تقسیم بندی روز قیامت است که در اوائل سوره ذکر شد و این نشان می‌دهد که انسان بعد از جان دادن حیات دارد که اگر از مقربان باشد، برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. و اما اگر از تکذیب‌کنندگان گمراه باشد به آب جوشان مهمانش کنند، و به دوزخش درآورند.

### اعتراف ابن تیمیه به حیات پس از مرگ:

ابن تیمیه حرانی شیخ الاسلام وهابیت این آیات را دلیل بر حیات بعد از مرگ می‌داند:

وقال تعالى لما ذكر أحوال الموتى عند الموت «فأما إن كان من المقربين فروح وريحان وجنة نعيم وأما إن كان من أصحاب اليمين فسلام لك من أصحاب اليمين وأما إن كان من المكذبين الضالين فنزل من حميم وتصلية جحيم» وهذا غير ما ذكره في أول السورة من انقسامهم يوم القيامة الكبرى إلى سابقين وأصحاب يمين ومكذبين فانه سبحانه ذكر في أول السورة انقسامهم يوم القيامة الكبرى وذكر في آخرها انقسامهم عند الموت وهو القيامة الصغرى كما قال المغيرة بن شعبة من مات فقد قامت قيامته وكذلك قال علقمة وسعيد بن جبیر عن ميت أما هذا فقد قامت قيامته أي صار إلى الجنة أو النار وإن كان بعد هذا تعاد الروح إلى البدن ويقعد بقبره ومقصودهم أن الشخص لا يستبطئ الثواب والعقاب فهو إذا مات يكون في الجنة أو في النار قال تعالى عن قوم نوح «مما خطيئاتهم أغرقوا فأدخلوا ناراً» وقال عن آل فرعون «النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب» .

و خداوند متعال وقتی که حال مردگان لحظه جان دادن ذکر می‌کند می‌فرماید :

اما اگر از مقربان باشد، برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. و اما اگر از اصحاب سعادت باشد: پس تو را از اصحاب سعادت سلام است. و اما اگر از تکذیب‌کنندگان گمراه باشد، به آب جوشان مهمانش کنند، و به دوزخش درآورند.

و این غیر از آن فرمایشی است که اول سوره ذکر کرد از تقسیم کردن مردم در روز قیامت به سابقین و اصحاب یمن و مکذبین ، پس در اول سوره تقسیم‌بندی روز قیامت کبری را فرمود و در آخر سوره تقسیم‌بندی هنگام مرگ را فرمود که قیامت صغری است همانگونه که مغیره بن شعبه می‌گوید: هرکس بمیرد قیامتش برپا می‌شود و همچنین علقمه و سعید بن جبیر در مورد مرده می‌گویند : اما انسانی که می‌مرد پس قیامتش برپا شده است یعنی به بهشت یا جهنم وارد می‌شود اگرچه بعد از آن روح به بدن برگردانده می‌شود و مرده در قبر خود می‌نشیند.

و مقصودشان این است که مرده برای ثواب و عقاب منتظر نمی ماند پس وقتی از دنیا رفت در بهشت یا جهنم وارد می شود، خداوند متعال در مورد قوم نوح چنین می فرماید: به کیفر گناهانشان غرقه شدند و به آتش رفتند، و در مورد آل فرعون می فرماید: هر صبح و شام بر آتش عرضه شوند و روزی که قیامت برپا شود ندا دهند که خاندان فرعون را به سخت ترین عذابها در آورید.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفای ۷۲۸ هـ)، النبوات، ج ۱، ص ۱۸۴، ص ۱۸۳، دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة - ۱۳۸۶

**فخر رازی: روح پس از مرگ بر می گردد:**

فخر رازی این آیات را دلیل بر حیات بعد از مرگ می داند:

و ثلثها: قوله: فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٍ نَعِيمٍ (الواقعة ۸۸/ و فاء

التعقيب تدل على أن هذا الروح والريحان والجنة حاصل عقب الموت،

آیه سوم که دلالت بر عذاب قبر و حیات بعد از مرگ دارد: فرمایش خداوند: اما اگر از مقربان باشد، برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. فاء تعقیب است که دلالت می کند بر اینکه این روح و ریحان و جنت بلافاصله بعد از مردن است.

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التیمی (متوفای ۶۰۴ هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۷۴، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م.

علامه اهل سنت آلوسی نیز می نویسد که این روح و ریحان بعد از مردن است:

وأخرج الإمام أحمد في الزهد وابن أبي شيبة وعبد بن حميد وابن المنذر عن الربيع بن

خثيم قال في قوله تعالى: «فأما إن كان من المقربين فروح وريحان»: هذا له عند الموت وفي قوله

تعالى: «وجنة نعيم» تخبأ له الجنة إلى يوم يبعث.

امام احمد بن حنبل در زهد و ابن ابی شیبہ (استاد بخاری) و عبد بن حمید و ابن منذر عن ربیع بن خثیم در مورد فرمایش خداوند متعال: (اما اگر از مقربان باشد، برای اوست آسایش و روزی): این هنگام مردن است و فرمایش خداوند (و بهشت پر نعمت) بهشت برای او تا روز قیامت نگه داشته می شود.

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰ هـ)، روح المعانی

فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۷، ص ۱۶۰، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت

السیوطی، جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱ هـ)، الدر المنثور، ج ۸، ص ۳۶، ناشر:

دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۳.



پس معلوم می‌شود که بعد از مردن، انسان حیات دارد و در قبر متنعم یا معذب می‌شود؛ چون طبق این آیات و تفاسیر علمای اهل سنت که این روح و ریحان هنگام مردن است، اگر حیات نباشد این روح و ریحان بی‌فایده می‌شود.

**آیه هفتم؛ خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت پایدار می‌دارد**

آیه ذیل، هفتمین دلیل بر حیات پس از مرگ است:

**يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. (ابراهيم/۲۷)**

خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت پایدار می‌دارد. و ظالمان را گمراه می‌سازد و هر چه خواهد همان می‌کند.

خداوند متعال در دنیا و آخرت مؤمنین را در عقیده ثابت نگه می‌دارد منظور از آخرت عالم قبر است، پس در قبر حیات وجود دارد که تثبیت در عقیده وجود داشته باشد.

بخاری امام اهل سنت در صحیحش از براء بن عازب از رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده است که این آیه در مورد عذاب قبر نازل شده است:

**حدثنا حفص بن عمر حدثنا شعبة عن علقمة بن مرثد عن سعد بن عبيدة عن البراء بن عازب رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إذا أُقْعِدَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ أَتَى ثُمَّ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ» حدثنا محمد بن بشار حدثنا غندر حدثنا شعبة بهذا وزاد «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» نَزَلَتْ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ.**

به نقل از براء بن عازب از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: وقتی مؤمن در قبرش می‌نشیند فرشته‌ها سراغش می‌آیند سپس شهادت می‌دهد به لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله، و این همان فرمایش خداوند است: خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت پایدار می‌دارد، و نقل کرد محمد بن بشار از غندر از شعبة با این اضافه: این آیه در مورد عذاب قبر نازل شده است.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۳۰۳، و ج ۴، ص ۱۷۳۵، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

مسلم نیشابوری نیز در صحیحش همان روایت براء بن عازب را آورده است:

**۲۸۷۱ حدثنا محمد بن بشار بن عثمان العبدي حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن علقمة بن مرثد عن سعد بن عبيدة عن البراء بن عازب عن النبي صلى الله عليه وسلم قال «يُثَبِّتُ**

الله الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ» قال تَزَلَّتْ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ فَيُقَالُ لَهُ مِنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ رَبِّيَ اللهُ وَنَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠١، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

همین روایت در بقیه صحاح آمده است :

السجستاني الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفى ٢٧٥هـ)، سنن أبي داود، ج ٤، ص ٢٣٨، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.

القزويني، ابو عبدالله محمد بن يزيد (متوفى ٢٧٥هـ)، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٤٢٧، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر - بيروت.

الترمذي السلمی، ابو عيسى محمد بن عيسى (متوفى ٢٧٩هـ)، سنن الترمذي، ج ٥، ص ٢٩٥، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

النسائي، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (متوفى ٣٠٣هـ)، السنن الكبرى، ج ١، ص ٦٦٠، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٩١ - ١٤١١.

پس در صحاح سته آمده است که این آیه دلالت بر حیات در قبر و عذاب قبر دارد.

ابن تیمیه سؤال فرشتگان از انسان در عالم قبر را یکی از موارد امتحان انسان می داند و تصریح می کند که باید به این مطلب ایمان داشت:

ومن الإيمان باليوم الآخر الإيمان بكل ما أخبر به النبي صلى الله عليه وسلم مما يكون بعد الموت فيؤمنون بفتنة القبر وبعذاب القبر وبنعيمه فأما الفتنة فإن الناس يفتنون في قبورهم فيقال للرجل «من ربك وما دينك ومن نبيك» فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة فيقول المؤمن الله ربي والإسلام ديني ومحمد صلى الله عليه وسلم نبيي وأما المرتاب فيقول هاه هاه لا أدري سمعت الناس يقولون شيئاً فقلته فيضرب بمرزبة من حديد فيصيح صيحة يسمعها كل شيء إلا الإنسان ولو سمعها الإنسان لصعق.

و از موارد ایمان به آخرت ، ایمان به تمام روایات پیامبر صلی الله علیه وسلم که روایت شده در مورد آنچه که بعد از مرگ اتفاق می افتد ، پس ایمان بیاورد به ابتلاء و عذاب و پاداش در قبر ، و اما ابتلاء و امتحان : مردم در قبرهایشان امتحان می شوند و از آنها سؤال می شود (خدای تو کیست ؟ و دین تو چیست ؟ و پیامبرت کیست ؟ پس خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت

پایدار می‌دارد ، پس مؤمن می‌گوید : الله خدای من و اسلام دین من و محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر من است و اما کسی که شک دارد می‌گوید : ها ، ها ، نمی‌دانم شنیدم مردم چیزی می‌گویند من هم گفتم ، پس با گریزی از آه‌ن به او می‌زنند و فریادی می‌کشند که همه موجودات صدای او را می‌شنوند مگر انسان ، که اگر بشنود از هوش می‌رود .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج ۳، ص ۱۴۵، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیة، الطبعة: الثانية.

نتیجه:

این آیه همانگونه که در روایت آمده و علمای اهل سنت هم تصریح کرده اند، اگر ثابت کند که انسان بعد از مردن در عالم قبر مورد بازخواست و سؤال قرار می‌گیرد، بالطبع ثابت می‌شود که انسان حیات دارد؛ چرا که سؤال از استخوان ها و پیکر بدون جان و روح که دارای حیات نباشد، غیر ممکن است. در نتیجه حیات انسان در عالم قبر با این آیه ثابت می‌شود و وقتی انسان زنده بود هم کلام دیگران را می‌شنوند و هم قدرت بر پاسخگویی دارند.

آیه هشتم؛ قوم نوح بعد از غرق شدن بلافاصله وارد آتش شدند

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا. (نوح/۲۵)

به کیفر گناهانشان غرق شدند و به آتش رفتند و جز خدا برای خود یآوری نیافتند.

این آیه، نیز یکی از آیاتی است که بر حیات انسان پس از مرگ دلالت دارد. سخنان علمای

اهل سنت را در استدلال به این آیه، متذکر می‌شویم:

**فخر رازی:**

فخر رازی از بزرگان اهل سنت می‌نویسد که این آیه بر حیات بعد از مرگ دلالت می‌کند :

وقوله : **أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا** يدل على أن الإنسان يحيا بعد الموت.

و فرمایش خداوند: غرق شدند و وارد آتش شدند، دلالت می‌کند بر اینکه انسان بعد از مرگ

زنده می‌شود.

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای ۶۰۴ هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۲۱،

ص ۷۴، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م.

فخر رازی در جای که دلایل اثبات حیات شهدا را ذکر می کند ، این آیه را می آورد و می گوید اگر جایز باشد که کفار بعد از مرگ زنده باشند و عذاب شوند؛ پس نیکان هم باید زنده شوند و پاداش خودشان را ببینند :

الحجة الثانية: انه لا شك أن جانب الرحمة والفضل والاحسان أرجح من جانب العذاب والعقوبة ، ثم إنه تعالى ذكر في أهل العذاب أنه أحياهم قبل القيامة لأجل التعذيب فإنه تعالى قال: **أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَاراً (٢٥/ نوح) والفاء للتعقيب، والتعذيب مشروط بالحياة،**

دلیل دوم : شکی نیست که جانب رحمت و فضل و احسان از جانب عذاب و عقوبت ارجحیت دارد و مقدم است ، خداوند متعال در مورد اهل عذاب ذکر کرده است که آنها را قبل از قیامت برای عذاب زنده کرده است فرمایش خداوند : غرق شدند و وارد آتش شدند ، ۲۵ نوح ، و فاء در اینجا برای تعقیب است (یعنی بلافاصله) و عذاب کردن مشروط به حیات داشتن آنهاست .

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التیمی (متوفای ۶۰۴هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۷۳، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

**ألوسی بغدادی:**

علامه اهل سنت آلوسی در روح المعانی می نویسد که مقصود از این آیه حیات برزخی و عذاب قبر است :

**فأدخلوا نارا (هي نار البرزخ والمراد عذاب القبر).**

پس وارد آتش شدند : منظور آتش برزخ و عذاب قبر است .

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۹، ص ۷۹، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

**ابن تیمیه حرانی:**

ابن تیمیه نیز به همین آیه بر عذاب قبر و عالم برزخ استدلال کرده است :

**وذكر عذاب القيامة والبرزخ معا في غير موضع ذكره في قصة آل فرعون فقال (وحاق بآل**

فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب) وقال في قصة قوم نوح (مما خطيئتهم أغرقوا فأدخلوا نارا فلم يجدوا لهم من دون الله أنصارا) مع إخبار نوح لهم بالقيامة في قوله (والله أنبتكم من الأرض نباتا ثم يعيدكم فيها ويخرجكم إخراجا).

خداوند عذاب قیامت و برزخ را با هم در چند جای ذکر کرده است در قصه آل فرعون (و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت، هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می رسد که] فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب در آورید) و در قصه نوح (به کیفر گناهانشان غرق شدند و به آتش رفتند و جز خدا برای خود یآوری نیافتند. با اینکه حضرت نوح در مورد قیامت به آنها خبر داده بود، و خدا شما را چون نباتی از زمین برویاند. باز شما را بدان باز می گرداند و باز از آن بیرون می آورد.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج ۴، ص ۲۶۶، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیة، الطبعة: الثانية.

دیگر علمائی که این آیه را دلیل بر اثبات عذاب قبر آوردند :

التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله (متوفای ۷۹۱ هـ)، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۲، ص ۲۲۰، ناشر: دار المعارف النعمانیة - پاکستان، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م.

النیسابوری، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین المعروف بالنظام الأعرج (متوفای ۷۲۸ هـ)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۴۳۹، تحقیق: الشیخ زکریا عمیران، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م.

ابن عادل الدمشقی الحنبلی، ابو حفص عمر بن علی (متوفای بعد ۸۸۰ هـ)، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۳، ص ۲۲۰، ج ۱۹، ص ۲۲۰، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود والشیخ علی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.

**آیه نهم: کفار بدر بعد از مرگ وارد عذاب خوار کننده ای می شوند**

نهمین دلیل بر حیات پس از مرگ این آیه است:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ. (انعام/۹۳)

اگر ببینی آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و فرشتگان بر آنها دست گشوده اند که جان خویش بیرون کنی، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می کنند، و این به کیفر آن است که درباره خدا به ناحق سخن می گفتید و از آیات او سرپیچی می کردید.

طبق نظر علمای اهل سنت، این آیه بر اثبات عذاب قبر ظالمان بعد مردن دلالت دارد. به

سخنان تعدادی از این دانشمندان اشاره می کنیم:

**محمد بن اسماعیل بخاری:**

بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش این آیه را در «باب عذاب قبر» ذکر کرده است :  
**بَاب مَا جَاءَ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ وَقَوْلُهُ تَعَالَى «إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسُطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» هُوَ الْهُونُ وَالْهُونُ الرَّفْقُ.**

باب آنچه در عذاب قبر ذکر شده است و فرمایش خداوند متعال «آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و ملائکه بر آنها دست گشوده‌اند که: جان خویش بیرون کنید، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می‌کنند» هوان یعنی خواری ...

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۱، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

**حسین بغوی:**

بغوی نیز این آیه را در کتاب «شرح السنه» در «باب عذاب القبر» آورده است:  
البغوی، الحسین بن مسعود (متوفای ۵۱۶هـ)، شرح السنه، ج ۵، ص ۴۲۱، تحقیق: شعیب الأرنؤوط - محمد زهیر الشاویش، ناشر: المكتبة الإسلامی - دمشق - بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

**ابن حزم اندلسی:**

ابن حزم در کتاب «رسالة فی حکم من قال إن أرواح أهل الشقاء معذبة إلى يوم الدين»، از این آیه نتیجه گرفته است که نفس انسان از موقع مردن تا قیامت، در حال عذاب است:  
**وقال تعالى (ولو ترى إذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة باسطوا أيديهم أخرجوا أنفسهم اليوم تجزون عذاب الهون) ( الأنعام : ۹۳ ) فصح أن النفس معذبة كما ترى من حين موتها إلى يوم القيامة دون الأجساد.**

خداوند فرموده است: اگر ببینی آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و فرشتگان بر آنها دست گشوده‌اند که جان خویش بیرون کنید، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می‌کنند. پس صحیح این است که نفس انسان از هنگام مردنش تا روز قیامت گرفتار عذاب است نه بدن.

الأندلسی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم (متوفای ۴۵۶هـ)، رسالة فی حکم من قال إن أرواح أهل الشقاء معذبة إلى يوم الدين، ج ۳، ص ۲۱۹، تحقیق: د. إحسان عباس، دار النشر: المؤسسة العربية للدراسات والنشر - بیروت / لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۹۸۷ م

## نظام الدين نيشابوري:

وی نیز در «تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان»، منظور از کلمه «اليوم» را در این آیه، از هنگام مردن تا عالم برزخ و قیامت است؛ پس انسان در عالم برزخ عذاب می‌شود:

(اليوم) یرید وقت الإمامة أو الوقت الممتد الذي يلحقهم فيه العذاب في البرزخ والقيامة (تجزون عذاب الهون).

مراد از یوم، وقت مردن، یا وقت ممتدی است که عذاب در برزخ و قیامت به آنها می‌رسد.

النيسابوري، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين المعروف بالنظام الأعرج (متوفى ٧٢٨ هـ)، تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان، ج ٣، ص ٤٢١، تحقيق: الشيخ زكريا عميران، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.

## ابن تيمية:

ابن تيمية نیز این آیه را دلیل بر وقوع عذاب بعد از مردن می‌داند و می‌نویسد:

وقوله (اليوم تجزون عذاب الهون) دل على وقوع الجزاء عقب الموت وقال تعالى في الأنفال (ولو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبارهم وذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدمت أيديكم وأن الله ليس بظلام للعبيد) وهذا ذوق له بعد الموت.

این آیه که می‌فرماید: امروز عقاب می‌شوید به عذاب خوار کننده، دلیل بر این است که جزاء بعد از مردن واقع می‌شود. و خداوند در سوره انفال فرموده: و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند): بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تأسف خواهی خورد)... این چشیدن عذاب، بعد از مرگ است.

ابن تيمية الحراني الحنبلي، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨ هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٤، ص ٢٦٧، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.

## ابن قيم الجوزية:

ابن قيم الجوزية شاگرد ابن تيمية بعد از نقل آیه می‌نویسد:

فقول الملائكة اليوم تجزون عذاب الهون المراد به عذاب البرزخ الذي أوله يوم القبض والموت ونظيره قوله تعالى ولو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبارهم وذوقوا عذاب الحريق، فهذه الاذاقة هي في البرزخ واولها حين الوفاة.

سخن فرشته که می گوید: امروز به عذاب سخت عقاب می شوید، مراد از آن عذاب برزخ است؛ همان برزخی که ابتدای آن روز قبض روح و مردن است. نظیر این آیه، آیه دیگر است که می فرماید: و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان .... این چشاندن در برزخ است که ابتدای آن زمان وفات است.

الزرعی، محمد بن ابی بکر ایوب أبو عبد الله (متوفای ۷۵۱هـ)، مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والإرادة، ج ۱، ص ۴۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت

### ب: روایاتی که دلالت بر حیات پس از مرگ می کنند

علاوه بر آیات، روایات نیز بر حیات انسان پس از مرگ دلالت دارند که در این قسمت به این روایات اشاره می شود:

#### ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صدای عذاب شدن یهود از درون قبر را می شنید:

بخاری در صحیح خود در باب «بَابُ التَّعَوُّذِ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ» آورده است که صدای عذاب شدن یهود از درون قبر شنیده می شد؛ پس مردگان حیات دارند که صدای عذاب شدنشان می آمد:

حدثنا محمد بن المثنى حدثنا يحيى حدثنا شعبة قال حدثني عون بن أبي جحيفة عن أبيه عن البراء بن عازب عن أبي أيوب رضي الله عنهم قال خرج النبي صلى الله عليه وسلم وقد وجبت الشمس فسمع صوتاً فقال يهود تعذب في قبورها وقال النضر أخبرنا شعبة حدثنا عون سمعت أبي سمعت البراء عن أبي أيوب رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم.

روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام غروب خارج شد، صدائی شنید، پس فرمود: عده ای از یهود هستند که در قبرهایشان عذاب می شوند ...

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱۳۰۹، تحقیق د. مصطفی ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

مسلم نیز این روایت را در صحیح خود آورده است :

حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا وكيع ح وحدثنا عبيد الله بن معاذ حدثنا أبي ح وحدثنا محمد بن المثنى وبن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر كلهم عن شعبة عن عون بن أبي جحيفة ح وحدثني زهير بن حرب ومحمد بن المثنى وبن بشار جميعا عن يحيى القطان واللفظ لزهير حدثنا يحيى بن سعيد حدثنا شعبة حدثني عون بن أبي جحيفة عن أبيه عن البراء عن أبي أيوب قال



خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ مَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَسَمِعَ صَوْتًا فَقَالَ يَهُودُ تُعَذِّبُ فِي قُبُورِهَا.

النيسابوری القشیری ، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۰، ح ۲۸۶۹، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

۲. صدای خواندن سوره تبارک میت از درون قبر شنیده شده است :

ترمذی در سنن خود (که یکی از صحاح سته است) روایت آورده که صدای خواندن سوره تبارک میت از درون قبر شنیده شده است بعد می گوید: این روایت معتبر است:

حدثنا محمد بن عبد المَلِكِ بن أبي الشَّوَّارِبِ حدثنا يحيى بن عمرو بن مَالِكِ النَّكْرِيِّ عن أبيه عن أبي الجَوْزَاءِ عن بن عَبَّاسٍ قال ضَرَبَ بَعْضُ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خِبَاءَهُ عَلَى قَبْرِ وَهُوَ لَا يَحْسِبُ أَنَّهُ قَبْرٌ فَإِذَا فِيهِ إِنْسَانٌ يَقْرَأُ سُورَةَ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ حَتَّى خَتَمَهَا فَآتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي ضَرَبْتُ خِبَائِي عَلَى قَبْرِ وَأَنَا لَا أَحْسِبُ أَنَّهُ قَبْرٌ فَإِذَا فِيهِ إِنْسَانٌ يَقْرَأُ سُورَةَ تَبَارَكَ الْمَلِكِ حَتَّى خَتَمَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ الْمُنْجِيَةُ تُنْجِيهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

قال أبو عيسى هذا حديث حسن غريب من هذا الوجه وفي الباب عن أبي هريرة.

ابن عباس می گوید بعضی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم خیمه‌ای بر قبر برپا کردند و نمی دانستند که قبر است و در درون قبر کسی سوره تبارک را می خواندند و سوره را ختم کرد پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند آن صحابی گفت آقا جان من خیمه بر قبری زدم و نمی دانستم قبر است و در قبر شخصی سوره تبارک می خواند تا آن را ختم کرد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند سوره تبارک او را از عذاب نجات می دهد ، ابو عیسی می گوید روایت حسن و غریب است (مورد قبول است)

الترمذی السلمی، ابو عیسی محمد بن عیسی (متوفای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۶۴ تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

اقرار علمای اهل سنت به اعتبار سند روایت:

دیگر علمای اهل سنت که روایت را آوردند، نیز بر حسن بودن روایت تصریح کرده اند: سیوطی می نویسد: ترمذی روایت را آورده است و گفته روایت حسن است و حاکم نیشابوری روایت را صحیح دانسته است:

وأخرج الترمذي وحسنه والحاكم وصححه والبيهقي عن ابن عباس قال ضرب بعض أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خبائه على قبر وهو لا يحسب انه قبر فإذا فيه إنسان يقرأ سورة الملك حتى ختمها فأتاني النبي صلى الله عليه وسلم فأخبره فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم وهي المانعة هي المنجية باب ما وقع في حمراء الاسد من الآيات.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الخصائص الكبرى، ج ١، ص ٣٤٤، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

اشبيلي ازدي نیز سخن ترمذی را در تحسین روایت نقل کرده است:

قال أبو عيسى: هذا حديث حسن غريب من هذا الوجه.

الاشبيلي الأزدي، أبو محمد عبد الحق بن عبد الرحمن بن عبد الله (معروف بابن الخراط) (متوفى ٥٨١هـ)، الأحكام الشرعية الكبرى، ج ٤، ص ٣٤، تحقيق: أبو عبد الله حسين بن عكاشة، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.

قرطبي می نویسد :

قال حديث حسن غريب.

الأنصاري القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٨، ص ٢٠٥، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

زرعي دمشقي می گوید :

قال الترمذي هذا حديث حسن غريب.

أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي الوفاء: ٧٥١ هـ، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ج ١، ص ٨٠، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٣٩٥ - ١٩٧٥

محمد بن عبد الوهاب نیز می گوید :

امام وهابیت روایت را آورده و می نویسد که ترمذی آن را آورده و گفته روایت حسن است :

وللترمذي وحسنه عن ابن عباس قال: ضرب بعض أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خبائه على قبر، وهو لا يحسب أنه قبر، فإذا فيه إنسان يقرأ سورة الملك حتى ختمها، فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فأخبره فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: 'هي المانعة، هي المنجية، تنجيه من عذاب القبر'.

محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ هـ)، أحكام تمنی الموت، ج ۱، ص ۴۰، تحقیق: الشيخ عبد الرحمن بن محمد السّدحان، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرین، ناشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى.

از عبارات فوق، روشن می شود که ناقلان تحسین ترمذی و تصحیح حاکم نیز به اعتبار سند این روایت اعتقاد داشته اند و گرنه تعلیقه‌ای بر آن می افزودند.

### ۳. عذاب شدن سخن چین در زمان پیامبر (ص):

در صحیح بخاری باب خاصی برای عذاب قبر تحت عنوان «۸۷ بَابُ عَذَابِ الْقَبْرِ مِنَ الْغِيْبَةِ وَالْبَوْلِ» وجود دارد، و هنگامی که عذاب ثابت شد، حیات هم ثابت می شود:

حدثنا قُتَيْبَةُ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ مُجَاهِدٍ عَنِ طَاوُسٍ قَالَ قَالَ بَنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى قَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ مِنْ كَبِيرٍ ثُمَّ قَالَ بَلَى أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَسْعَى بِالنَّمِيمَةِ وَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ قَالَ ثُمَّ أَخَذَ عُوْدًا رَطْبًا فَكَسَرَهُ بِاِثْنَتَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى قَبْرِ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسَا.

پیامبر صلی الله علیه وسلم بر دو قبر گذشت؛ پس فرمود این دو نفر دارند عذاب می شوند و به خاطر گناه کبیره عذاب نمی شوند سپس فرمود بله اما یکی از آن دو خبر چین بود و دیگری در جلوی مردم ادرار می کرد سپس حضرت یک چوب تر برداشت و دو قسمتش کرد و روی قبر شان گذاشت و فرمود بلکه خدا قبل از خشک شدن چوب در عذابشان تخفیف دهد.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶ هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۳۱۲، تحقیق د. مصطفی ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

### ۴. پناه بردن رسول خدا از عذاب قبر:

در صحیح بخاری باب خاصی برای پناه بردن به خدا از عذاب قبر «بَابُ التَّعَوُّدِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» وجود دارد که خود رسول خدا صلی الله علیه وآله از عذاب قبر به خداوند پناه بره است و در این باره به دو روایت آن اشاره می کنیم.

روایت اول:

حدثنا مُعَلَّى حَدَّثَنَا وَهَيْبٌ عَنْ مُوسَى بْنِ عُقْبَةَ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنَةُ خَالِدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ الْعَاصِ أَنَّهَا سَمِعَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَتَعَوَّذُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

از دختر خالد نقل می‌کند که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که حضرت از عذاب قبر به خدا پناه می‌برند .

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱۳۱۰، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

روایت دوم:

حدثنا مُسْلِمٌ بن إبراهيم حدثنا هشامٌ حدثنا يحيى عن أبي سلمة عن أبي هريرة رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يدعو اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر ومن عذاب النار ومن فتنة المحيا والممات ومن فتنة المسيح الدجال.

ابوهریره گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم این گونه دعا می‌کردند : خدایا به تو پناه می‌برم از عذاب قبر و عذاب دوزخ و فتنه زنده شدن و مردن و فتنه مسیح دجال.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱۳۱۱، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

نتیجه این روایات این است که لازمه عذاب در قبر، حیات و زنده بودن در قبر است؛ چرا که عذاب بدون حیات امکان ندارد پس مرده در قبر حیات دارد.

۵. سؤال پرسیدن از میت در قبر:

طبق روایت دیگر، رسول خدا صلی الله علیه وآله از سؤال در قبر سخن گفت و مسلمانان که این سخن را شنیدند ضجه زدند:

حدثنا يحيى بن سليمان حدثنا بن وهب قال أخبرني يونس عن بن شهاب أخبرني عروة بن الزبير أنه سمع أسماء بنت أبي بكر رضي الله عنهما تقول قام رسول الله صلى الله عليه وسلم خطيباً فذكر فتنة القبر التي يفتن فيها المرء فلما ذكر ذلك ضج المسلمون ضجة زاد غندر عذاب القبر حق.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه‌ای امتحان در قبر و اینکه از انسان در قبر سؤال می‌شود را ذکر کرد و مسلمانان در این هنگام ضجه زدند و گریه کردند، غندر اضافه کرد که عذاب قبر حق است.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۱۳۰۷، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

## ۶. شنیده شدن صدای عذاب شدن مردگان در قبر:

مسلم نیشابوری امام اهل سنت در صحیح خودش آورده است که صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شود شنید :

حدثنا محمد بن المُنَنَّى وبن بَشَّارَ قالا حدثنا محمد بن جَعْفَرٍ حدثنا شُعْبَةُ عن قَتَادَةَ عن أَنَسِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنَّ لَّا تَدَافِنُوا لَدَعَوْتُ اللهُ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. از انس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : اگر نمی‌ترسیدم که از دفن همدیگر امتناع کنید دعا می‌کردم تا صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شنیدید .

النيسابوري القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۰، ح ۲۸۶۸، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

### استدلال ابن تیمیه به شنیدن اموات:

حتی ابن تیمیه به این روایت بر شنیدن مردگان (که فرع بر زنده بودن آنها است) استدلال می‌کند :  
**و ثبت عنه في الصحيح أنه قال لولا أن لا تدافنوا لسألت الله أن يسمعكم عذاب القبر مثل الذي أسمع وثبت عنه في الصحيح أنه نادى المشركين يوم بدر لما ألقاهم في القليب وقال ما أنتم بأسمع لما أقول منهم والآثار في هذا كثيرة منتشرة والله أعلم .**

و ثابت است این روایت از پیامبر در صحیح مسلم که پیامبر فرمود : اگر نمی‌ترسیدم که از دفن همدیگر امتناع کنید دعا می‌کردم تا صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شنیدید همانطوری که من می‌شنوم و ثابت شده در صحیح بخاری و مسلم که پیامبر با کشته شدگان مشرکین وقتی که در چاه بدر انداخت صحبت کرد و فرمود شما شنواتر آنها نیستید و روایات در این باره زیاد است و الله اعلم .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلي، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفای ۷۲۸هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۴، ص ۲۷۳، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

## ۷. حیات طفلان شیرخواره در بهشت

ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در بهشت مرضعه (دایه) دارد.  
بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه نقل کرده است:

حدثنا أبو الوليد حدثنا شعبة عن عدي بن ثابت أنه سمع البراء رضي الله عنه قال لما توفي إبراهيم عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن له مريضاً في الجنة .  
براء می گوید : وقتی ابراهیم علیه السلام (فرزند پیامبر) از دنیا رفت ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : در بهشت کسی هست که ابراهیم را شیر می دهد .

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۳۱۶، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.  
پس حضرت ابراهیم زنده است و بعد از مردن حیات دارد.

### عمومیت این حکم برای تمام اطفال مسلمان :

این روایت طبق نظر شارحین صحیح بخاری اختصاصی به ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ندارد و شامل اطفال مسلمانان می شود.  
ابن بطلال قرطبی می نویسد:

وعلى هذا القول جمهور علماء المسلمين أن أطفال المسلمين فى الجنة إلا المجررة ، فإنهم عندهم فى المشيئة ، وهو قول مجهول مردود بإجماع الحجة الذين لا يجوز عليهم الغلط ، ولا يسوغ مخالفتهم .

و بنا بر این قول است که جمهور علماء مسلمانان عقیده دارند که اطفال مسلمانان وارد بهشت می شوند غیر از فرقه مجبره ...

إبن بطلال البكرى القرطبي، ابوالحسن على بن خلف بن عبد الملك (متوفای ۴۴۹هـ)، شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۶۸ تحقیق: ابوتمیم یاسر بن ابراهیم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۳هـ - ۲۰۰۳م.

بدر الدين عيني می نویسد:

حدثنا أبو الوليد قال حدثنا شعبة عن عدي بن ثابت أنه سمع البراء رضي الله تعالى عنه . قال لما توفي إبراهيم عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن له مريضاً في الجنة .  
مطابقتہ للترجمة من حيث إن النبي ، صلى الله عليه وسلم ، أخبر أن لأبنة إبراهيم مريضاً في الجنة ، وهذا يدل على أن أولاد المسلمين الأطفال في الجنة .

....طبق روایت ذکر شده بخاطر اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که برای فرزندش

ابراهیم مرضعه است در بهشت و این دلیل است بر اینکه اطفال مسلمانان در بهشت هستند.

العيني الغيتابي الحنفى، بدر الدين ابومحمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج ٨، ص ٢١١، ح ٢٨٣١، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

اجماع اهل سنت ، بر حیات اطفال بعد از مرگ :

ابو بكر حدادى در پاسخ سؤالى گفته است: به اجماع اهل سنت تمام فرزندان آدم كه داراى روح هستند در عالم قبر مورد سؤال واقع مى شوند:

فَإِنْ قِيلَ هَلْ يُسْأَلُ الطُّفْلُ الرِّضِيعُ فَالْجَوَابُ أَنَّ كُلَّ ذِي رُوحٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَإِنَّهُ يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ بِاجْتِمَاعِ أَهْلِ السُّنَّةِ لَكِنْ يُلْقَنُهُ الْمَلَكُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ رَبُّكَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ قُلِ اللَّهُ رَبِّي ثُمَّ يَقُولُ لَهُ مَا دِينُكَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ قُلِ دِينِي الْإِسْلَامَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ مَنْ نَبِيِّكَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ قُلِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ بَعْضُهُمْ لَا يُلْقَنُهُ بَلْ يُلْهِمُهُ اللَّهُ حَتَّى يُجِيبَ كَمَا أَلْهِمَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَهْدِ.

پس اگر گفته شود آیا از طفل شیرخوار سؤال مى شود؟ جواب این است كه به اجماع اهل سنت تمام ذى روح از فرزندان آدم در عالم قبر مورد سؤال قرار مى گیرند، ولى فرشته به او تلقین مى كند كه پروردگارت خداوند و دینت اسلام و پیامبرت رسول خدا صلى الله عليه وسلم است. برخى گفته است كه فرشته به او تلقین نمى كند بلكه خداوند به او الهام مى كند تا این كه جواب بدهد همانگونه كه به حضرت عيسى عليه السلام در گهوار الهام شد.

الحدادى العبادى الحنفى ، أبو بكر بن على بن محمد (متوفى ٨٠٠هـ)، الجوهرة النيرة شرح مختصر القدورى، ج ١، ص ٣٩٨ ، طبق برنامه الجامع الكبير.

## ٨. پرواز برخى افراد بهشتى با فرشتگان

پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: جعفر بن ابى طالب را در بهشت دیدم با دو بال همراه فرشته پرواز مى كند پس حضرت جعفر بعد از شهادت حیات دارد:

٦٤٦٤ حدثنا أحمد بن المقدم حدثنا عبد الله بن جعفر المديني وكان خيرا من أبيه إن شاء الله حدثنا العلاء عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رأيت جعفر بن أبي طالب ملكا يطير مع الملائكة بجناحين في الجنة.

ابوهريره از پیامبر صلى الله عليه وسلم نقل مى كند كه فرمود : جعفر بن ابى طالب را در بهشت دیدم با دو بال همراه فرشته پرواز مى كند .

أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبى يعلى، ج ١١، ص ٣٥٠، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

همین روایت را حاکم نیشابورى در مستدرک آورده است و مى گوید این روایت صحیح است :

أخبرني أحمد بن كامل القاضي ثنا الهيثم بن خلف الدوري ثنا محمد بن المثنى حدثني عبيد الله بن عبد المجيد الحنفي ثنا ربيعة بن كلثوم عن سلمة بن وهرام عن عكرمة عن بن عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دخلت الجنة البارحة فنظرت فيها فإذا جعفر يطير مع الملائكة وإذا حمزة متكئ على سرير.

صحيح الإسناد ولم يخرجاه هذه أحاديث تركها في الإملاء.

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥ هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ٢١٧، ح ٤٨٩٠، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م

و در جای دیگر آورده است:

حدثنا أبو محمد المزني ثنا الهيثم بن خلف الدوري ثنا محمد بن المثنى حدثني عبيد الله بن عبد المجيد الحنفي ثنا زمعة بن صالح عن سلمة بن وهرام عن عكرمة عن بن عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دخلت الجنة البارحة فنظرت فيها فإذا جعفر يطير مع الملائكة وإذا حمزة متكئ على سرير. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥ هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ٢٣١، ح ٤٩٣٣، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م  
بزرگان اهل سنت در کتابهای ذیل، این روایت را آورده اند :

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨ هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ١، ص ٢١٢، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسى، ناشر: مؤسس الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣ هـ.

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفى ٧٧٤ هـ)، السيرة النبوية، ج ٣، ص ٤٦٧، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الهيثمي، ابوالحسن نور الدين على بن أبي بكر (متوفى ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٩، ص ٢٧٣، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧ هـ

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج ٧، ص ٧٦، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

العيني الغيتابي الحنفي، بدر الدين ابو محمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥ هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج ٨، ص ٢٢، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.



الهندي، علاء الدين على المتقي بن حسام الدين (متوفى ٩٧٥هـ)، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج ٥، ص ٢٨٧، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م.

پس طبق این روایت حضرت جعفر بن ابی طالب بعد از شهادت در بهشت متنعم است و با دو بالی که خداوند به او داده است همراه فرشته‌ها پرواز می‌کند، و این بعد از شهادت است و در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده است.

#### ٩. حضرت موسی (ع) در قبرش زنده است و نماز می‌خواند:

امام اهل سنت مسلم نیشابوری در کتاب صحیح خود روایت آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج حضرت موسی را دید که در قبر خود نماز می‌خواند:

حَدَّثَنَا هَدَّابُ بْنُ خَالِدٍ وَشَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ قَالَا حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَنَسٍ وَسَلِيمَانَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَتَيْتُ فِي رِوَايَةٍ هَدَّابٍ مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكَثِيبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ.

وحدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَشْرَمٍ أَخْبَرَنَا عِيسَى يَعْنِي بَنَ يُونُسَ ح وَحَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ كِلَاهِمَا عَنْ سَلِيمَانَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَنَسِ ح وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا عَبْدُهُ بَن سَلِيمَانَ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ سَلِيمَانَ التَّمِيمِيِّ سَمِعْتُ أَنَسًا يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى وَهُوَ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ وَزَادَ فِي حَدِيثِ عِيسَى مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي.

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحیح مسلم، ج ٤، ص ١٨٤٥، ح ٢٣٧٥، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

این روایت در کتابهای ذیل نیز آمده است:

إبن أبي شيبة الكوفي، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفى ٢٣٥ هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج ٧، ص ٣٣٥، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩هـ.

الصنعاني، ابوبكر عبد الرزاق بن همام (متوفى ٢١١هـ)، المصنف، ج ٣، ص ٥٧٧، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ.

الشيبياني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٣، ص ١٢٠، ناشر: مؤسسة قرطبة مصر.

البيزار، ابوبكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفى ٢٩٢ هـ)، البحر الزخار (مسند البيزار) ج ١٤، ص ١٢٠، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة الطبعة: الأولى،

١٤٠٩ هـ

النسائي، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (متوفى ٣٠٣ هـ)، السنن الكبرى، ج ١، ص ٤١٩، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩١. أبو يعلى الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبي يعلى، ج ٧، ص ١٢٦، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

#### سيوطي: ادعای تواتر روایات این باب

سيوطي عالم بزرگ اهل سنت می نویسد: حیات پیامبران در قبر معلوم و در نزد ما علمی قطعی است به خاطر ادله و روایات متواتر در این باب.

فأقول حياة النبي صلى الله عليه وسلم في قبره هو وسائر الأنبياء معلومة عندنا علماً قطعياً لما قام عندنا من الأدلة في ذلك وتواترت [ به ] الأخبار ، وقد ألفت البيهقي جزءاً في حياة الأنبياء في قبورهم .

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١ هـ)، الحاوي للفتاوى في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٣٩، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.

#### السبكي:

عقیده ما این است که انبیاء در قبرهايشان زنده هستند

ومن عقائدنا: أن الأنبياء أحياء في قبورهم فأين الموت؟.

طبقات الشافعية الكبرى، ج ٣، ص ٣٨٤، دار النشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع - ١٤١٣ هـ، الطبعة: ط ٢، تحقيق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو

#### قسطلانی

حیات انبیاء ثابت و معلوم است

ولا شك أن حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام ثابتة معلومة مستمرة ونبينا أفضلهم ، وإذا كان كذلك فينبغي أن تكون حياته أكمل وأتم من حياة سائرهم.

المواهب اللدنية: ج ٣ ص ٤١٣.

#### زینی دحلان

زینی دحلان مفتی اعظم عربستان می نویسد: حیات انبیاء در نزد اهل سنت ثابت است.

وحياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام في قبورهم ثابتة عند أهل السنة بأدلة كثيرة منها

حديث مررت على موسى ليلة أسرى بي يصلى في قبره

نتیجه:

با توجه به آیات و روایات فوق، روشن می‌شود که مردگان پس از رفتن از این دنیا زنده هستند و طبق نظر علمای اهل سنت، حیات پس از مرگ مختص به شهدا نیست؛ بلکه شامل تمامی اموات می‌شود.

#### ۱۰. عذاب قبر حق است:

در روایت دیگر آمده است که عایشه از رسول خدا از عذاب قبر سؤال کرد، حضرت فرمود: عذاب قبر حق است:

حدثنا عَبْدَانُ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ شُعْبَةَ سَمِعَتْ الْأَشْعَثَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ يَهُودِيَّةً دَخَلَتْ عَلَيْهَا فَذَكَرَتْ عَذَابَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ لَهَا أَعَاذُكَ اللَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَسَأَلَتْ عَائِشَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَقَالَ نَعَمْ عَذَابُ الْقَبْرِ حَقٌّ قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَمَا رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدُ صَلَّى صَلَاةً إِلَّا تَعَوَّذَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

یک زن یهودی بر عایشه وارد شد پس از عذاب قبر سخن گفت و به عایشه گفت خدا تو را از عذاب قبر حفظ کند پس عایشه از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد عذاب قبر سؤال کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود عذاب قبر حق است ، عایشه می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از هر نماز از عذاب قبر به خدا پناه می‌برد.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۱۳۰۶،

تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

#### ۱۱. انبیاء درون قبر نماز می‌خوانند

ابو یعلی در مسند خود روایت کرده است که انبیاء درون قبر زنده هستند و نماز می‌خوانند:

حدثنا أبو الجهم الأزرق بن علي حدثنا يحيى بن أبي بكير حدثنا المستلم بن سعيد عن الحجاج عن ثابت البناني عن أنس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون.

انس بن مالک می‌گوید پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: انبیاء در قبرهایشان زنده هستند و

نماز می‌خوانند.

أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبى يعلى، ج ٦، ص ١٤٧، حديث ٣٢٢٥، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

هيشمى مى گوید که راویان این روایت همه ثقه هستند و روایت صحیح است.

### رواه أبو يعلى والبزار ورجال أبي يعلى ثقات

الهيشمى، ابوالحسن نور الدين على بن أبى بكر (متوفى ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٨، ص ٢١١، ناشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربى - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧ هـ.

ملا على قارى مى نویسد روایت صحیح است.

### وصح خبر ( الأنبياء أحياء في قبورهم ، يصلون )

ملا على القارى، نور الدين أبو الحسن على بن سلطان محمد الهروى (متوفى ١٠١٤ هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج ٣، ص ٤١٥، تحقيق: جمال عيتانى، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.

مناوى مى نویسد روایت صحیح است.

### وهو حديث صحيح

المناوى، محمد عبد الرؤوف بن على بن زين العابدين (متوفى ١٠٣١ هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٣، ص ١٨٤، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ١٣٥٦ هـ.

البانى نیز روایت را صحیح دانسته است.

الألبانى، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ٢ ص ١٨٧-١٨٩، حديث رقم: ٦٢١.

تواتر روایات و اجماع علمای اهل سنت بر حیات انبیاء بعد از وفات

ابن حجر هیتمی از بزرگان اهل سنت مى نویسد: علمای اهل سنت بر حیات انبیاء بعد از مردن

اجماع دارند و روایات متواتر بر این مطلب وجود دارد.

### الْإِجْمَاعُ عَلَى حَيَاةِ الْأَنْبِيَاءِ كَمَا تَوَاتَرَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ.

الهيشمى، ابوالعباس أحمد بن محمد بن على ابن حجر (متوفى ٩٧٣ هـ)، الفتاوى الكبرى الفقهية، ج ٢،

ص ١٣٥، ناشر: دار الفكر

پس روایت از نظر بزرگان اهل سنت صحیح است و ثابت مى کند که انبیاء بعد از مردن در قبر

زنده هستند.

۱۲. رسول الله ص بعد از وفات جواب سلام را می دهد

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الله بن يزيد ثنا حيوة ثنا أبو صخر أن يزيد بن عبد الله بن قسيط أخبره عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما من أحد يسلم علي إلا رد الله عزوجل إلي روعي حتى أردد عليه السلام.

پیامبر ص فرمودند: هر کس که به من سلام می کند خداوند روح من را برمی گرداند تا جواب سلامش را بدهم.

الشيبياني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۲۷، حديث ۱۰۸۲۷، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

همین روایت در سنن ابی داود نیز آمده است.

السجستاني الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفى ۲۷۵هـ)، سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۱۸، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.

**تصحیح سند روایت توسط علمای اهل سنت:**

نووی از بزرگان اهل سنت می گوید سند روایت صحیح است:

۳۳۴ وروينا فيه أيضا بإسناد صحيح عن أبي هريرة أيضا أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ( ما من أحد يسلم علي إلا رد الله علي روعي حتى أردد عليه السلام .

الإمام النووي الوفاء: ۶۷۶هـ، الأذكار المنتخبة من كلام سيد الأبرار، ج ۱، ص ۶۶ دار النشر: دار الكتب العربي - بيروت - ۱۴۰۴هـ - ۱۹۸۴م.

نووی: سند روایت صحیح است.

**رواه أبو داود بإسناد صحيح**

أبو زكريا يحيى بن شرف النووي الوفاء: ۶۷۶ هـ، رياض الصالحين من كلام سيد المرسلين، ج ۱، ص ۲۵۵، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، الطبعة: الثالثة

النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ۶۷۶ هـ)، المجموع، ج ۸، ص ۲۰۰، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، التكملة الثانية.

**رواه أبو داود بإسناد صحيح .**

يحيى بن مرى بن حسن بن حسين بن محمد بن جمعة بن حزام الحزامي، الحوراني، أبو زكريا، محيي الدين دمشقي الشافعي الوفاء: ۶۷۶ / ۲۴ هـ، خلاصة الاحكام في مهمات السنن وقواعد الاسلام، ج ۱، ص ۴۴۱ دار النشر:

مؤسسة الرسالة - لبنان - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م، الطبعة: الاولى، تحقيق: حقه وخرج احاديثه: حسين إسماعيل الجمل

ابن تيميه رهبر فكري وهابيت مي نويسد: اين روايت بر طبق تصحيح مسلم نيشابوري است و ائمه اهل سنت طبق آن فتوى دادند به جواز سلام كردن بر قبر پیامبر ص :

### وهذا الحديث على شرط مسلم

أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحرائی أبو العباس الوفاء: ٧٢٨، اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة أصحاب الجحيم ، ج ١، ص ٣٢٤، دار النشر : مطبعة السنة المحمدية - القاهرة - ١٣٦٩ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : محمد حامد الفقى

### وعلى هذا الحديث اعتمد الأئمة في السلام عليه عند قبره صلوات الله وسلامه عليه

أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحرائی أبو العباس الوفاء: ٧٢٨ ، قاعدة جليله فى التوسل والوسيلة ، ج ١، ص ٧١، دار النشر : المكتب الإسلامى - بيروت - ١٣٩٠ - ١٩٧٠ ، تحقيق : زهير الشاويش انصارى شافعى مي نويسد: سند روايت صحيح است.

### قلت : رواه أبو داود ( ١٣٥٠ ) بإسناد جيد ،

الأنصارى الشافعى، سراج الدين أبى حفص عمر بن على بن أحمد المعروف بابن الملتن (متوفى ٨٠٤هـ)، البدر المنير فى تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى الشرح الكبير، ج ٥، ص ٢٩٠ تحقيق: مصطفى ابوالغيط و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمال، ناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعوديه، الطبعة: الاولى، ١٤٢٥هـ-٢٠٠٤م.

عمر بن على بن أحمد الوادياشى الأندلسى

### رواه أبو داود بإسناد على شرط الصحيح

عمر بن على بن أحمد الوادياشى الأندلسى الوفاء: ٨٠٤ ، تحفة المحتاج إلى أدلة المنهاج ، ج ٢، ص ١٩٠، دار النشر : دار حراء - مكة المكرمة - ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الله بن سعاف اللحيانى ابن حجر عسقلانى مي گويد روايت صحيح است:

### ورواته ثقات

العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ٦، ص ٤٨٨ ، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

الشريبنى الخطيب الشافعى

### رواه أبو داود بإسناد صحيح

الشريبنى الخطيب الشافعى ، شمس الدين محمد (متوفى ٩٧٧هـ) ، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، ج ١، ص ٥١٢ ، ناشر: دار الفكر - بيروت.

الزرقانى

### أخرجه أبو داود ورجاله ثقات

الزرقانی، محمد بن عبد الباقي بن يوسف (متوفای ۱۱۲۲هـ) شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، ج ۴، ص ۳۵۷، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ.

**علمای اهل سنت: لازمه این روایت حیات علی الدوام و همیشگی پیامبر ص است:**

سیوطی از بزرگان اهل سنت می نویسد از این روایت حیات همیشگی برای پیامبر ص ثابت می شود :

روینا فی الترمذی قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ( ما من أحد يسلم علي إلا رد الله علي روحي حتى أرد عليه السلام ) يؤخذ من هذا الحديث أن النبي صلى الله عليه وسلم **حي على الدوام** وذلك أنه محال عادة أن يخلو الوجود كله من واحد مسلم على النبي صلى الله عليه وسلم في ليل أو نهار فإن قلت : قوله عليه السلام : (إلا رد الله إلي روحي) لا يلتئم مع كونه حياً على الدوام بل يلزم منه أن تتعدد حياته ووفاته في أقل من ساعة إذ الوجود لا يخلو من مسلم يسلم عليه كما تقدم بل يتعدد السلام عليه في الساعة الواحدة كثيراً . فالجواب : والله أعلم أن يقال : المراد بالروح هنا النطق مجازاً فكأنه قال عليه السلام إلا رد الله إلي نطقي وهو حي على الدوام ،

در کتاب ترمذی روایت کردیم که پیامبر ص فرمودند: هر کس که به من سلام می کند خداوند روح من را برمی گرداند تا جواب سلامش را بدهم. از این حدیث استفاده می شود که پیامبر ص همیشه **زنده است**؛ زیرا محال است که در شبانه روز کسی نباشد که بر پیامبر صلی الله علیه وآله سلام نفرستد.

اگر گفته شود که این فرمایش حضرت ، تناسبی با حیات همیشگی و علی الدوام ندارد؛ بلکه لازم می آید تعدد حیات و وفات پیامبر صلی الله علیه واله در کمتر از یک ساعت؛ چون عالم خالی نمی شود از مسلمانی که بر پیامبر ص سلام می فرستد؛ بلکه در یک ساعت سلامهای متعددی بر حضرت می شود، جواب: منظور از روح در این حدیث مجازاً نطق و حرف زدن است پس اینگار پیامبر صلی الله علیه وآله فرموده باشند که خدا قدرت حرف زدن را به من برمی گرداند و پیامبر صلی الله علیه وآله حیات همیشگی و علی الدوام دارد.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای ۹۱۱هـ)، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر و الحدیث و الاصول و النحو و الاعراب و سائر الفنون، ج ۲، ص ۱۴۳، تحقیق: عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

صالحی شامی

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (متوفای ۹۴۲هـ)، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۱۲، ص ۳۶۴، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ

## مناوی

المناوی، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین (متوفای ۱۰۳۱هـ)، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، ج ۵، ص ۴۶۷، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ۱۳۵۶هـ

## سخاوی

السخاوی، القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع: ص ۲۴۳.

پس طبق این حدیث حضرت حیات دارد و جواب سلام مسلمان را از درون قبر می دهد.

مسلمانان در هر نماز بر پیامبر ص سلام می دهند به سلام خطاب، السلام علیک ایها النبی

ورحمه الله وبرکاته و حتی لجنه افتاء عربستان نیز به آن فتوی داده است و ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می گوید: سلام خطابی به کسی می شود که صدا را می شنود.

جواب لجنه افتاء عربستان در مورد کیفیت تشهد و سلام نماز:

صفة التشهد الذي كان يقوله رسول الله ( ص ) في صلاته ويأمر أصحابه بها هي ما

أخرجه الشيخان في الصحيحين عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال : علمني رسول الله

(ص) كفي بين كفيه كما يعلمني السورة من القرآن التحيات لله والصلوات والطيبات السلام عليك

أيها النبي ورحمة الله وبركاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد

أن محمدا عبده ورسوله.

وهذا هو الأصح لأن النبي ( ص ) علمه أصحابه ولم يقل إذا مت فقولوا السلام على النبي

. . وبالله التوفيق وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم.

طریقه تشهد که رسول خدا (ص) در نماز خود می خواند و به اصحابش دستور می داد، همان

روایتی است که بخاری و مسلم در صحیحین از ابن مسعود : پیامبر (ص) به من تعلیم داد در حالی که

دستم در دستش بود همانگونه که سوره ای از قرآن یاد می داد، السلام علیک ایها النبی ورحمة الله

وبرکاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

و این صحیح است چونکه پیامبر (ص) به صحابه تعلیم داد و فرمود که اگر از دنیا رستم

بگوئید: السلام على النبي . . وبالله التوفيق وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم.

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۷، ص ۷، الفتوی رقم ۶۰۳۵.



ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت:

وقد ثبت عنه في الصحيحين من غير وجه أنه كان يأمر بالسلام على أهل القبور ويقول ( قولوا السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين وانا ان شاء الله بكم لاحقون ويرحم الله المستقدمين منا ومنكم والمستأخرين نسأل الله لنا ولكم العافية اللهم لا تحرمنا أجرهم ولا تفتنا بعدهم واغفر لنا ولهم ، فهذا خطاب لهم وإنما يخاطب من يسمع

و ثابت است روایت در صحیح بخاری و مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرق مختلف که دستور به سلام کردن بر مردگان داده است و می فرمود ( بگوئید سلام بر شما ای اهل دیار مؤمنین و مسلمین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم و خداوند مستقدمین و مستأخرین از ما و شما را رحمت کند و از خداوند برای ما و شما طلب عافیت داریم ، خدایا ما از اجر و پاداششان محروم نکن و ما و آنها را ببخش. و این خطاب به مردگان است و فقط کسی که می شنود مورد خطاب قرار می گیرد.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، ج ۲۴، ص ۳۶۳، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیة، الطبعة: الثانية.

### ۱۳. صلوات مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر عرضه می شود

روایت در مصنف ابن ابی شیبیه استاد بخاری، مسند احمد، سنن دارمی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، سنن نسائی و... آورده اند:

حدثنا حُسَيْنُ بن عَلِيٍّ عن عبد الرحمن بن جَابِرٍ عن أَبِي الْأَشْعَثِ الصَّنَعَانِيِّ عن أَوْسِ بنِ أَوْسٍ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ النَّفْخَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ فَاكثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنْ صَلَّاتِكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تُعْرَضُ صَلَّاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ يَعْنِي بَلِيَتْ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ

رسول الله ص می فرماید: روز جمعه از برترین روزهاست در این روز حضرت آدم آفریده شده و دمیدن روح و نفخه صور در این روز است پس زیاد بر من در این روز درود بفرستید پس همانا که درود شما بر من عرضه می شود، پس شخصی گفت: ای پیامبر خدا چگونه بر شما عرضه می شود در

حالی که بدن شما از بین می‌رود، پس حضرت فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیاء را از بین ببرد.

ابن ابی شیبۀ الکوفی، ابوبکر عبد الله بن محمد (متوفای ۲۳۵ هـ)، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۲، ص ۲۵۳، حدیث ۸۶۹۷، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبۃ الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹ هـ.  
الشیبانی، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۸، ناشر: مؤسسۃ قرطبة - مصر.

الدارمی، أبو محمد عبدالله بن عبدالرحمن (متوفای ۲۵۵ هـ)، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۴۵، تحقیق: فواز أحمد زمرلی / خالد السبع العلمی، ناشر: دار الكتاب العربی - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ.  
السجستانی الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفای ۲۷۵ هـ)، سنن أبی داود، ج ۱، ص ۲۷۵، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، ناشر: دار الفکر.  
القزوينی، ابوعبدالله محمد بن یزید (متوفای ۲۷۵ هـ)، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۴۵، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفکر - بیروت.

النسائی، ابوعبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علی (متوفای ۳۰۳ هـ)، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۵۱۹، تحقیق: د.عبد الغفار سليمان البنداری، سید کسروی حسن، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱.

#### تصحیح روایت توسط علمای اهل سنت:

حاکم نیشابوری: این حدیث طبق شرایط صحت روایات صحیح بخاری و مسلم است.

#### هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۴، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.  
ذهبی نیز در تعلیقه بر مستدرک: این حدیث طبق شرایط صحت روایات صحیح بخاری و مسلم است.

#### تعلیق الذهبي في التلخيص : علی شرط البخاري ومسلم

المستدرک علی الصحیحین للحاکم مع تعلیقات الذهبي فی التلخیص - (ج ۴ / ص ۶۰۴)

البانی: سند روایت صحیح است.

وإسناده صحیح وأخرجه أبو داود ( رقم ۱۰۴۷ و ۱۵۳۱ ) والنسائي ( ۱ / ۲۰۳ - ۲۰۴ )  
والدارمي ( ۱ / ۳۶۹ ) وابن ماجه ( رقم ۱۰۸۵ و ۱۶۳۶ ) والحاکم ( ۱ / ۲۷۸ ) وأحمد ( ۴ / ۸ )  
إرواء الغلیل - ( ج ۱ / ص ۳۴ )

سلسلة الأحادیث الصحیحة: ج ۴ ص ۳۲، مکتبۃ المعارف للنشر والتوزیع، الرياض.

الألبانی، إرواء الغلیل: ج ۱ ص ۳۴-۳۵، الناشر: المکتب الإسلامی، بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية،

١٤٠٥ - ١٩٨٥ م.

نووی: این حدیث صحیح است، ابو داود و نسائی و دیگران با سند صحیح آن را آورده‌اند.

حدیث اوس بن اوس هذا صحیح ، رواه أبو داود والنسائي وغيرهما بأسانيد صحيحة ،

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ٦٧٦ هـ)،

المجموع، ج ٤، ص ٤٦٩، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، التكملة الثانية.

رواه أبو داود بإسناد صحیح

أبو زکریا یحیی بن شرف النووی الوفاة: ٦٧٦ هـ، رياض الصالحين من كلام سيد المرسلين ، ج ١، ص ٢٢١

دار النشر : دار الفكر - بيروت - ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م ، الطبعة : الثالثة

الحزامی

رواه أبو داود بإسناد صحیح .

یحیی بن مرى بن حسن بن حسين بن محمد بن جمعة بن حزام الحزامی، الحورانی، أبو زکریا، محیی الدین

الدمشقی الشافعی الوفاة: ٢٤ / ٦٧٦ هـ ، خلاصة الاحكام فى مهمات السنن وقواعد الاسلام ، ج ١، ص ٤٤١ دار

النشر : مؤسسة الرسالة - لبنان - بيروت - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م ، الطبعة : الاولى ، تحقيق : حقه وخرج أحاديثه:

حسين إسماعيل الجمل

الزرعى

إسناده صحیح

الزرعى الدمشقى الحنبلى، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أبى بكر أيوب (مشهور به ابن القيم الجوزية )

(متوفای ٧٥١ هـ)، جلاء الأفهام فى فضل الصلاة على محمد خير الأنام، ج ١، ص ٨٠ تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عبد

القادر الأرنؤوط، ناشر: دار العروبة - الكويت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.

ابن حجر عسقلانى: سند روایت صحیح است.

سنده صحیح

العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفای ٨٥٢ هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى،

ج ٦، ص ٤٨٨، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

الأنصارى الشافعى

رواه أبو داود وغيره بأسانيد صحيحة

الأنصارى الشافعى ، أبو يحيى زكريا (متوفای ٩٢٦ هـ) ، أسنى المطالب فى شرح روض الطالب ، ج ١، ص ٢٦٨،

تحقيق : د . محمد محمد تامر ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى ، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٠

الصالحى الشامى

## وروی ابن ماجه - برجال ثقات

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (متوفای ۹۴۲هـ)، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۲، ص ۴۴۴، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ

الشربینی

## رواه أبو داود وغيره بأسانید صحیحة

الشربینی الخطیب الشافعی، شمس الدین محمد (متوفای ۹۷۷هـ)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، ج ۱، ص ۲۹۵، ناشر: دار الفكر - بیروت.

پس طبق این روایت صحیح ثابت می شود که صلوات مسلمانان بر پیامبر عرضه می شود و حضرت آن را درک می کند و بدن حضرت نیز سالم می ماند، این را اگر حیات نگوییم چه بگوییم.

## ۵. نظر علمای اهل سنت در مورد شنیدن مردگان

بخش پایانی این مقاله را با ذکر سخنان علمای اهل سنت را در باره شنیدگان مردگان به پایان می بریم:

### ۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

بخاری در کتاب صحیح بخاری که اصح کتب نزد اهل سنت بعد از قرآن است باب خاصی در باره شنیدن مردگان صدایی پای تشیع کنندگان دارد:

۶۶ بَابُ الْمَيِّتِ يُسْمَعُ خَفَقَ النَّعَالِ.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۴۸ تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ و روایتش را قبلا متذکر شدیم.

### ۲. مسلم بن الحجاج نیشابوری:

وی نیز در صحیح خودش می نویسد که مرده، حتی صدای پای تشیع کنندگان را که از کنار قبر برمی گردند، می شنود.

إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ إِنَّهُ لَيَسْمَعُ خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا أَنْصَرَفُوا.

النیشابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۱، ح ۲۸۷۰، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

روایات این کتاب را نیز در بحث های قبلی متذکر شدیم.

### ۳. ابن تیمیه

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت به این آیات و روایات بر شنیدن مردگان استدلال کرده است :

سئل هل يتكلم الميت في قبره؟

فقال وأما سؤال السائل هل يتكلم الميت في قبره فجوابه أنه يتكلم وقد يسمع أيضا من

كلمه كما ثبت في الصحيح عن النبي أنه قال إنهم يسمعون قرع نعالمهم وثبت عنه في الصحيح أن الميت يسأل في قبره فيقال له من ربك وما دينك ومن نبيك فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت فيقول الله ربي والإسلام ديني ومحمد نبي ويقال له ما تقول في هذا الرجل الذي بعث فيكم فيقول المؤمن هو عبد الله ورسوله جاءنا بالبينات والهدى فأما به واتبعناه وهذا تأويل قوله تعالى (يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة). (ابراهيم/ ۲۷).

از ابن تیمیه سؤال شد : آیا مرده در قبرش حرف می زند ؟

جواب : و اما در مورد این سؤال که آیا مرده در قبرش حرف می زند ؟ جواب این است که

مرده هم حرف می زند و هم می تواند صدای کسی را که با او حرف می زند، بشنود ، همانگونه که در حدیث صحیح از نبی مکرم آمده که فرمود : مردگان صدای نعلین را می شنوند و ثابت شده در حدیث صحیح که از مرده در قبر سؤال می شود، پس به او گفته می شود خدای تو کیست؟ دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس خدا مؤمنین را در گفتار استوار قرار می دهد ، پس مؤمن جواب می دهد الله پروردگار و اسلام دین و محمد پیامبر من است ، پس از مؤمن سؤال می شود در مورد آقائی که به سوی شما مبعوث کردیم چه عقیده ای داری؟ پس مؤمن جواب می دهد که ایشان بنده و فرستاده خداست ، با آیات آشکار و هدایت به سوی ما آمد پس ما ایمان آوردیم و از ایشان پیروی کردیم و این تأویل ای آیه است.

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ

الإسلام ابن تیمیه، ج ۴، ص ۲۷۳ تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مكتبة ابن تیمیه، الطبعة: الثانية

همچنین در جای دیگر می گوید :

وسئل عن الأحياء إذا زاروا الأموات هل يعلمون بزيارتهم وهل يعلمون بالميت إذا مات

من قرابتهم أو غيره؟

فأجاب الحمد لله نعم قد جاءت الآثار بتلاقيهم وتساؤلهم وعرض أعمال الأحياء على الأموات كما روى ابن المبارك عن أبي أيوب الأنصاري قال (إذا قبضت نفس المؤمن تلقاها الرحمة من عباد الله كما يتلقون البشير في الدنيا فيقبلون عليه ويسألونه فيقول بعضهم لبعض أنظروا أخاكم يستريح فإنه كان في كرب شديد قال فيقبلون عليه ويسألونه ما فعل فلان وما فعلت فلانة هل تزوجت) الحديث

وأما علم الميت بالحي إذا زاره وسلم عليه ففي حديث ابن عباس قال قال رسول الله (ما من أحد يمر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا عرفه **ورد عليه السلام**) قال ابن المبارك ثبت ذلك عن النبي صلى الله عليه وسلم وصححه عبد الحق صاحب الأحكام.

از ابن تیمیه سؤال شد وقتی زنده‌ها به زیارت قبرهای مردگان می‌روند ، آیا مردگان، زائر قبر را می‌شناسند؟ و آیا اگر کسی از خویشاوندانشان بمیرد از حال او آگاه می‌شوند؟

جواب داد : بعد از حمد و سپاس خدا ، بله، روایت در اثبات ملاقات مردگان با هم و عرضه شدن اعمال زندگان بر آنها آمده است ، مثل روایت ابن مبارک از ابوایوب انصاری که گفته : وقتی جان مؤمن گرفته می‌شود بندگان خدا به استقبال او می‌آیند همانگونه که در دنیا مردم به استقبال کسی می‌روند که مژده آورده است و از او سؤال می‌کنند ، بعضی از آنان می‌گویند اجازه دهید برادر مؤمنان استراحت کند ، او در سختی و شدت بوده است ، سپس از او سؤال می‌کنند فلانی چکار کرد و آیا فلانی ازدواج کرد ؟ .....

و اما درمورد آگاهی مردگان به کسی که به زیارتشان می‌آید و به آنان سلام می‌کند ، در روایت ابن عباس از پیامبر آمده است ( هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود که در دنیا او را می‌شناخت برود و به او سلام بدهد مرده او را می‌شناسد و **جواب سلام او را می‌دهد** ) ابن مبارک می‌گوید این روایت از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است و عبد الحق صاحب کتاب الاحکام این روایت را تصحیح کرده است .

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۲۴، ص ۳۳۱، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

#### ۴. ابن قیم الجوزیه:

او نیز بر تواتر روایاتی که حاکی این مطلب که میت زائران قبرش را می‌شناسند، تصریح کرده است:

وقد تواترت الآثار عنهم بأن الميت يعرف زيارة الحي له ويستبشر به

روایات متواتر است که مرده زائر قبرش را می‌شناسد و خوشحال می‌شود.

أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ج ۱، ص ۵، الوفاة: ۷۵۱ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۳۹۵ - ۱۹۷۵

#### ۵. ابن کثیر دمشقی سلفی

ابن کثیر دمشقی سلفی از بزرگان اهل سنت در تفسیرش تصریح می‌کند که روایات متواتر وجود دارد که مردگان، زائران قبرشان را می‌شناسند و با دیدن آنها خوشحال می‌شوند:

وقد تواترت الآثار عنهم بأن الميت يعرف بزيارة الحي له ويستبشر فرؤى ابن أبي الدنيا

في كتاب القبول عن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من رجل يزور قبر أخيه ويجلس عنده إلا استأنس به ورد عليه حتى يقوم وروي عن أبي هريرة رضي الله عنه قال إذا مر الرجل بقبر يعرفه فسلم عليه رد عليه السلام

وبه درستی که روایت متواتر از صحابه وجود دارد که مرده زائر قبرش را می‌شناسد و

خوشحال می‌شود، ابن ابی دنیا در کتاب قبول از عایشه روایت کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که به زیارت قبر برادر مؤمنش برود و در کنار قبرش بنشیند، از درون قبر جوابش را می‌دهد و از آمدنش خوشحال می‌شود تا اینکه از کنار قبر برود، و ابو هریره از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: هرگاه که شخصی به قبر کسی گذر کند که او را می‌شناسد و سلام کند جواب سلامش را می‌دهد.

ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفى ۷۷۴هـ)، تفسير القرآن العظيم، ج ۳، ص ۴۳۹

ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۱هـ

#### ۶. ابن جریر طبری

محمد بن جریر طبری از بزرگان اهل سنت می‌نویسد که بیشتر علما قائل به شنیدن مردگان هستند و روایات این باب را تصحیح کرده اند:

فقال جماعة يكثر عددها بتصحيحها وتصحيح القول بظواهرها وعمومها وقالوا الميت بعد موته يسمع كلام الأحياء ولذلك قال النبي صلى الله عليه وسلم لأهل القليب بعدما ألقوا فيه ما قال قالوا وفي قوله لأصحابه إذ قالوا أتكلم أقواما قد ماتوا وصاروا أجسادا لا أرواح فيها فقال (ما أنتم بأسمع لما أقول منهم).

جماعت زیادی از علما روایات سماع مردگان در جنگ بدر را تصحیح کردند و عمل به ظاهر آن روایات کردند و قائل شدند کهانسان بعد از مردن صدای زندگان را می شنود و بخاطر این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با کشتگان بدر صحبت کردند بعد از انداختنشان در چاه و فرمایش پیامبر به اصحابش وقتی اعتراض کردند و گفتند با مردگانی صحبت می کنید که جسد بون روح هستند پس حضرت جواب داد : شما شنواتر از آنها به حرفهای من نیستید

الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب (متوفای ۳۱۰)، تهذیب الآثار، ج ۲، ص ۴۹۱ تحقیق: محمود محمد شاکر، ناشر: مطبعة المدنی - مصر، الطبعة: الأولى.

## ۷. انصاری قرطبی

امام اهل سنت قرطبی می نویسد، اگر مرده نمی شنید به او سلام نمی شد؛ پس مرده می شنود و این مطلب واضح است و به تحقیق ما آن را در کتاب تذکره بیان کردیم .

وبأن الميت يسمع قرع النعال إذا انصرفوا عنه إلى غير ذلك فلو لم يسمع الميت لم يسلم عليه وهذا واضح وقد بيناه في كتاب التذكرة.

الأنصاری القرطبی، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۳، ص ۲۳۳، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

## ۸. آلوسی بغدادی

آلوسی علامه اهل سنت می نویسد که قول حق این است که مردگان می شنوند:

والحق أن الموتى يسمعون في الجملة.

الآلوسی البغدادی الحنفی، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفای ۱۲۷۰هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۱، ص ۵۷، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

## ۹. محیی الدین نووی

نووی شارح صحیح مسلم می نویسد که مرده صدای کسانی که کنار قبر هستند را می شنود:



اثبات فتنة القبر وسؤال الملكين وهو مذهب أهل الحق ومنها استحباب المكث عند القبر

بعد الدفن لحظة نحو ما ذكر لما ذكر وفيه أن الميت يسمع حينئذ من حول القبر.

اثبات سؤال منكر و نكير در قبر مذهب اهل حق است و به خاطر این است که بعد از دفن

مستحب است که چند لحظه‌ای در کنار قبر بمانند و اینکه مرده صدای کسانی که دور قبر هستند را می‌شنود .

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعه بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، شرح

النووی علی صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۹، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲ هـ

### ۱۰. ابن حجر هیثمی

وی در پاسخ سؤالی می‌گوید: مردگان کلام مردم را می‌شنوند:

هل يَسْمَعُ الْمَيِّتُ كَلَامَ النَّاسِ فَأَجَابَ بِقَوْلِهِ نَعَمْ لِحَدِيثِ أَحْمَدَ وَجَمَاعَةٍ إِنَّ الْمَيِّتَ يَعْرِفُ

من يُغَسَّلُهُ وَيَحْمِلُهُ وَيُدْلِيهِ فِي قَبْرِهِ.

آیا مرده کلام مردم را می‌شنود ، جواب : بله بخاطر روایت احمد بن حنبل و جماعتی از علما

که مرده کسی را که او را غسل می‌دهد و جنازه‌اش را حمل می‌کند و کسی که او را در قبر می‌گذارد را می‌شناسد .

ابن حجر الهیثمی (متوفای ۹۷۳ هـ)، الفتاوی الکبری الفقهیة، ج ۲، ص ۲۹، دار النشر : دار الفكر

### ۱۱. محمد بن حسن شیبانی

وی نیز اجماع اکثر صحابه را بر شنیدن مردگان گزارش کرده است:

واجماع اکثر الصحابة عليه.

الشیبانی ، أبو عبد الله محمد بن الحسن (متوفای ۱۸۹ هـ) ، الجامع الصغیر وشرحہ النافع الکبیر ، ج ۱،

ص ۲۷۳ ، دار النشر : عالم الکتب - بیروت - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى

### ۱۲. ابن بطال بکری قرطبی

ابن بطال نیز در شرح بخاری همچنین سخنی دارد:

۵۲ - بَابُ الْمَيِّتِ يُسْمَعُ خَفَقَ النَّعَالِ

ابن بطلان البكري القرطبي، ابوالحسن علي بن خلف بن عبد الملك (متوفى ٤٤٩هـ)، شرح صحيح البخاري، ج ٣، ص ٣٢٠ تحقيق: ابوتميم ياسر بن إبراهيم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م.

### ١٣. جلال الدين سيوطي

سيوطي بر شنیدن مردگان اعم از انبياء و غير آنها، تصريح دارد:

وأما الإدراكات كالعلم والسمع فلا شك أن ذلك ثابت لهم ولسائر الموتى.

و اما ادراكات مثل علم و شنیدن، شکی نیست که ثابت است برای انبياء و برای ديگر مردگان. السيوطي جلال الدين عبد الرحمن الوفاة: ٩١١هـ، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ج ١، ص ٢٠٢، دار النشر: دار المعرفة - لبنان - ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد المجيد طعمه حلبي  
وی در پاسخ این پرسش که آیا میت سخن مردم و مدح و ثنای آن را می شنوند؟ گفته است که مردگان می شنوند. متن استفتاء و جواب آن این است:

وأما المسألة الثالثة: وهي هل يسمع الميت كلام الناس وثناءهم عليه وقولهم فيه؟ فنعم

أيضاً، أخرج الإمام أحمد في مسنده، والمرزوقي في الجنائز، وابن أبي الدنيا، وغيرهم من طريق أبي عامر العقدي عن عبد الملك بن الحسن المدني عن سعد بن عمرو بن سليم عن معاوية أو ابن معاوية وعن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إن الميت يعرف من يغسله ويحمله ويدليه في قبره) وأخرجه الطبراني في الأوسط من طريق آخر عن أبي سعيد،

واما مسئله سوم: آیا مردگان كلام و ثناء زندگان را می شنوند؟ بله احمد حنبل در مسند خود و مروزی در کتاب جنائز و ابن ابی دنیا و ديگران از ابی عامر از عبد الملك بن الحسن مدنی از سعد بن عمرو بن سليم از معاوية یا ابن معاوية و از ابی سعيد خدری نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: مرده کسی را که او را غسل می دهد و جنازه اش را حمل می کند و کسی که او را در قبر می گذارد را می شناسد.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الحاوي للفتاوى في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٦٢، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

## ۱۴. أحمد بن إدريس صنهاجی

وی می نویسد که مردگان در قبرهایشان موعظه و قرآن و ذکر و تسبیح و تهلیل (سبحان الله و لاله الا الله) را می شنوند :

وكذلك الموتى يسمعون في قبورهم المواعظ والقرآن والذكر والتسبيح والتهليل ولا ثواب لهم فيه على الصحيح لأنهم غير مأمورين بعد الموت ولا منهيين فلا إثم ولا ثواب لعدم الأمر والنهي هذا أحد أسباب المثوبات.

و همچنین مردگان در قبرهایشان موعظه و قرآن و ذکر و تسبیح و تهلیل (سبحان الله و لاله الا الله) را می شنوند و بنابر قول صحیح ثواب و عقاب ندارند چون مردگان بعد از مردن مأمور و منهی نیستند و پس نه گناهی بر آنان است و نه ثوابی به خاطر نبود امر و نهی که از اسباب ثواب و عقاب است .

أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجی القرافي الوفاء: ۶۸۴هـ، الفروق أو أنوار البروق في أنواء الفروق (مع الهوامش) ، ج ۴، ص ۳۹۲، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م، الطبعة: الأولى، تحقيق: خليل المنصور

## ۱۵. تمیمی حنبلی

وی نیز در کتاب «الفواکه» بعد از نقل روایات مربوط به کشتگان بدر می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم في ذلك تخصيصاً ،

روایات شنیدن کشتگان بدر بعد از مرگ روایت صریحی در اثبات شنیدن مردگان است و پیامبر صلی الله علیه وسلم در شنیدن مردگان نفرموده که مختص به کشتگان بدر است .

التمیمی الحنبلی، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفای ۱۲۲۵هـ)، الفواکه العذاب فی الرد علی من لم يحکم السنة والكتاب، ج ۶، ص ۱۹۵، طبق برنامه الجامع الكبير.

## ۱۶. جکنی شنقیطی

وی نیز در ذیل روایتی می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم فيه تخصيصاً .

الجكنى الشنقيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ۱۳۹۳هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ۶، ص ۱۳۰ تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م.

## ۱۷. محمد بن عبد الوهاب

ابن عبد الوهاب نیز اعتراف به شنیدن مردگان دارد :

أخرج أحمد وغيره عن أبي سعيد أن النبي صلى الله عليه وسلم قال : ' إن الميت يعرف من يغسله ويحمله ومن يكفنه ومن يدليه في حفرته ' .

وأخرج أبو نعيم وغيره عن عمرو بن دينار قال : ما من ميت يموت إلا روحه في يد ملك الموت ينظر إلى جسده ، كيف يغسل ، وكيف يكفن ، وكيف يمشى به ، ويقال له وهو على سريره : **اسمع ثناء الناس عليك** .

وأخرج ابن أبي الدنيا معناه عن جماعة من التابعين بلفظ : بيد ملك . بلا إضافة .

وللشيخين عن أنس : أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على قتلى بدر فقال : ' يا فلان بن فلان يا فلان بن فلان هل وجدتم ما وعد ربكم حقاً ؟ فإني وجدت ما وعدني ربي حقاً ' فقال عمر : يا رسول الله ، كيف تكلم أجساداً لا أرواح فيها ؟ فقال : ' ما أنتم بأسمع لما أقول منهم ، غير أنهم لا يستطيعون أن يردوا علي شيئاً ' .

احمد بن حنبل و دیگران از ابی سعید خدری از رسول الله صلى الله عليه وسلم نقل کردند که فرمود : مرده شخصی که او را غسل می دهد و کسی که جنازه او را برمی دارد و کسی که او را کفن می کند و کسی که بدن او را در قبر می گذارد را می شناسد.

و ابو نعیم و دیگران از عمرو بن دینار نقل کردن که گفته : هر کس که بمیرد روحش در دست فرشته مرگ است و به جسده نگاه می کند ، چگونه غسلش می دهند و چگونه کفنش می کنند و روی دوش می برند و در حالی که در تابوت است به او گفته می شود که : **ثناى مردم را بر خودت بشنو** .

و ابن ابی الدنیا این روایت را به همین مضمون از جماعتی از تابعین با این لفظ نقل کرده است : **بید ملک ، بودن هیچ اضافه ای** .

مسلم و بخاری از انس نقل می کنند : پیامبر صلى الله عليه وسلم کنار کشته های بدر ایستاد پس فرمود : ای فلان بن فلان ، ای فلان بن فلان آیا آنچه که خدا به شما وعده داده بود را حق یافتید ؟ همانا که من آنچه را که خدایم وعده داده بود را حق یافتم ، پس عمر گفت : ای رسول الله ، چگونه با

اجسادی حرف می‌زنی که روح در آنها نیست؟ پیامبر فرمود: شماها شنواتر از آنها به آنچه می‌گوییم نیستید، غیر از اینکه آنها نمی‌توانند پاسخ دهند.

محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ هـ)، أحكام تمنی الموت، ج ۱، ص ۴۵۸، تحقیق: الشيخ عبد الرحمن بن محمد السّدحان، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرین، ناشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى. همچنین از بسیاری دیگر از علمای اهل سنت، تصحیح روایات مربوط به شنیدن مردگان و پاسخ دادن آنها را آوردیم که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

## نتیجه‌گیری:

۱. به اقرار علمای اهل سنت، آیاتی که وهابیون برای مقصود خویش به آن استدلال می‌کنند، دلالت بر مدعای آنها ندارد.
۲. تنها کسی از بزرگان اهل سنت، به وی قول به عدم سماع موتی نسبت داده شده است، عائشه است و وی نیز از نظر خود برگشته است.
۳. آیات فراوانی وجود دارد که به اقرار علمای اهل سنت، دلالت بر حیات برزخی اموات، قدرت شنیدن آنها و پاسخگویی آنها دارد.
۴. اجماع اهل سنت بر حیات برزخی اموات، و قدرت شنیدن آن و پاسخگویی آنها است.
۵. احادیث اهل سنت در حیات برزخی اموات، و قدرت شنیدن آنها و پاسخگویی آنها متواتر و بسیاری از آنها صحیح و یا حسن است.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)